

۵۷ سال جنایت، غارت، شکنجه و آذینسوزی
در زندانی بزرگ بیام کشور پهلشاهی

شکنجه و تیرباران افسران آزاد یخوواه

۳۹ مورد از اتهامات شاه جاش برای ارات بدادشاه

محمد حسن موری



مدارکی که بدانگاه مامور رسیدگی به جنایات و محاکمه
شاه مخلوع ارائه میشود

سنگجه و تیرباران افسران مبارز

بدستور شاه سفاک

ماجرای اختفا دکتر حسین فاطمی وزیر امور خارجه
مرحوم دکتر مصدق

۵۷ سال جنایت ، غارت ، شکنجه

و آدمسوزی در زندانی بزرگ

بنام

کشور شاهنشاهی

خواننده عزیز

تصمیم گرفته‌ام شما را از آنچه را که در مدت پنجاه و هفت سال دوران تسلط رضاخان و پسرش بر ملت ایران گذشته شرح دهم تا بلکه بتوانم در فکر یک فرد بیگانه بر این ستم‌ها تصور و تجسم روحیه یک ایرانی ستم‌دیده را که مدت ۵۷ سال تمام در زندان بزرگی بنام زندان ایران بسر برده بوجد آورم ، بجهانیان آشکار سازم که ایرانی اصیل تاچه حد از این پدر و پسر خائن و حامیان آنان نفرت دارد .

زیرا انزجار و تنفر عمومی بحدی است که اگر محمد رضا و خانواده و کلیه طرفداران وی اعم از آنهایی که از ایران فرار کرده‌اند و یا در داخل ایران بسر می‌برند و با سیاستمداران خائنی که از جنایات و اعمال وی حمایت میکنند چنانچه محاکمه و اعدام و مجازات شوند باز ذره‌ای از این حس نفرت عمومی و خشم و غضب مردم کاسته نخواهد شد .

این آتشی است که مدت ۵۷ سال تمام دل ملتی را سوزانیده بنا بر این تا قرن‌ها شعله ور خواهد ماند . من از شما خواننده عزیز می‌پرسم آیا اعدام نصیری‌ها ، هویداها و امثال آنها ذره‌ای از حس نفرت عمومی نسبت بانان کاسته است ؟ ابداً" و اگر هزاران بار زنده شوند و باز اعدام گردند میزان خشم مردم نسبت باعمال آنان باقی خواهد بود .

ظلم و ستم پنجاه و هفت ساله بحدی بزرگ ، وسیع و بردامنه است که نه فقط نویسنده از شرح و بیان قطره‌ای از این دریای عظیم جنایات عاجز است بلکه بی‌مبالغه باید ادعا کرد قلم و بیان نویسندگان و گویندگان

جهان نیز از شرح و بیان همه آنها عاجز میباشند .
در مدت یکسال که از انقلاب بزرگ ایران میگذرد با اینکه همه روزه قسمتی از اعمال تنگین و جنایات محمدرضا و اطرافیان و اقوام وی درجرائد ، رسانه های گروهی و دادگاههای انقلاب منتشر میشود هنوز تمام شدنی نیست .

هردم از این باغ ببری میرسد تازه تر از تازه تری میرسد
روزی نیست که بر اثر اطلاع از ظلم و جنایت بزرگ تازه ای چشمان ملت ایران گریان نشود نتیجه اعمال و جنایات پنجاه و هفت ساله عبارت از صدها هزار مقتول و ده ها هزار معلول و بی دست و پا ، ایرانی خراب و ملتی ستم دیده و غارت شده که حاضر است برای دفاع از انقلاب و آزادی مقدس خود هر ضد انقلاب خائن را سرکوب و نابود سازد . و مدافعین سرسپرده شاه خائن را بسر جای خود بنشاند . برای جمع آوری و تشریح دقیق جنایات و غارتگری های ۵۷ ساله ضروری است صدها جلد کتاب قطور برشته تحریر در آید تا بتوان حق مطلب را ادا کرد کار بقدری وسیع و بزرگ است که در بروشورهای کوچک نمی توان این کار را عملی کرد .

در نتیجه همین جنایات و ستم های سالیان دراز بود که ملت ایران مجهز با یمان پیروزی بطور حیرت انگیز متحد شد در جبهه واحد بپا خاست و تظاهرات و راه پیمائی های میلیونها نفری علیه جور و ظلم شاه مخلوع بوجود آورد که مخبرین خارجی از تماشای آنها دچار حیرت و شگفتی شدند و آن را بزرگترین تظاهرات قرن نامیدند زیرا نظیر آن در هیچیک از انقلابات بزرگ جهان نه در انقلاب کبیر فرانسه و نه در انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ شوروی دیده نشده بود .

قرباندهای پرشکوه که از امواج صقوف دهها هزار نفر زنان و مردان مسلمان در روزهای تاسوعا و عاشورای سال ۵۷ برمی خاست و با احساسات تمام بدون ترس از رگبار مسلسل هلیکوپترهایی که بالای سر آنها پرواز میکردند شعر معروف " زیر بارستم نمی کنیم زندگی مرگ بر این شاه " را میخواندند

هیچوقت فراموش نمیشود .

عده‌ای شاه سفاک رابا هیتلر و موسولینی و جنایتکاران بزرگ جهان مقایسه میکنند و یا وی را حیوان درنده‌ای میدانند که بصورت انسان خون آشامی ظاهر شده باشد ، یا بیماری که بخاطر ثروت و مقام خود ۳۶ میلیون نفر انسان را بزور سرنیزه و کشتارهای دسته جمعی و یکمک سیا و ساواک بزننجیر کشیده باشد ، ولی بنظر نگارنده هیچکدام از این مقایسه‌ها برای نشان دادن اعمال وی و ترسیم و تشریح کارها و آثار جنایاتش رسا نیست و نمی‌تواند حق مطلب را ادا کند .

نویسنده در سال ۱۲۹۹ شمسی پای بجهان وجود گذاشتم یعنی درست همان سالی که رضاخان کودتا کرد و عمر و جوانی خود را در دوران سلطه رضاخان و پسرش در زندان بزرگی بنام کشور شاهشاهی سپری نموده‌ام و ماتند دیگر هموطنان همسالم پایبای حکومت ظلم و بیداد شاهد جنایات و زورگوئی دوران سیاه دیکتاتوری بوده‌ام و هر موقع اعتراض کرده‌ام صدایم را پلیس مخوف رضاخان و ساواک جهنمی در گلویم خفه کرده است .

بنا بر این چون مدت ۵۷ سال شاهد ماجرا بوده‌ام شاید بهتر از یک خبرنگار و مفسر آمریکائی یا انگلیسی بتوانم درباره جنایات و اعمال ننگین دوره سیاه سلطنت رضاخان و پسرش اظهار نظر کنم و چون همیشه درد ملت را با روح و احساس خود لمس کرده‌ام می‌توانم آثار حاصله از این جنایات و غارتگری‌ها را تشریح نموده و درباره آنها قضاوت کنم .

بنظر نویسنده تا کنون هیچیک از جنایتکاران بزرگ قرون نتوانسته‌اند آثار شومی از خود باقی بگذارند که قابل مقایسه با اعمال شاه سفاک باشد .

مورخین میگویند که ساختمان دیوار معروف چین مدت ۲۰ سال بطول انجامید و برای ساختن آن از وجود مخالفین هیئت حاکمه وقت و اسیران و زندانیان سیاسی استفاده میشده و در مدت ۲۰ سال در اثر شکنجه عمال ظلم و کارهای طاقت فرسا و گرسنگی دو میلیون نفر انسان نابود شدند .
و نیز معروف است که هنگام ساختن تخت جمشید و اهرام ثلاثه مصر

ده‌ها هزار نفر اسیر و زندانی نگون بخت زیر ضربه شلاق ستمگران جان باختند. اگر در مقام مقایسه برآییم شاید بتوانیم بعضی از اعمال و جنایات شاه جنایتکار را با نمونه‌هایی از زمان‌های دور مقایسه کنیم. ولی باید اذعان کرد نه هیتلر و نه زمامداران و حکام چین قدیم حاضر نشده‌اند هم‌نوع خود روزنامه نگار معروف و شجاعی را با نفت آتش بزنند و بسوزانند و تماشاگر صحنه فجیع باشند و سوزاندن ژاندارک نیز بخاطر مخالفت انفرادی با دیکتاتوری نبوده است .

بهر صورت اطلاق کلمات ظلم و ستم با اعمال شاه کافی نبوده و این کلمات برای بیان اعمال و جنایات وی نارسا می‌باشند مگر اینکه بگوئیم برای اولین بار در جهان انسان نمائی پیدا شد که با تفاق اعوان و انصار خود معنی و مفهوم حقیقی ظلم و ستم ملی را عملاً برای ملتی در مدت ۳۷ سال فهمانید .

در زیر بطور خلاصه بنمونه‌هایی از جنایات دوران سلطنت پرازنگ و ادبار محمدرضا و پدرش اشاره میشود و اضافه مینماید که اینها می‌تواند قسمت کوچکی از ادعای مفصل دادستان دادگاه محاکمه شاه جلاد و پدرش را تشکیل دهد :

۱- با آتش کشیدن سینما رکس آبادان که بدستور مستقیم شاه سفاک صورت گرفت که طی آن هفتصد نفر انسان بیگناه که اکثریت آنان پسران و دختران جوان وزن و بچه بودند در آتش سوختند و خاکستر شدند . میگویند شاه این جنایت فجیع را بمنظور بدنام کردن روحانیت انجام داد ولی رفتار رئیس شهربانی وقت و پاسبان‌ها و اهمال عمدی آتش نشانی شهر چنگال خوتین و جنایت بار شاه را نشان داد .

۲- کشتار بیرحمانه پنجهزار نفر زنان و مردان و اطفال معصوم و بیگناه در ۱۷ شهریور میدان شهدا بمنظور سرکوبی قیام مقدس مردم .

۳- توطئه یورش اوباش و عوامل ساواک با چماقهای مجهز بمیخ به مسلمانان در مسجد کرمان و کشتار و زخمی نمودن مردم بیگناه با چاقو و

چماق و پاره آجر و پاره کردن پیراهن زنان (ارتکاب با عملی که شاید در قرون وسطی هم باین صورت وحشیانه و غیر انسانی صورت نگرفته است)
 ۴- آتش زدن کریم پور شیرازی روزنامه نگار شجاع و مبارز (مدیر روزنامه شورش) با نفت و تماشای منظره رقت انگیز سوختن یک انسان در آتش برای خواباندن حس کینه و انتقام ، مشابه این عمل حتی در دوران امپراطوران سفاک روم قدیم هم دیده نشده است . قابل تصور نیست که دیکتاتوری بخود اجازه دهد هم نوع خود را در آتش بسوزاند ، و از طریق کشیدن ناخن دست و پا و انواع شکنجه‌ها از قبیل ادخال سیم و یا مواد مجروح‌کننده بمجاری ادرار و تناسلی زندانیان بخواهد از آنان اقرار بگیرد اگر بعاملین چنین جنایاتی حیوان وحشی خطاب کنیم آیا در حق حیوانات وحشی بیعدالتی ننموده‌ایم ؟ ؟

۵- کشتار بیش از شصت هزار انسان بوسیله رگبار مسلسل‌ها و توپها در شهرها و دهات هنگام تظاهرات یا موقع نوشتن شعار علیه رژیم جبار و حمله کردن با تانک بسوی اجتماع ده‌ها هزار نفری مردم له و لورده کردن جوانها زیر چرخ تانکها و انداختن جوانان زخمی در آتش و برجا گذاشتن ده‌ها هزار جوان معلول بی دست و پا که همه سلامتی خود را برای همیشه از دست داده‌اند شما تصور می‌کنید که مشاهده این جوارهای معلول در شاه خائن و خونخوار که نتیجه مستقیم جنایات او است در وی کوچکترین اثر تاء سف انگیزی خواهد کرد ؟ خیر ابداً چون او انسان نیست

۶- سوزاندن اعضاء بدن جوانان و ااره کردن دست و پای آنان و کشیدن ناخن‌های دست و پا و فرو کردن سوزن با اعضاء جوانان و توسل به انواع واقسام شکنجه‌ها با استفاده از وسائل مدرن و مترقی شکنجه که سازمان " سیا " در اختیار ساواک گذاشته بود بمنظور گرفتن اعتراف در مورد سازمان و یا رفقای زندانیان که شاید در مواردی اصلاً چنین سازمانی و یا همکاری وجود خارجی نداشته و تخیلی باشد

۷- تشکیل مجالس و احزاب و دولت‌های فرمایشی زیر نظر

مستقیم امپریالیست‌ها و بدستور مستقیم آنها و انجام باصطلاح انتخابات ۱۱ فرمایشی با رعایت نظر بیگانه و بمنظور اجرای اهداف شوم بیگانگان و تصویب و اجرای قوانین ضد مردمی و حافظ منافع بیگانه‌ها کنون نیز پس از فرار از ایران در زیر حمایت بیگانه در بدر از این مملکت بآن مملکت میگریزد تا شاید بتواند برای مدت کوتاه زندگی بر از ننگ و ادبار خود و اطرافیان جانی و غارتگر را نجات دهد .

۸ - شرکت اشرف خواهر کثیف شاه در قاچاق‌های بزرگ مواد مخدر بخصوص هروئین و اشاعه آن بین جوانان کشور و تصویب و اجرای قوانین شدید برای تعقیب و مجازات قاچاقچیان نه بنفع مصالح عامه مردم بلکه فقط و فقط بنفع منافع شوم اشرف هر روز دسته دسته قاچاقچیان را اعدام میکردند ولی روز بروز مصرف هروئین و تریاک بین مردم گسترش می‌یافت و بطوریکه خوانندگان عزیز اطلاع دارند دو سال قبل در پاریس رقبای بزرگ قاچاقچی هروئین بقصد کشتن اشرف بسوی اتومبیل وی تیراندازی کردند ولی وی جان سالم از مهلکه بدر برد و زنی پشت ماشین کشته شد .

۹ - ترور ناجوانمردانه محمد مسعود روزنامه نگار شجاع و مبارز بخاطر مطلبی که در باره ارزش پالتو پوستی اشرف بنقل از مجله آلمانی در هفته‌نامه معروف " مرد امروز " چاپ و منتشر کرده بود .

۱۰ - برقرار کردن حکومت پلیسی و میلیتاریستی دائمی از طریق تبدیل ایران بیک زندان بزرگ و سیاه اختناق و از بین بردن همه گونه آزادیها (آزادی قلم و بیان و اجتماعات) و ممنوع کردن همه گونه مجالس مذهبی اجتماعی و تعقیب علنی روحانیون و آزادیخواهان، این اختناق آزادی از اوائل دوران سلطنت ننگین رضاخان تا سقوط و فرار محمدرضا بمدت ۵۷ سال ادامه داشته و در روحیه و اخلاقیات ملت ما اثر بسیار نامطلوب بجا گذاشته است که زدودن آن از افکار مردم مدت زمانی وقت میخواهد .

۱۱ - شرکت مستقیم شاه سفاک و برادرانش در دزدیها و غارتگری‌های بزرگ از طریق سهام شدن در شرکت‌های بزرگ داخلی و خرید سهام شرکت‌های

غارتگر خارجی و دزدیهای بزرگ برادران و خواهران و اقوام و وابستگان شاه مزدور از طریق خرید و فروش زمین و تولیدات صنعتی و معدنی کشور و وارد کردن کالا بکشور بدون پرداخت عوارض گمرکی و خروج ارز از کشور که نتیجهاش بوجود آمدن کاخهای عظیم در داخل کشور و ویلاهای وسیع و گران قیمت در تمام نقاط جهان با اثاثیه و مللمان گرانبها شده است و نیز مداخله مستقیم شاه در دزدیهای بزرگ دولتی ضمن خرید وسائل و تجهیزات ارتشی از قبیل هواپیماها و تانکها و توپها و کشتیها بوسیله سازمان صنایع نظامی و استفاده مستقیم شاه از بودجه و اعتبارات عظیم طرحهای عمرانی ارتشی و غیرارتشی و برداشت از اعتبارات مزبور در پایان سال مالی برخلاف قوانین مصوبه موجود بجای تحویل اضافه اعتبارات بخزانة داری کل (اگر اعتبارات عمرانی وزارت جنگ در ده سال گذشته مورد رسیدگی قرار گیرد و موشکافی شود سوء استفاده شاه و اطرافیان او برملا خواهد گردید .)

۱۲ - مصرف میلیاردها ریال از حق انسانی زانگه نشینان و طبقات ستمدیده و فقیر و مستضعفین کشور با مورثی ضروری از قبیل مراسم تاجگذاری و ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی کثیف و پذیرائیهای پرخرج و دائم از روسای دولتهای خارجی و اربابان غارتگر و پرداخت وجوه کلان و مستمری بمجلات مزدور و جرائد پرتیراز کشورهای سرمایه داری برای درج مقالات و گزارشهای دروغین درباره کارهای سلطنت منحوس و زندگی خاندان ننگ بمنظور افزایش شهرت و گسترش نفوذ و اعتبار ساختگی خود در میان ملل دیگر و از بین بردن آبروی ملت و جلوگیری از اطلاع ملتها از واقعیت حکومت پلیسی و اختناق و شکنجه آزادیخواهان و مسلمانان بوسیله سازمان جهنمی ساواک و ارتشی که در پست در اختیار امپریالیستها قرار داشت و مستشاران خارجی آمریکائی بر آن حکمروائی داشتند .

۱۳ - استخدام مستشاران آمریکائی برای ارتش و ساواک و پرداخت هزینه سنگین خود و عائله آنان بمنظور حفظ قدرت امپریالیزم آمریکا در ایران در زمان سحمدرضا و استخدام مستشاران نظامی آلمان فاشیست در

زمان رضاخان که پس از شهریور ۲۰ از ایران فرار کردند و موجب بمباران و حمله به ایران بوسیله متفقین شدند .

۱۴ - تشکیل سازمان جهنمی ساواک و تجهیز آن با وسائل شکنجه مدرن با راهنمایی "سیا" و "موساد" بمنظور شکنجه انسان بوسیله انسان وحشی و سرکوب و از بین بردن آزادیخواهان و مسلمانان که برای نجات ایران از یوغ استعمار و استبداد و استحمار مبارزه میکردند و اطلاق نام خرابکار و خائن به بهترین و محترمترین جوانان مبارز و پرشور کشور .

۱۵ - پرداختهای سرسام آور شاه بدون اطلاع و اجازه ملت از بودجههای دولتی که مالک آن ملت ایران است در خارج از کشور بممالک دیگر بدستور امپریالیست‌ها و خرید سهام شرکتهای مهم دنیا از قبیل کروپ آلمان و غیره در حالی که این شرکتهای ضرر می‌کنند ((خبرنگاری از شاه فاسد در دوران قدرتش می‌پرسد شما ۱۳٪ سهام کروپ را خریده‌اید در حالی که شرکت مزبور ضرر میدهد شاه جواب میدهد : میدانستم که ضرر میدهد . خواننده عزیز : آیاتاکنون جوابی باین گستاخی و وقاحت را از سیاستمداران و یا دیکتاتورهای جنایتکار جهانی شنیده‌اید وی صریحاً میگوید با پول ملت ایران سهام شرکتی را که ضرر میدهد با علم و اطلاع کامل از ضرر شرکت خریده‌ام یعنی من خودم را وصی و قیم ملت میدانم و هرکار دلم میخواهد انجام میدهم حتی خرید سهام شرکتهای ورشکسته البته با رعایت دستور محرمانه امپریالیزم آمریکا و سایر امپریالیست‌های ذینفع در ایران که نمایندگی آنان را در ایران بعهدہ گرفته‌ام و تعهد شوم را با کشتار دسته جمعی مردم اجرا می‌کنم)) .

۱۶ - یکی از بزرگترین گناهان شاه و پدر جبارش در دوران حکومت ۵۷ ساله تبدیل فرهنگ و مدنیت ملی ایران بفرهنگ و مدنیت و رسوم استعماری و وابسته و ترویج افکار بت پرستی و خودخواهی و طاغوتی در بین جوانان و برقراری اصول زورگوئی و زور شنوی ، فخر فروشی و ثروت اندوزی ه از بین بردن ارزشهای انسانی تقوی و معنویت، چنین افکار طاغوتی بحدی

در بین مردم، دستگاههای دولتی مدارس و نیروهای انتظامی ریشه دوانیده و رسوخ کرده که بصورت اخلاق و رسوم عادی درآمدی است و زدودن آن از افکار مدت زمان بیشتری می‌خواهد با اینکه مدت یکسال است بطور مداوم از عواقب و آثار شوم رژیم دیکتاتوری در رسانه‌های گروهی و جراید بحث میشود هنوز هم افرادی با افکار مالیخولیائی می‌اندیشند و وجود دیکتاتور را برای مردم ضروری می‌شمارند، وظیفه بزرگ و انقلابی همه ما اینست که فرهنگ موجود را بکلی واژگون کنیم و اصول طاغوتی را نابود سازیم و بجای آن فرهنگ و رسوم و آداب ملی و اسلامی و ایرانی را جایگزین گردانیم.

۱۷- تبدیل ایران از جامعه تولید بجامعه مصرف بمنظور مصرف محصولات غذایی خارجی از قبیل گندم و برنج و گوشت و مواد صنعتی خارجی و اجرای سیاست اقتصادی کشورهای امپریالیستی در ایران و بوجود آوردن بازار ثابت برای همه کالاهای خارجی در مقابل خروج ارزهای حاصل از درآمد نفت بخارج و نابود کردن فعالیت‌های علمی و صنعتی و هنری در کشور.

۱۸- از بین بردن کشاورزی و دامداری ایران و ویران کردن دهات با تصویب و اجرای قانون با اصطلاح اصلاحات ارضی در مجلس فرمایشی و محتاج کردن ملت بمحصولات خارجی از قبیل گندم و برنج و گوشت بمنظور ایجاد وابستگی اقتصادی با امپریالیزم آمریکا و بطوریکه همه دیدیم پس از ویرانی دهات دهقانان بشهرها هجوم آوردند و وضع زندگی شهری و اقتصاد آن نیز بهم ریخت و دهقانان بجای اشتغال در کار کشاورزی و تولید محصول به رانندگی و مسافرکشی در شهرها و یا فروش بلیط‌های بخت‌آزمایی و این قبیل کارهای غیرتولیدی مشغول شدند و طفیلی‌زندگی شهرنشین‌ها شدند و بر تعداد مصرف کنندگان افزودند.

۱۹- اعزام قوای نظامی بظفار بمنظور سرکوب تهصب آزادیخواهان و قیام مقدس ستمدیدگان و بیماران دهات و قصبات و کشتار مردم بیگناه و بکشتن دادن سربازان ایرانی (طبق اطلاع هزاران نفر سرباز ایرانی در ظفار کشته شده‌اند و میلیاردها دلار اسلحه برای سرکوب جنبش آزادیبخش

ظفار ارسال شده است)

۲۰- ارسال اسلحه بارزش میلیاردها دلار بکشورهای خارج بمنظور کمک و تقویت دیکتاتورها و دولت‌های پושالی و غیرملی بدستور امپریالیزم آمریکا .

۲۱- بآتش کشیدن سینماها و بانکها و فروشگاههای بزرگ و از بین بردن اموال دولتی بوسیله عوامل ساواک در روزهای آخر قبل از انقلاب بمنظور بدنام کردن روحانیت و آزادخواهان .

۲۲- از بین بردن جهان پهلوان آزادخواه غلامرضا تختی .

۲۳- قتل رهبر بزرگ و دانشمند زحمتکشان ایران دکتر تقی ارانی در زندان بدستور رضاخان قاتل و شکنجه و از بین بردن آزادخواهان ایران در دوران منحوس رضاخان .

۲۴- کشتار بیش از دو هزار نفر در مسجد گوهرشاد مشهد بوسیله دژخیمان رضاخان مهتر هنگام ترویج کلاه پهلوی (یکی از رانندگان بنگارنده تعریف میکرد که در آن شب شوم ماشین باری را درگاراژی واقع در نزدیکی مسجد گوهرشاد گذاشته بودم صبح که برای بردن ماشین مراجعه کردم دیدم قفل درب گاراژ را شکسته‌اند و همه جای اطاق ماشین آغشته بخون است تحقیق کردم معلوم شد از ماشین باری و چندین ماشین دیگر شب هنگام برای انتقال جنازه‌های مقتولین مسجد گوهرشاد استفاده نموده و اجساد را شبانه از انظار عمومی مخفی کرده‌اند)

۲۵- کشتار گروه جزنی و دو نفر از مجاهدین اسلام بصورتی فجیع و بیرحمانه بوسیله تهرانی و دیگر شکنجه‌گران جلاد ساواک در زندان اوین .

۲۶- کشتار بیرحمانه هزاران نفر از اهالی آذربایجان بخصوص آزادخواهان تبریز بدست عده‌ای از اوباش و فتووالها پس از وقایع ۲۱ آذرماه ۱۳۲۵ و هنگام ورود ارتش به آذربایجان بتحریک مستقیم شاه و اعدام دسته جمعی ۷۵ نفر از افسران ارتش در آذربایجان .

۲۷- تصرف املاک و زمینهای زراعی مردم بوسیله رضاخان در دوران

۲۰ ساله حکومت سیاه که پس از شهریورماه ۱۳۳۰ این املاک و دهات غصبی به محمدرضا منتقل شد و وضع مالی وی را برای ادامه جنایات تقویت کرد .
 ۲۸ - تشکیل کمیته باصلاح ضد خرابکاری ساواک در سال ۱۳۵۰ که طبق اظهارات صریح بهمن نادری پور معروف به تهرانی شکنجه‌گر معروف ساواک بدستور مستقیم شاه بوجود آمده و ماء مور سرکوب گروههای مسلح مبارزه علیه رژیم شاه منفور گردید و گروه‌های زیر نظر این کمیته جهنمی شب و روز مبارزان را تعقیب میکردند و با فجیع ترین صورتی آنان را شکنجه میکردند و بقتل میرساندند .

(اظهارات تهرانی شکنجه‌گر ساواک که عیناً از تلویزیون پخش شد از روی جنایات بزرگی که بوسیله شاه منفور و عوامل و ایادی جلادوی صورت گرفته پرده برداشت من نمی دانم این انسان نمای عاری از شرف و وجدان انسانی و حیوانی در قبال این جنایات چه جوابی دارد که بملت ایران بدهد ؟ آیا اطلاع از این همه جنایات کافی نیست که ملت ایران هر صدای حمایت از شاه را خواه در داخل مملکت و خواه در خارج از ایران خاموش گرداند ؟

آیا پس از افشای این جنایات باید بکسی امکان و جرات و جسارت باقی گذاشت که ازین عنصر کثیف دفاع نماید ؟) .

۲۹ - تبدیل ارتش ایران بیک آلت بی اراده در دست شاه خائن برای حفظ دیکتاتوری و رژیم اختناق و بمنظور حفظ منافع امپریالیست‌ها از طریق ایجاد اصول اطاعت کورکورانه و مرعوب کردن افسران فهمیده که نتوانند با اعمال خلافی که مشاهده میکنند کوچکترین اعتراضی بنمایند .

نابود کردن شریف‌ترین و بهترین افسران دانشمند ، محاکمه و اعدام و مجازات چهار صد و پنجاه و پنج نفر از آنان ، در مقابل ترفیع درجه عدهای امرای خائن و بی سواد و بیصلاحیت و دزد و سرسپرده ارتش که جز دزدی و تملق و عیش و عشرت و ثروت اندوزی کاری انجام نمی دادند برای اجرای نقشه‌های خائن برانداز امپریالیست‌ها .

انکاء دیکتاتوری شاه مخلوع در درجه اول بارتش بود بدین جهت قسمت اعظم بودجه را همه ساله صرف هزینه‌های ارتش و خرید تجهیزات غیر ضروری نمود.

وی در آخرین مصاحبه تلویزیونی خود با خبرنگاران در روزهای اوج انقلاب ضمن اشاره بقیام ملت ایران با کمال وقاحت در حال یاس و نومیدی گفت: "من و میهن پرستان و ارتش در یک طرف قرار میگیریم" منظور وی از میهن پرستان عوامل و ایادی سازمان جهنمی ساواک و سایر دستگاههای اطلاعاتی بود و در واقع شاه خائن جز جنایتکاران ساواک و امراء مزدور ارتش تکیه گاهی نداشت.

ارتش در آن موقع مانند یک ماشین جهنمی جنگی و گوش بفرمان جنایتکار بزرگ هر جنبنده‌ای را نابود میکرد و افراد ارتش نیز بصورت اسلحه و ابزار جنگی در آمده بودند و تصمیمات شاه را بلا اراده اجرا میکردند بطوریکه دیدیم روز ۱۷ شهریور همین ارتش بود که هزاران نفر زن و بچه و جوانان را در میدان ژاله چشم بسته بمسلسل بست بدون اینکه تعمق کرده و بنفیدیشد که بطرف هم وطنان مسلمان و بیگناه تیراندازی میکند و آنها را بخاک و خون میکشد. از این جا روشن میشود که چرا شاه طی سالیان دراز می کوشید محیط ارتش را از فهمیده ترین و دانشمندترین افسران خالی کند و بعلاوه انضباط خشک و بی چون و چرا بر ارتش حکم فرما سازد تا کسی را یسارای اعتراض در مقابل تصمیمات ضد ملی و ضد انسانی وی نباشد، با فراغ خاطر تجهیزات گران قیمت و غیر ضروری از اربابان بخرد و هزاران نفر از جوانان مطیع و بی اراده را برای سرکوب آزاد مردان ظفار بفرستد و با استفاده از اعتبارات ارتش ویلاهای زیبا در تمام نقاط جهان خریداری نماید.

در حال حاضر اسناد و مدارک بیش از شاید یک هزارم جنایات دوران ۵۷ ساله حکومت پهلوی ها در دسترس نیست و امکان این نیست که بتوانیم همه این جنایات را بجهانیان با مدرک و دلیل ارائه نمائیم ولی دست و پا و اعضا فلج هزاران نفر معلول که بدستور مستقیم شاه جلاد باین روز

افتاده اند و همچنین قبور شهداء راه آزادی در بهشت زهرا و سایر قبرستانها می‌توانند نمونه‌های کوچکی از جنایات سهمگین و بزرگ جلادان پهلوی باشند .

ماز مناظر وحشت‌انگیز شکنجه‌های شکنجه‌گران مخوف ساواک که سالیان دراز در تمام شهرستانهای کشور جریان داشته فیلمبرداری نکرده‌ایم و صدای ضجه و ناله مبارزان راه آزادی و اسلام را هنگام شکنجه ضبط ننموده‌ایم تا در معرض افکار جهانیان قرار دهیم زیرا ملل جهان که محمدرضا را از طریق عکس‌های رنگی و ظاهرا " معصوم چاپ شده روی جلد مجلات پرتیراژ و مزدور و مقالات دروغین روزنامه‌های امپریالیستی می‌شناسند هنوز نمی‌دانند که پشت این تصویر معصوم بزرگترین جنایتکار تاریخ نهفته است در مدت ۵۷ سال حکومت سیاه ده‌ها هزار جوان بیگناه و آزادخواه توقیف و زیر شکنجه جان داده‌اند که حتی تا کنون خانواده آنان نیز نتوانسته‌اند از سرنوشت آنان اطلاع بدست آورند همه باید اذعان بکنیم که مدت ۵۷ سال تمام غول‌بی‌شاخ و دم‌بی‌نام رضاخان و زاده‌وی بنام محمدرضا بدستور امپریالیست‌ها ایران را بزندان بزرگی تبدیل نموده و زندانیانی آن را بعهده گرفته بودند علاوه بر اجرای دستورهای صادره از اربابان خارجی و حفظ منافع سرشار آنان علیه ملت ستم‌دیده بیرحمانه اعمالی مرتکب شده‌اند که حتی در قرون وسطی نیز سابقه نداشته است .

بنظر نویسنده برای دسترسی بآثار جنایات و غارتگری‌های بیحد و حصر و اعمال خائنانه شاه و اطرافیانش باید بمدارک موجود در منابع زیر مراجعه شود : بایگانی‌های ساواک تهران و شهرستانها ، سفارتخانه‌های خارجی بخصوص سفارتخانه‌های آمریکا و انگلستان (متاسفانه چنین بنظرمی‌آید مدارک موجود در سفارت ایران در آمریکا از بین رفته‌است) بایگانی اداره باصطلاح ضد خرابکاری شهربانی ، رکن دوم سناد ارتش و زاندارسری و شهربانی ، بایگانی ادارات حفاظت وزارتخانه‌ها (که اغلب آنها دست نخورده باقی‌است) سازمان صنایع نظامی ، ادارت طرح‌های ارتشی بخصوص

طرح‌های نیروی هوایی و دریائی و زمینی و تاءسیساتی که بوسیله نیروهای انتظامی در نقاط مختلف کشور بخصوص در جنوب ظاهراً " بنام طرح‌های دفاعی اجرا شده است طرح محرمانه باصطلاح دفاعی که بوسیله اسرائیل در زیر دریا در جنوب اجرا گردیده است . پرونده‌های بودجه‌های محرمانه نخست وزیری و سایر وزارتخانه‌ها و دربار سابق ، بایگانی راکد ادارات دادگستری (مربوط بجنایات زمان رضاخان) و بایگانی راکد دربار منحوس رضاخان بدیهی است عوامل رژیم گذشته و دزدان و غارتگران بیت‌المال برای نجات خود و همکاران تا کنون کوشیده‌اند قسمت‌های از این مدارک را از بین ببرند ولی همان مقدار باقیمانده می‌تواند برای کشف حقایق کمک کند .

نسل جوان کشور چون در محیط زور و ستم و جنایت پا بعرصه وجود گذاشته بود اعمال رژیم را عادی می‌دانست زیرا بآنها عادت کرده بود مانند طفلی که در زندان بدنیا آمده باشد و رفتار و کردار خشن زندانبانان و رسوم معموله و محدودیت‌های موجود در زندان حتی شکنجه و آزار ، عادی بنظرش می‌آید زیرا از آزادیها و زندگی خارج از زندان کوچکترین اطلاعی ندارد .

شاه فاسدورد زبانش این جمله بود . " همه چیز آزاد است جز آزادی خیانت بمملکت " در نظر وی اعتراض باعمال جنایت آمیز و غارتگری‌های وی خیانت بکشور محسوب میشد و منظور وی از جمله " همه چیز آزاد است " یعنی همه گونه دزدی و دغل و جقه‌بازی و فساد و ساخت و پاخت برای غارت مردم و بذل و بخشش خود سرانه درآمد حاصله از نفت بکشورهای دیگر و با خرید میلیاردها دلار سلاح جنگی برای تبدیل ایران بزاندانم خاورمیانه آزاد است و کسی که باین اعمال اعتراض کند بکشور خیانت میکند !!!

چون اعمال خود سرانه و جنایت بار خود را عادی قلمداد میکرد عوامل ساواک و دستگاههای انتظامی فهمیده و نفهمیده بدون چون و چرا و کورکورانه در اجرای دستورهای وی تازیانہ جور و ستم را بر سر مردم فرود می‌آوردند و آزاد مردان را تحت عنوان خرابکار و خائن در کشتارگاههای

ساواک بخاک و خون میکشیدند .

پس از تشکیل دادگاه نورمبرگ و محاکمه و اعدام جنایتکاران بزرگ جنگ دوم جهانی آيا جای حیرت و تعجب نیست که پس از این همه تجربیات که دنیا از جنایات و اعمال حزب نازی برای ملت‌ها بدست آورده دوباره گانگستر جنایتکاری بنام محمد رضا پیداشود و بر ملت مظلومی که از جور و ستم سالهای سیاه سلطنت پدرش بجان آمده بود مجدداً مسلط شود و مدت ۳۷ سال تمام ایران را جولانگاه جنایات خود نماید و عمر و زندگی ملتی را در زندان سیاه و خاموش تباه گرداند و پول نفت را در مقابل خرید اسلحه دو دستی تقدیم ارباب کند و ملت تیره بخت را در زاغه‌های آلوده بمیکرب و کثافات نگاهدارد ، و خود را بنام ایرانی بجهانیان معرفی کند .

هنوز هم دیوانگانی بین مرده پیدا میشوند که آرزوی برگشت سلطنت را در سومی پروراندند و روز شماری می کنند که شاه خائن و یا توله‌اش برای سرپرستی آنها برگردد . اینان بگوسفندان نفهمی می مانند که بدنبال چوپانی برای سرپرستی و زورگوئی هستند اینها هنوز درک نکرده اند که حکومت دیکتاتوری در دنیا محکوم بنا بودی است و دیکتاتورها در همه جای دنیا سرنگون میگرددند و دنیا بطرف حکومت دمکراسی و دسته جمعی می رود . این افراد پست برای تاءمین شهوات زندگی و لذات دنیوی حاضرند تن بهر پستی بدهند حتی از حکومت دیکتاتوری و زورگوئی استقبال نمایند .

چه باید کرد ؟

اکنون ملت ما با سرنگون کردن رژیم سفاک نوکر حلقه بگوش امپریالیست های آمریکائی پرچم آزادی ملل ستم دیده را بدست گرفته و به پیش می نازد و هر روز با افشاگری جنایات و غارتگری تازه امپریالیست ها آنان را بملل مظلوم می شناساند و بموفقیت های تازه ای دست می یابد .

قیام ملت ما نه فقط محمد رضا سک رنجیری کارتر را سرنگون کرد بلکه حکام و امیران ظالم ملل اسلامی را دچار وحشت و اضطراب غیرقابل تحملی

نموده و ستونهای کاخهای ظلم و ستم آنان را متزلزل گردانید .
 اکنون برای رهائی کامل ملل ستمدیده جهان از سلطه اقتصادی و
 سیاسی امپریالیست‌ها و نوکران آنها وظیفه مقدم ملت ایران پرچمدار آزادی
 ملل عبارت از اتحاد و ادامه مبارزه خستگی ناپذیر علیه امپریالیست‌ها و در رأس آنها
 امپریالیسم خونخوار امریکا است . ما باید ملل مظلوم را از جزئیات هدفها
 و اعمال امپریالیست‌ها که برای غارت و استثمار و استعمار ملل مستضعف
 صورت میدهند آگاه نمائیم تا همه ملل جهان با وقوف و اطلاع کامل از جنایات
 همگام با ملت ایران بمبارزه برخیزند و کاخ ظلم و ستم را از بیخ و بن
 براندازند .

وظیفه مهم دیگر ما مبارزه بی‌امان با روح بت پرستی و دیکتاتورپروری
 است ما باید از طریق سرکوب کامل عوامل دیکتاتوری و طرفداران حکومت
 ستم روشی درپیش گیریم که من بعد عناصری مانند محمد رضا نتوانند عرض
 اندام نمایند و فکر حکومت خودسری و دیکتاتوری باید برای همیشه از مغزها
 بیرون شود .

شاه مخلوع در مصاحبه اخیر خود گفته است: مرا اغفال کردند که ایران
 را ترک کردم اگر در ایران می‌ماندم ارتش از من حمایت میکرد و قیام‌کنندگان
 را سرکوب میکردم ملاحظه کنید این انسان نمای پست و در بدر هنوز هم
 در آرزوی اینست که چرا میلیونها نفر را کشتار نکردم تا بتوانم بحکومت خون
 آشام ادامه دهم ! ؟ ! هنوز هم در آرزوی خونریزی است .
 تف بر کسانی که خود را حامی حقوق بشر معرفی می‌کنند و بیشرمانه
 علناً از چنین جنایتکاری حمایت مینمایند .

چقدر بیرحم و بی‌مروت هستند عوامل و نمایندگان امپریالیست‌ها که
 با مشاهده قبور هزاران شهید بخون خفته و هزاران جوان علیل که تیر
 مسلسل‌های دژخیمان شاه بیرحم آنان را باین روز ساه انداخته و از سلامت
 ساقط شده اند حاضر نیستند وجدان خود را قاضی نموده بجنایات شاه اعتراف
 کنند

آمریکا و حامیان شاه باید بدانند تا این مرد ناپاک و ملعون اعدام نشود ملت ایران آنی آرامش روحی نخواهد یافت و وجود شاه در خارج از مملکت موجب هزاران گرفتاری مهم تر از اشغال لانه جاسوسی آمریکا برای امپریالیست‌ها ، بار خواهد آورد .

وجود منحوس شاه که بدون محاکمه پس دادن بملت ایران ازین کشور بآن کشور فراری کند چون دمل چرکینی است که باعث ناراحتی ملت ایران و موجب تب و لرز عمومی است باید هرچه زودتر این دمل کثیف جراحی شود تا تب عمومی برطرف شود .

ملت ایران که مصرانه خواستار استرداد ، محاکمه و مجازات شاه مخلوع است هدف را دقیقاً " تشخیص داده و حق دارد زیرا عوامل وابسته برژیم فاسد دیکتاتوری شاه در داخل و خارج مملکت مرتباً " علیه انقلاب ایران مشغول توطئه هستند این عوامل ضدانقلاب که از اعضاء ساواک منحل و سرمایه داران وابسته و کارمندان غارتگر و دزدان فراری از کشور هستند در وجود منحوس شاه خواب غارتگری‌ها و زورگوئی‌های گذشته را می بینند و همه بیک شبه بیماری روانی دچار شده اند و تصور می کنند از طریق توطئه چینی و خرابکاری و تبلیغات ضدانقلابی می توان شاه خائن ویا پسرش را بایران آورده و دوباره بساط دیکتاتوری و زورگوئی و تعقیب آزادی خواهان را برقرار نمایند و حتی بعضی ها از عکس‌های شاه منفور محرمانه محافظت میکنند . زهی خیال باطل و زهی آرزوی خام !!!

اینان حاضر نیستند باور کنند مردی که با آن همه توپ و تفنگ و تانک و مسلسل در مقابل اراده ملت سرنگون شد و با سرافکنندگی از ایران گریخت و عده‌ای از عوامل مهم جنایتکارش اعدام شدند حالا چگونه و با چه مکانی می تواند بایران برگردد و بساط سلطنت را جمع و جور کند؟ ولی متأسفانه آثار این طرز تفکر ابلهانه بصورت اعمال ضدانقلابی ظاهر میشود و موانعی در مقابل پیشرفت انقلاب ایجاد می کند .

وظیفه فرد فرد ملت اینست که با تبلیغات و اعمال ضدانقلابی افراد

وابسته برژیم جدا" بمبارزه برخیزند آنان را در مجامع رسواگردانند و اگر از عهده‌کار شخصا نیامدند و اگر ضدانقلاب مقاومت کرد و بعمل کثیف خود ادامه داد موضوع را با اطلاع مراجع دولتی و قضائی برسانند تا از طریق دادگاه‌ها تکلیف این قبیل اشخاص تعیین گردد .

بدون تردید ملت آمریکا از اعمال و جنایات شاه در ایران که بحمايت روسای جمهوری آمریکا انجام میداد اطلاع کامل ندارد و الا اجازه نمی‌داد که کارتر بخاطر یک جنایتکار با صرف هزینه گزاف از محل مالیاتی که ملت آمریکا می‌پردازد ناوگان عظیم با کشتی‌های جنگی هواپیما بر و تنفک‌داران دریائی بجنوب خلیج فارس اعزام دارد و با نگاهداری ناوگان عظیم در این ناحیه هزینه سنگینی را بر دوش ملت آمریکا تحمیل نموده و آنها را متجاوز معرفی نماید .

آن روز دور نیست که جنایتکاران و غارتگران ملت‌ها در دادگاه‌بین المللی با حضور نمایندگان ملل غارت‌شده و مستضعف جهان بخاطر اعمالی که انجام داده‌اند محاکمه و مجازات شوند .
برای آشنائی با پدر محمد رضایی سناسبت نمی‌بیند که شرح حال مختصر رضاخان جنایتکار را در زیر بخوانندگان عزیز عرضه بدارد :

سوم اسفند .

روزی که دیکتاتوری

پهلوی بنا گذاشته شد .

• رضاخان اولین شاه ایران بود که بیرحمانه به جنگ روحانیت مستول

و متعهد رفت .

• هیچ افسری از نظر انگلیس‌ها با اندازه رضاخان این پوانهای مثبت را نداشت . " بیسوادى ، نداشتن سواد نوشتن و خواندن ، هویت پست نژادى ، کله‌شقی در برابر آدم‌های با شخصیت ، دشمنی با دین ، ستیزگی با آزادی ، فروش خود به خارجی "

بعد از انقلاب اکتبر روسیه ، امپریالیسم انگلستان با تمام قوا کوشید به پندار خود یک دیوار کدربند سیاسی دور روسیه بکشد ، تا بدینوسیله بتواند از شیوع " بیماری واکبر کمونیسم " در جهان و مستملکات خود جلوگیری کند .

در ایران با قرارداد ۱۹۱۹ بجنگ کمونیسم رفت ولی همینکه این تاکتیک به شکست منجر شد از همان زمان " استراتژی دیکتاتوری " را مورد طرح و اجرا در ایران قرارداد .

برای پیاده کردن این نظام سیاه ضد مردمی و ضد ملی نیاز به دو عنصر می بود نخست عنصر دکوراتیور که ظاهر ترقیخواه و متجدد داشته باشد و تا بتوانند از پشت سر او دیوانسالاری سپاهیگری خود کامگی را پیاده کنند . سید ضیاءالدین طباطبائی با سابقه مبارزه آزادیخواهی در شیراز و سیمای (آخوندنما) و روزنامه نگاری و وابستگی به طبقه روحانیت کاندیدای این نقشه مهم شد ، کمیته انگلیسی زرگنده این عضو خود را بی آنکه از نقش بعدی استعمار آگاهی یابد به میدان فرستاد . این همان کسیست که بعداً " اسناد وزارت خارجه انگلیس او را بعنوان یک (انگلو فیل پروپا قرص و حرفه ای) معرفی می کند .

ولی از نظر طراحان (داوینیک استریت) آنچه مهم می بود قهرمان دوم و در حقیقت بازیگر اصلی بود .

دکترین دبیرین امپریالیسم انگلیس که از دیروزمان مورد تأیید استعمارگران می بود نظام اوباشی گری باندیتیسیم ، فرومایه پروری و بقول ریچارد کتجم شرارت بود و جقدر خوب تشخیص داد . آن دیپلماتیکه به جرح چهارم پادشاه انگلستان نوشت " دولت امپراطوری حامی حکومت ارادل و اشخاص فرومایه در دنیاست " و عین همین نقشه در ایران پیاده شد . هند یک زن روسی نازی بود که با همروابط نامشروع داشت ، وقتی او آبستن شد بر سر فرزندیکه در شکم داشت ، بین پنج نفر نزاع در گرفت که شب موعود با او بوده اند ، تا سرانجام این فرزند نامشروع به ابوسفیان رسید ، خود ابوسفیان مظهر

فساد و فحش بود . بنوشته محققان ابوسفیان با (ام الحکم) خواهرش روابط نامشروع داشت ، خواهر دیگر او (ام الجمیل) در هرزگی معروف بود . از جنین پدر و مادری فرزندی بوجود آمد بنام (معاویه) که دست به زشتترین اعمال و بیرحمانه ترین کردارها زد و بنیاد راستین اسلام را دگرگون نمود . بنابراین اگر از "آنا رشیسم اخلاقی" این نتیجه گیری را که "گئورگو" نویسنده معروف رومانی معتقد است بدست آوریم "نیرومندترین نژاد دنیا حرامزاده ها هستند" باید به بینیم امپریالیسم انگلیس با کار بزرگی که در ایران در پیش دارد چگونه به (ترمورد پذیرش جرج چهارم) عمل خواهد کرد .

رضا خان که بود ؟

داداش بیگ (عباسعلی خان) مرد با غیرت و ساده ای بود با دختری از مهاجران قفقازی که با خانواده اش به مازندران آمده بود ازدواج کرد . روی محاسبه ای که داشت وقتی از سفر بازگشت زن خود را باردار یافت . وقتی زتش به سال ۱۲۵۲ (۱۸۷۳ م) برای او پسری بدنیا آورد نام او را (رضا) گذاشت . ولی در الشت فیروزکوه از چپ و راست به او متلک می گفتند و پدر رضا را دیگر کسان ده می داشتند و یا بقول "ژان لارته گی" نویسنده کنجکاو و تیزهوش رضا حرامزاده معرفی شد . ناگزیر داداش بیگ مبلغی پول تهیه کرد به دست مادر رضا داد او را نیمه شب از ده راهی دیار دیگر کرد تا بگو و مگوی اهل ده که آبروی او را بخطر انداخته بودند پایان پذیرد . مادر رضا در یکی از منازل بین فیروزکوه و تهران این بچه حرامزاده را در اصطبلی جا گذاشت و خود راه تهران را پیش گرفت . ولی صدای بچه مسافران را متوجه کرد ناگزیر مادر رضا فرزندش را برداشت و به تهران آمد وارد خانه برادرش شد .

رضا در تهران بزرگ شد ولی از همان بچگی دنبال کار شرافتمندانه نبود ، از درس و مشق ، کتاب و قلم بدش میامد . بقول مورخ ارزشمند فرانسوی کار رضا این بود در قهوه خانه ها ، جاهای عمومی شاگردی و پادوئی

می کرد به مسافران و رهگذران همه نوع کمک می نمود .
 آنگاه کارش منظم شد که یکی از چاروادارهای تهران بارکشی یک عده
 الاغ را بعهده او گذاشت و خرکچی شد . در پانزده سالگی وکیلها و نایب های
 رند و بدکاره قزاقخانه او را پسندیدند بعنوان (بردست مهتر) وارد اصطبل
 قزاقخانه نمودند (اج . جی سی مور) در گزارش محرمانه سیاسی خود به
 (ایدن) در سال ۱۹۳۷ این سمت رضا را تأیید و از او بعنوان (Stable
 Boy) نام می برد . ویژگیهای استثنایی او در اندک مدتی رضا
 را از پله های مدارج نظامی بالا برد .

ده سال پیش از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ از سوی سازمان جاسوسی
 انتلیجنت سرویس رضاخان بخوبی شناسائی و خاندان او معرفی شد . آنگاه
 هویت او بخوبی پذیرا گردید که گزارش دادند او فقط به اسلحه خود متکی
 است و این همان رضا ماکزیم است که چون با اسلحه قتاله اختراعی جدید
 غرب مسلسل (ماکزیم) خوب کار می کرد او را به همراه عین الدوله بر سر مردم
 برپا خاسته آذربایجان فرستادند . او بر اثر کشتار بیرحمانه دستجمعی در
 تبریز و ریختن بی مهابای خون آزادخواهان و باران ستارخان به (رضاخان
 ماکزیم) معروف گردید .

ادمونت آبرون ساید ماء مور کاردان نظامی استعمار دومین تفری بود
 که در گزارش خود از او ستود و برای " بازیگری در صحنه دیکتاتوری ایران "
 او را عنصر دلبخواه معرفی کرد . دنیس رایت سفیر کبیر انگلیس در ایران
 از دفترچه خاطرات ژنرال آبرون ساید ، قول و قرار انگلیسها را با افسر
 بریگاد قزاق یاد میکند ولی این زوایا برای مردیکه در ایران باید کارهای
 زیادی بکند کافی نبود .

(اسمیت ، نورمان ، کاکس ، نیکلسون ...)

ماء موزان امپریالیسم هریک از دیدهای مختلف رضاخان را سواد کوهی
 ارزیابی کردند .

هیچ افسر اینهمه پوانهای مثبت را نداشت (بیسواد ، نداشتن سواد

نوشتن و خواندن ، هویت پست نژادی ، کله شقی در برابر آدمهای با شخصیت ، دشمنی یا دین ، ستیزگی با آزادی ، فروش خود به خارجی (. . .) این یونیا و اورا ساگرد اول کرد . برای ساختن یک گورستان خاموش و بی سرو صدا اگر هم یک رژیم دیکتاتوری مورد نیاز است (امیر لشکر طیماسبی ، آق اولی ، کلنل پسیان ، فولادی ها . . .) نمی توانند این نقش را ایفا کنند .

زاک هاردوئن در کتاب (زیر آسمان) خود از میزان دانش و سواد (رضاخان ماکزیم) می نویسد ، اظهار نظر می کند او نه تنها به هنگام تصرف تیران سواد نداشت بلکه مدتها بعد از به سلطنت رسیدن هم سواد پیدا نکرد .

اینجنین دیکتاتور آینده ایران ساخته شد . نخستین آزمایش او در یورش به سوسالیست های خدا پرست گیلان (جنگلی ها) شایستگی او را نشان داد .

براستی امیرالایم خوب کسی را برگزیده بود . خصم بی امان آزادی ، کسیکه بدست او دکتر ارانی ها ، فرخی ها ، عشقی ها ، جهانسوزها بوضع فجیعی کشته شدند ، او نخست پادشاهی در تاریخ ما می بود که بیرحمانه بجنگ روحانیت مشغول و متعهد رفت . مدرس را پس از حبس به (خوفا) دورترین و بدآب و هوا ترین نقاط فرستاد . شجاع الاسلام ملایری وکیل مدرس خودش برایم تعریف می کرد . من با دستور شاه و فرمانده لشکر خراسان و شهربانی استان برای دیدن او به خوفا رفتم . او درست مثل یک مرد وحشی جنگلی می نمود ، موهای سر و صورت بلند ، دیدگانش از بینایی کامل افتاده بود ، لباسهای ژنده بر تن داشت ، مسکن خرابه ای و اطاعتی بی در و پیکر بود . چند ژاندارم از او محافظت می کردند .

ولی رضا شاه باز هم از او می ترسید ، او را از تبعیدگاه به کاشمر آوردند ، چند نفر ما ، مور شهربانی اعزامی به او زهر دادند و چون زهر دیر اثر کرد عمامه اش را برگردستی انداختند و او را خفه کردند .

این بود عامل سرسپرده امیرالایم که پایه یک رژیم پلیسی وابسته به

بیگانه را در روز سوم اسفند در ایران گذاشت فرومایه‌ترین و بیرحمت‌ترین و
مزدورترین عنصر جهان را بر مردم چیره کرد.

((نقل از اطلاعات سوم اسفند ۱۳۵۷ = بقلم ابوالفضل قاسمی))

ماجرای توقیف و شکنجه و تیرباران بیرحمانه ۴۵۵ نفر افسران آزادیخواه
و دانشمند ارتش در سال ۱۳۳۳ طبق دستور مستقیم شاه‌خائن یکی از مواردی
است که می‌تواند بعنوان نمونه ماهیت رژیم خونخوار محمدرضا را تا حدی
معرفی نماید بنابراین بمنظور مزید اطلاع در صفحات بعد جریان توقیف
و محازات افسران نامبرده را بخوانندگان عزیز عرضه می‌داریم .



افسران آزادیخواه در جلسه بیدادگاه رژیم خونخوار .

شکنجه و تیرباران افسران مبارز

در سال ۱۳۳۳ پس از کشف سازمان نظامی حزب توده، ایران و دستگیری ۴۵۵ نفر از بهترین، شریف ترین و برجسته ترین افسران و درجه داران ارتش با اتهام عضویت در سازمان مزبور و پس از انجام سریع محاکمات فرمایشی بدست درّخیمان شاه جلاد و فاسد و اجرای احکام اعدام و محکومیت های سنگین در باره این آزاد مردان دوران دیکتاتوری و اختناق تیمور بختیار فرماندار نظامی حناپتکار تهران (که بعدها بریاست ساواک جهنمی انتخاب شد)، در اسفند ماه ۱۳۳۴ بمنظور خوشخدمتی شاه خائن و اربابان خود کتاب پر از ننگ و ادباری تحت عنوان " کتاب سیاه در باره سازمان افسران توده " منتشر نمود تا بتواند بدینوسیله اخبار مربوط به اعدام و محکومیت های سنگین را که در جرائد منعکس شده بود، توجیه نموده و افکار عمومی را از حقایق امر منحرف نماید.

با اینکه مندرجات کتاب مزبور بوسیله درّخیمان و ایادی آنها تهیه شده و کوشش زیاد بعمل آمده که حقیقت امر کاملاً " از نظر افکار عمومی مکتوم بماند و اغلب اعترافات افسران و درجه داران شهید در اثر شکنجه های مرگبار ابراز شده و آثار شکنجه در وجنات آنان حتی در عکس ها دیده میشود مع هذا از بین سطور کتاب حقایقی روشن میشود که نشان دهنده طرز عمل و رفتار درّخیمان و شکنجه گران بی رحم و سفاک باین آزاد مردان که تقصیری جز تعمق و تفکر در باره خفقان و زندگی نکبت بار جامعه ایران ظلم رزیم فاسد دیکتاتوری که در تمام شئون زندگی مردم ریشه دوانده

بود، نداشته با کمال شجاعت در زمانی که کسی را با رای اعتراضی نبود مخالفت خود را با رژیم منفور اعلام کردند و بدین جهت بدستور و راهنمایی سازمان " سیا " در بیدادگاههای نظامی باستناد مواد قوانینی که بدست جیره خواران " سیا " تصویب شده بود باعدام و حبس های طویل المدت محکوم گردیدند.

احکام صادره در مورد آنان اجرا گردید، گر چه در آن زمان محاکمات فرمایشی در اطاقهای در بسته انجام شد و سکوت مرگبار دوران دیکتاتوری و حقیقان صانع از ابراز اعتراض چه از طرف خانواده افسران و چه از طرف طرفداران گردید ولی سکوت آزاد مردان، امروز رساتر از فریادی ملت ایران را بمبارزه بی امان با بقایای رژیم خونخوار دعوت میکند.

پس از کشف سازمان نظامی افسران شاه جنایتکار و پست در جلسه افتتاحیه مجلس گفت: " بزودی این ننگ از دامن آرتش زدوده خواهد شد " خوانندگان محترم از این گفته شاه خائن و سفاک در آن دوران سیاه دیکتاتوری بهتر می توانند مظالم و اعمال درخیمان و شکنجه های کشنده ای که بفرمان شاه خون آشام و مزدور در حق این آزاد مردان بعمل آمدی ببرند. تیمور بختیار جنایتکار بزرگ بسبب انجام همین جنایت بزرگ بود که موفق شد بریاست سازمان امنیت و اطلاعات کشور منصوب شده و سالیان دراز بر جان و مال و ناموس مردم مستولی شود و مرتکب جنایات بزرگتری گردد و با افزایش قدرت جهنمی ساواک زمینه را برای شکنجه و کشتار دسته جمعی جوانان آزایخواه، ایجاد فساد و اختناق و قلدری و محبط رعیت و وحشت در کشور، مرعوب ساختن مردم، ناسور شدبند مطبوعات، غارت و سرکوبی ملت، و افزایش ثروت غارتگران و وابستگان رژیم سلطنت و بالاخره نامین یک محیط مساعد برای اجرای دستورهای سازمان " سیا " و امپریالیزم آمریکا فراهم آورد. و کشور ما را بگورستان خاموش و سیاهی میدل نماید.

اینک قسمتیائی از کتاب مزبور را انتخاب و در این نشریه به خوانندگان

محترم عرضه میدارد.

محمد حسین - معزی



رهنگ ستاد مبصر و سرهنگ ۲ توپخانه مصطفی امجدی در حال کشف رمز مثلثاتی

و اینک قسمتهائی از کتاب سنگین بنام " کتاب سیاه در باره " سازمان افسران توده " :

(ساعت ۹ روز ۲۱ مرداد ۱۳۳۳ مامورین قوای انتظامی موفق بدستگیری سروان اخراجی ارتش ابوالحسن عباسی در حالیکه از منزلی واقع در خمایان جمال الحق خارج میشده میگردد .

سروان اخراجی نامبرده از چندین سال قبل دارای سوابق فعالیت های مضره بوده و بعلمت همین فعالیت ها نیز از ارتش اخراج شده بود از چندین قبل مقامات قوای انتظامی اطلاع یافته بودند که سروان اخراجی ابوالحسن عباسی مشغول فعالیت های زیان بخشی است و با عده ای از افسران مظنون ارتش، شهربانی، ژاندارمری و همچنین با خسرو روزبه افسر اخراجی ارتش تماس دارد. در نتیجه مامورین قوای انتظامی در تعقیب سروان اخراجی

نامبرده که در حالت اختفاء بسر میبرده بودند تا اینکه در روز قوق موفق به دستگیری او میشوند.

اما ضمن باز داشت نامبرده از دست او چمدانی کشف میشود که مشغول حمل آن بوده است و در این چمدان مدارک و اسناد و اطلاعات فوق العاده‌ای بدست می‌آید که در همان نظر اول وجود سازمان مخفی را در ارتش و قوای انتظامی نشان میدهد.

اینک عین صورت مجلسی که ضمن بازداشت سروان اخراجی ابوالحسن عباسی تنظیم گردیده و در حقیقت اولین برگ پرونده سازمان افسران توده را تشکیل میدهد، عینا نقل میکنیم:

" ۳۳/۵/۲۱ صورت مجلس "

- " در ساعت ۹ روز جاری با حضور سرکار سروان عمید افسر فرمانداری "
- " نظامی و آقای محمد حسن آرمین رئیس دایره "یا زجوشی اداره" اطلاعات "
- " و سرکار سرهنگ ۲۲ در رئیس کلانتری ۵ در کلانتری حاضر و محتوی "
- " یک چمدان و یک بسته بچه که توسط کلانتری مزبور کشف و محتوی "
- " تعداد ۱۰۴ جلد کتاب خارجی مربوط به رژیم کمونیسم و ۲ جلد "
- " مجله خارجی بزبان روسی و ۸ جلد دفتر سفید و یک دفتر تعلیمات "
- " نظامی و چهار عدد نقشه اروپا و آسیا و ۱۰۶ برگ جبهه " ملی مبارزه "
- " برای ملی کردن صنعت نفت و ۲۶۵ برگ کاغذ مربوط به سرمقاله‌های "
- " روزنامه های دست چپ و شش بسته روزنامه های مردم و ظفر و "
- " رزم و یک جلد دفتر یکساله روزنامه مردم و ۱۱ برگ نشریه حزب "
- " توده و ۳ برگ گواهینامه و فرمان دانشکده " افسری و یک نقشه کاخ "
- " سعد آباد و چهار قطعه " عکس انفرادی و دسته جمعی و ۱۰ برگ گراور "
- " خارجی مربوط به تعال اعلی حضرت هما یونی و یک رساله مسائل "
- " شطرنج و یک برگ شناسنامه شماره " ۸۶۱۲۷۵ سفید و دیگری شماره "
- " ۸۹۷۲ مربوط به یوسف رحمتیان که عکس ابوالحسن عباسی بان "

- " الصاق گردیده و یک پاکت محتوی اوراق و دستورات و نوشته‌جات "
- " دستی و علامات مستعار و اسامی افراد حزب منحلّه توده از نظر "
- " اهمیت موضوع و بهره برداری عیناً تحویل سرکار سروان عمید "
- " افسر رکن ۲ فرمانداری نظامی گردید ضمناً چهار نفر با اسامی "
- " ابوالحسن عباسی عامل اصلی و خلیل فرزند جعفر شهرت عباسی "
- " ۱۶ ساله و ابراهیم برادر ارشد خلیل ۲۵ ساله و احمد روزبه ۴۰ "
- " ساله تحویل سروان عمید نماینده فرمانداری گردید "
- " سرهنگ ۲ آذر - رئیس کلانتری ۵ "
- " سروان عمید - نماینده فرمانداری نظامی "
- " آربین - رئیس دایره بازجوئی "
- " فرمانده بخش ۵ دژبان "

پس از دستگیری سروان اخراجی ابوالحسن عباسی و تحقیق در باره روابط نامبرده سرهنگ ۲ معدوم محمد علی مشرفی مظنون واقع میگردد و تحت تعقیب مامورین قرار میگیرد که در نتیجه دو ستاد مخفی سازمان افسران توده یکی در خیابان خانقاه و دیگری در خیابان ۲۱ آذر کوچه پاریسی مورد سوئ ظن واقع و بازرسی میشود.

در منزل واقع در خیابان ۲۱ آذر که تحت اجاره سروان سابق فنی اکبر داد خواه بوده علاوه بر کشف مدارک فوق العاده ابتدا سروان معدوم اسماعیل محقق دوانی و سپس ستوان یکم معدوم منوچهر مختاری گلپایگانی و ستوان ۳ معدوم هوئی اسدالله نصیری دستگیر میشوند. این سه نفر از افسران فراری و مورد تعقیب بودند که مدتها مامورین قوای انتظامی در جستجوی آنها بودند. مدارک مکشوفه و اشخاص دستگیر شده در این منزل کمک بزرگی به کشف سازمان افسران توده نموده و راه را برای شناختن کلیه اعضای این سازمان آماده ساخت ...

اما در منزل واقع در خیابان خانقاه نیز که با اسم مهندس معدوم مرتضی کیوان قزوینی اجاره شده بود مدارک مهمی بدست آمد و همچنین یکی از

بیک‌های مهم حزب منحلّه، توده بنام حسن سید حسینی سزواری که حامل اسناد بسیار مهمی بود دستگیر گردید.

مامورین فرمانداری نظامی در تعقیب تحسبات بالا منزل سروان معدوم نظام الدین مدنی را نیز بازرسی میکنند و مدارک فراوانی نیز از آن جا به دست می‌آورند.

پس از بهره برداری از مجموعه این مدارک و کشف دفاتر رمز که در چمدان سروان اخراجی عباسی بدست آمده بود تمام مشخصات واسامی و اعضاء و مسئولین سازمان افسران توده معلوم میشود و جز چند نفر که متواری میگرددند بقیه دستگیر میشوند.

در بازجوئیهای شفاهیکه توسط کارمندان رکن دوم فرمانداری نظامی بعمل می‌آید عموم دستگیر شدگان بجرائم خود اعتراف نموده و جزئیات تشکیلات سازمان افسران توده آشکار میشود که در نتیجه فرمانداری نظامی گزارش امر را بصورت زیر تهیه کرده و برای تعقیب قضائی و دادرسی متهمین بمقام وزارت جنگ و ریاست ستاد ارتش و دادستانی ارتش تقدیم مینماید. اینک متن گزارش فرمانداری نظامی که جریان کشف و دستگیری سازمان افسران توده را شرح میدهد:

" جریان کشف سازمان نظامی حزب منحلّه، توده "

- " روز ۳۳/۵/۲۱ سروان اخراجی ارتش ابوالحسن عباسی که
 " طبق اطلاعات واصله فعالیت قابل توجه و مخفیانه ای بنفع حزب
 " منحلّه، توده میکرد و با تعدادی از افسران مظنون ارتش شهرباتی
 " ژاندارمری ارتباط داشت و با خسرو روزبه افسر فراری ارتش نیز
 " تماس میگرفت در حالیکه حامل چمدانی بوده و از منزلی واقع در
 " خیابان حماد الحق خارج میشده دستگیر و پس از بازرسی محتویات
 " چمدان مدارک و اطلاعات ذیقیمت منجمله طرح حفاظت کاخ سعد "

" آباد با تعیین محل و تعداد پاسگاهها و راههای نفوذی کاخ سعد "

" آباد بدست آمدولی در بازرسی منزل مذکور مدارکی بدست نیامد "

" معلوم شد این منزل متعلق به برادر سروان اخراجی عباسی است "

" لذا از برادر زاده های سروان اخراجی مزبور تحقیقات لازم معمول "

" در نتیجه معلوم شد که منزل مزبور محل سکونت سروان اخراجی "

" عباسی نبوده و برادر زاده های او نیز منزل سروان اخراجی عباسی "

" را نمشناسند و در مواقع لزوم بوسیله احمد روزبه کارمند راه "

" آهن برادر خسرو روزبه با او ارتباط می گیرند احمد روزبه بلافاصله "

" دستگیر و تحت بازجویی قرار گرفت نامبرده اظهار داشت او نیز "

" منزل عباسی را نمی داند ، بلکه هر وقت با او کاری دارد بوسیله "

" زارع " پدر زن سرهنگ ۲ مشری " سرهنگ ۲ مشری اطلاع "

" داده و با عباسی تماس میگیرد از اینجا سرهنگ ۲ مشری که سوابق "

" مظنونیت نیز داشت مورد سوء ظن واقع و تحت تعقیب مامورین "

" قرار گرفت و از طرفی ضمن تحقیقات از احمد روزبه کوچه ایکه "

" اغلب سروان اخراجی عباسی به آنجا رفت و آمد میکرد شناخته "

" شد و پس از بررسی منزلی در کوچه مزبور مظنون بنظر رسید که "

" ضمن بازرسی از این منزل غیر نظامی احمد حساسی قاضی منتظر "

" خدمت دادگستری و غیر نظامی عباس جعفری که حز " هیئت تحریریه "

" روزنامه " مردم بودند دستگیر شدند .

" از نتیجه تعقیب سرهنگ ۲ مشری دو منزل یکی در خیابان خانقاه "

" و دیگری در خیابان ۲۱ آذر کوچه پاریسی مورد سوء ظن شدید واقع "

" و از بازرسی این دو منزل مدارک قابل توجهی بدست آمد و اشخاص "

" مشروحه زیرین از این دو منزل دستگیر شدند .

" الف : از بازرسی منزل واقع در خیابان ۲۱ آذر

" ۱ - سروان هوایی محقق زاده (افسر فراری)

" ۲ - ستوان ۱ هوایی مختاری (" ")

- ۳ - ستوان ۳ هوایی نصیری (" ")
- ۴ - سروان فسی اکبر داد خواه افسر حاضر بخدمت تخشائی
- " ب : از بازرسی منزل واقع در خیابان خانقاه
- " ۱ - مهندس کنوان عنصر مورد اطمینان حزب منحلّه توده که خانه منظور باسم او اجاره و در اختیار کمیته نظامی حزب منحلّه توده " قرار گرفته است .
- " ۲ - غیر نظامی سید حسن سزواری که به احتمال قوی یکی از " پیک های مورد اطمینان و فعال حزب منحلّه توده میباشد ضمناً " با استفاده از معلومات دستگیر شدگان قلبی منزل سروان مدنی افسر " شهرمانی مورد بازرسی واقع و مدارکی که از لحاظ کمیته بی سابقه " و از لحاظ کیفیت اهمیت سزائی داشت بدست آمد همچنین سرهنگ " ۲ مشری نیز در همان روز دستگیر و زندانی گردید .

نتیجه تحقیقات از دستگیر شدگان

- " الف : ستوان یکم هوایی مختاری (افسر فراری) بازجو سروان " عمید - همدیف ستوان ۳ زمانی (شفاهی) قبلاً " باید بعرض " برسد که ضمن مدارک مکشوفه از منزل واقع در خیابان ۲۱ آدرسه " جلد دفترچه رمز بدست آمد که طبق تحقیقات لازم معلوم شد در " این دفاتر مشخصات کامل افسران توده ای ارتش - ژاندارمیری " شهرمانی و عده ای دانشجو و درجه دار با رمز بشکل معادلات " مثلثاتی درج شده است ستوان مختاری در بازجوئی های معموله " با ارائه مدارک غیر قابل انکار اعترافاتی نموده و حتی راه مانعیهائی " بمامورین بازجو کرده است نتیجه این بازجوئی بسیار موفقیت " آمیز و قابل استفاده بوده است که بهره آن بشرح زیر بعرض میرسد " ۱ - سازمان کلی افسران توده ای ارتش مشخص و اعضا هبت "

- " دبیران ۳ نفری و ہیئت اجرائیہ ۷ نفری کمیٹہ نظامی حزب منحلہ " تودہ باسم و مشخصات معرفی شدند از این دو کمیٹہ فقط یک نفر " (خسرو روزیہ) دستگیر شدہ است .
- " ہیئت دبیران ۳ نفری ۱ - سروان فراری خسرو روزیہ ۲ - سرہنگ مالی سیامک ۳ - سرہنگ ۲ توپخانہ مشری .
- " ہیئت اجرائیہ ۷ نفری ۱ - سروان فراری خسرو روزیہ ۲ - سرہنگ مالی سیامک ۳ - سرہنگ ۲ توپخانہ مشری ۴ - سرگرد پیادہ " جعفر و کیلی ۵ - ستوان ۱ ہوائی مختاری ۶ - سروان فراری محقق " زادہ ۷ - سروان اخراجی ارتش عباسی .
- " ۲ - دو شاخہ از ۷ شاخہ نظامی حزب منحلہ تودہ کہ تحت " مسئولیت ستوان ۱ مختاری بودہ است مشخص و اعضای حوزہ ہای " مسئولین این دو شاخہ یا مشخصات کامل شرح زیر شناختہ شدند " شاخہ ۱۳ - پزشکی حوزہ مسئولین ۲۵۹ مسئول ستوان ۱ پزشکی " خیر محمدی ۲۵۵ ستوان ۱ پزشکی انواری - حوزہ ۲۱۳ مسئول " ستوان یکم پزشکی طیوری بودہ است " .
- " شاخہ ۲۱ ہوائی دارای ۳ حوزہ مسئولین مسئولیت سروان ہوائی " آذر منش - سروان ہوائی منوجہری - سروان ہوائی مینو " " ۳ - آمار افسران تودہ ای لشکر ہای خارج بطور کامل بدست آمد " کہ ستوان مختاری مسئول ارتباط با سازمانہای شہرستانہا بودہ " است کہ ستوان مختاری از روی مدارک مکشوفہ سازمانہای شہرستانہا " را بشرح پیوست شمارہ (۱) تشریح نمودہ است ۸ برگ " " ۴ - اعضا آزمایشی و سمپاتیزان شہرستانہا یا مشخصات کامل از " روی اوراق رمزی کہ خود ستوان مختاری آن را کشف نمودہ شناختہ " شد برابر پیوست شمارہ (۲) ۴ برگ " .
- " ب - نتیجہ تحقیقات از سروان مدنی افسر شہربانی (بازجو " سرگرد زیبائی - سروان سیاحتگر) کتبی .

- " سروان مدنی توسط ستوان یگم قبادی و ستوان یکم محمد زاده "
- " (افسران متواری شهربانی با زندانیان سیاسی) در سال ۲۶ وارد "
- " سازمان نظامی حزب منحلّه توده شده و از سال ۲۹ تحت نظر "
- " سرهنگ ۲ مشری مسئولیت شاخه شهربانی را بعهده گرفته این "
- " شاخه دارای چهار حوزه که مسئولین آنها به ترتیب عبارتند از : "
- " سروان مدنی ، سروان قائمی ، سروان شفا ، ستوان ۱ افراخته که "
- " همگی دستگیر شدند . "
- " در نتیجه تحقیقات از این چهار نفر بیشتر اعضای شاخه ۳۳ شهربانی "
- " با اسم و مشخصات کامل و شماره ، عضویت برابر صورت پیوست "
- " شماره ۳ (۳) شناخته و دستگیر شدند . با شاخه شهربانی افراد زیر "
- " بترتیب تماس حزبی داشته اند . "
- " ۱ - شخصی بنام های مستعار محمود - منصوری - اخگر که پس از "
- " تحقیقات معلوم شد این شخص سرهنگ ۲ مشری بوده است . "
- " ۲ - شخصی بنام مستعار مهندس که نام حقیقی او کیوان میباشد "
- " پس از تحقیقات معلوم شد این شخص مهندس مرتضی کیوان بوده "
- " که در منزل واقع در خیابان خانقاه دستگیر گردید . "
- " ۳ - شخصی بنام مستعار وحشی که تاکنون این شخص شناخته نشده . "
- " ۴ - سروان اخراجی عباسی و سروان داد خواه که مسئولیت توزیع "
- " نشریات حزبی بشاخه شهربانی را داشته است سروان مدنی علاوه "
- " بر مسئولیت تشکیلاتی مسئولیت ارتباطی سازمانهای کمیته نظامی "
- " توده ای را نیز بعهده داشته و از افسران مشروحه زیر - سرهنگ ۲ "
- " جمشیدی - سروان فرح کام - سرگرد ناظر - سروان هوائی مینو - "
- " ستوان ۱ یزشک خیر محمدی اطلاعات لازم را کسب و دستورات "
- " حزبی را بآنها ابلاغ مینموده ضمناً اطلاعات کسب شده را بدو "
- " قسمت تقسیم و بسروان اخراجی عباسی و مهندس مرتضی کیوان "
- " تحویل میداده است و نامبردگان نیز بنوبه خود قسمتی را به "

- " کمیته نظامی قسمت دیگر را به کمیته مرکزی حزب منحلّه - تسوده "
- " تحویل مینموده اند . "
- " سروان مدنی اظهار میدارد که وی مسئول تقسیم نشریات حزبی "
- " روزنامه های مخفی بولتین ، مسائل حزبی) سازمانهای نظامی "
- " شهرستانها نیز بوده است که پس از تقسیم طبق صورتیکه از کمیته "
- " مرکزی (نظامی) با و تحویل شده بود بمهندس کیوان جهت ارسال "
- " بشهرستانها تحویل میداده است . "
- " بمحاذات مسئولیت های فوق سروان مدنی شخصا " عهده دار هدایت "
- " سازمان زنان افسران شهربانی بوده که در این اواخر بعلت کار زیاد "
- " حزبی از حزب تقاضای تفویض این ماموریت بیک زن مجرب حزبی "
- " را نموده است . "
- " ج : نتیجه تحقیقات از سرهنگ ژاندارمری سیامک بازجو سرهنگ "
- " ستاد مبصر (شفاهی) . "
- " سرهنگ سیامک از سال ۱۳۵۱ با کام بخش مربوط بوده و تحت "
- " تبلیغات او یک فرد آزاد میخواهد دو آتشه بار آمده و بقول خودش ۵۷ "
- " سال دارد با اینکه ظاهرا " یک افسر مجرب بنظر میآید در حقیقت "
- " یکفرد چپسی مؤمن می باشد بطوریکه اظهار می کند از سال ۲۴ "
- " شروع فعالیت حزبی نموده و فعلا " هم جزو هیئت دبیران ۳ نفری "
- " و هیئت اجرائیه ۷ نفری سازمان نظامی حزب منحلّه " توده بوده "
- " و شاخه ۳۷ ژاندارمری را اداره می نماید مسئولیت مالی کمیته نظامی "
- " را نیز عهده دارد . "
- " شاخه ژاندارمری بطوریکه سرهنگ سیامک اظهار میدارد مرکب از "
- " یک حوزه مسئولین بمسئولیت خود او که دارای ۳ حوزه و هر حوزه "
- " از ۳ الی ۵ نفر عضو تشکیل میشود که جمعا " ۱۴ نفر عضو داشته "
- " و آنها را طبق صورت زیر معرفی کرده است . "
- " ۱ - حوزه " حزبی سرهنگ سیامک : سرهنگ ۲ انتظامی ، سرگرد "

- " نصیری، سرگرد قاسملو، سرگرد مرو دشتی، سرگرد نیک آئین "
- " ۲ - حوزه ' حزبی سرگرد عطارد، ستوان ۱ مهاجرانی، ستوان ۱، جنیدی، سرگرد آدرم "
- " ۳ - حوزه ' حزبی سرگرد وزیریان، سرگرد باقری، ستوان اشکوهی " سرهنگ ۲ پژمان "
- " د: نتیجه تحقیقات از سرهنگ ۲ مبشری (شفاهی)
- " سرهنگ ۲ مبشری از موقع دستگیری تاکنون مبادرت با عملی میکند " که تحقیقات و بازجوییها را بتاخیر انداخته و راه نحاتی برای " خود پیدا کند بطوریکه کلیه دستگیرشدگان اظهار مینمایند نامرده " مسئول تشکیلات نظامی حزب منحل ' توده بوده و اطلاعات بسط " جامعی از این سازمان دارد نامرده از دوستان خیلی نزدیک " خسرو روزبه و با او همکاری داشته و از سال ۲۵ عضو حزب منحل ' توده است "
- " سرهنگ ۲ مبشری در مذاکرات و سئوالات شفاهی که از او بعمل " آمده با اینکه این مقام را در سازمان ارتشی حزب منحل ' توده " دارد تأیید و بداشتن این مرام نیز افتخار میکند و برای فرار از " تعقیب با عمل عجب و غیر قابل تصویری مبادرت مینماید چنانکه " روز ۳۶/۶/۶ با اغفال مراقبین خود بوسیله میخ رگ دست خود " را پاره کرده بود که بلافاصله به بیمارستان شماره ۱ اعزام و تحت " درمان قرار گرفت "
- " در خلال مدتیکه سازجویان مشغول بازجویی و تحقیقات از " دستگیرشدگان بودند که نتیجه آن در بالا بعرض رسید سرهنگ " ستاد مبصر رئیس شعبه تجسس رکن دوم ستاد ارتش و سرهنگ ۲ " امجدی رئیس رکن دوم فرمانداری نظامی دفترچه های رمزیکه " از منزل سروان فراری محقق زاده و سروان اکبر داد خواه بدست " آمده و طبق تحقیقات معموله حاوی مشخصات کلیه افسران عضو "

- " سازمان نظامی حزب منحلّه توده میباشد تحت بررسی قرار داده "
- " برای کشف رمز و بدست آوردن کلید رمزی آن تلاش میکردند تا "
- " اینکه پس از مشخص شدن تعدادی از افسران مخفی سازمان نظامی "
- " توده و شماره های حزبی آنان پس از هشت روز فعالیت این رمز "
- " مشکل بدست دو نفر افسر مزبور در تاریخ ۱۴/۶/۳۳ کشف و اسامی "
- " ۴۳۴ نفر افسر و دانشجو و درجه دار عضو سازمان نظامی حزب "
- " منحلّه توده با مشخصات کامل (اسم ، شهرت ، درجه ، رسته ، "
- " شماره حزبی ، تاریخ ورود بحزب) طبق صورت پیوست شماره "
- " (۴) کشف گردید . "
- با اقداماتی که بطور مختصر بعرض رسید با شناخته شدن "
- " کلیه افسران توده ای ارتش - شهربانی - ژاندارمری موفقیت "
- " بسیار بزرگی نصیب سازمانهای انتظامی گردید اگر از این موفقیت "
- " که فرمانداری نظامی آنرا به سها رحمتهای شبانه روزی عده ای از "
- " افسران فداکار و مواجهه با خطرات وحشتناک گوناگون بدست آورده "
- " بنحو مطلوب و منطقی استفاده شده و مسبین و عاملین شدیداً "
- " مجازات شوند علاوه بر آنکه سازمانهای انتظامی از عناصر خائن "
- " و جاسوسهای بیگانه تصفیه خواهد شد برای بعد ها نیز امکان نفوذ "
- " در سازمانهای انتظامی از دست بیگانگان و جاسوسهای آنان خارج "
- " خواهد گردید ، اینک تعقیب و مجازات شدید این عناصر خائن "
- " بسته با و امر مقامات مسئول و علاقمندی سازمانهای قضائی ارتش "
- " میباشد . "

قابل توجه خوانندگان محترم :

توطئه ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ و انحلال حزب توده ایران

در ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ موقمی که شاه خائن باتفاق دکتر اقبال وزیر کشور و سرتیپ صفاری و عده ای دیگر از اطرافیان برای شرکت در جشن سالروز افتتاح دانشگاه تهران رفته بود ، ناصر فخر آرائی نام که ظاهراً بعنوان

عکاس در مراسم شرکت داشت، در فاصله چند قدمی (بنا بگفته دکتر اقبال) با استفاده از اسلحه کمری که در داخل دوربین عکاسی کار گذاشته شده بود، پنج تیر متوالی بطرف شاه فاسد تیراندازی می کند .

شاه حقه باز و عوامقربب بلافاصله بسرعت خیز بر میدارد و با اینکه ظاهرا " سه تیر به سر وی و دو تیر به قسمت بالای بدنش اصابت میکند از این مهلکه جان سالم بدر می برد .

بلافاصله و بدون معطلی سرتیپ صفاری ضارب را بضر چند گلوله اسلحه کمری بقتل میرساند ضمن بازرسی از جیب ضارب کارت عضویت حزب توده ایران بدست می آید که در آن عکس ضارب الصاق گردیده که بنام ناصر فخر آرائی بوده است .

فردای آن روز عکس کلاه و فرنج نظامی شاه مزدور در روزنامه هامنتشر گردید که در آن اثر دو گلوله بکلاه و دو گلوله در فرنج دیده میشد با وجود اینکه گلوله ها مستقیما " کلاه و فرنج نظامی را از دو طرف سوراخ کرده بود جای تعجب همگان گردید که باعث مرگ شاه خائن نشده بود، میخواستند چنین وانمود کنند که نیروی مافوق بشری گویا از این جانی حمایت می کند و وی صدمه ناپذیر است .

متعاقب این حادثه گزارش حادثه بوسیله دکتر اقبال در مجلس شورای ملی خوانده شد و تقاضای انحلال حزب توده بعمل آمد که سریعاً " از طرف مجلس مزدور انحلال حزب توده" ایران به تصویب رسید .

در همان روزها حزب توده ایران اعلامیه ای منتشر کرد و ضمن آن روشن نمود که حادثه دانشگاه تهران توطئه ای بیش نیست که در آن شاه، دکتر اقبال، سرتیپ دفتری شرکت داشتند و جوان ساده لوحی بنام ناصر فخر آرائی را با تمهید مقدمه و دادن وعده فریفته و جعبه عکاسی محتوی اسلحه کمری با تیرهای غیر حقیقی را بدست او دادند و کارت عضویت حزب که از جیب او بدست آمده جعلی و ساختگی بوده والا دلیلی ندارد کسی که مأمور ترور شاه است کارت عضویت حزب را همراه داشته باشد .

بنابراین جوان مزبور فدای توطئه گردید و در حقیقت تیر حقیقی از جعبه مزبور تیراندازی نشده است. کلاه و فرنج شاه مزدور که در آن آثار گلوله دیده میشد پس از وقوع حادثه ساخته و پرداخته شده و عکسبرداری گردیده است.

حزب توده ایران در اعلامیه خود ضمناً " اضافه کرده بود که شبیه این توطئه‌ها سابقاً " نیز بوسیله دیکتاتورهای دیگری ترتیب یافته من باب مثال از هیتلر نامبرده بود که وی توطئه ای ترتیب داد و قسمتی از رایشتاک (ساختمان مجلس آلمان) را بوسیله عمال خود تخریب کرد و این عمل را منتسب به حزب کمونیست آلمان نمود و بدینوسیله حزب مزبور را غیر قانونی اعلام نمود و اعضا آن را توقیف و عده زیادی از آنان را نابود کرد.

بنابراین توطئه دانشگاه تهران بمنظور تمهید مقدمه برای انحلال حزب توده ایران بوده و جوان ساده لوح فدای این توطئه شده است .
م - معزی

در کتاب سیاه علل ایجاد سازمان افسران چنین بیان شده است :
" حزب منحلّه توده با آن هدف و مرامیکه شرح دادیم ، با آن نقشه‌های سیاسی که داشت و با آن عملیاتی که انجام میداد مسلماً " نمی‌توانست نسبت به ارتش و قوای انتظامی بینظر بوده و نقشه‌هایی در این باره نداشته باشد .
حزب منحلّه توده از دو جهت نسبت به ارتش و قوای انتظامی ذی نظر بود :

اولاً - از قوای انتظامی میترسید و ارتش را بزرگترین دشمن خود میدانست ، زیرا یقین داشت که قوای تأمینیه بزرگترین ضامن حفظ استقلال و امنیت کشور و مهمترین مانع سرنگون ساختن حکومت ملی ! و ایجاد فتنه و آشوب و خونریزی و ترور میباشد . . .



در بیدادگاه بدوی دادستان فرمایشی یک بسته از باصطلاح مدارک را نشان

میدهد .



افسر شهید سرهنگ مبشری در چنگال درخیمان هنگام بازجویی

از این رو از میان برداشتن این مانع بزرگ، تضعیف ارتش و قوای انتظامی بیگانه آرزوی اصلی آنها از بدو تاسیس این حزب بود.
 ثانیا " -- حزب منحلّه" توده برای تسخیر حکومت که هدف نهائی او بود احداث به قوای مسلح داشت برای تجهیز قوای مسلح سه چیز لازم بود. افسرانیکه تعلیمات جنگی و نظامی دیده باشند، اسلحه ایکه این افراد با آن تجهیز شوند و افسران و فرماندهانیکه آنها را اداره کنند.
 حزب منحلّه" توده این هر سه عامل را فقط از داخل ارتش و قوای انتظامی مینوانست بدست آورد در ارتش هم سربازان تعلیم یافته هم افسران کارآزموده و هم جدیدترین اسلحه ها و مهمات و وسایل جنگی وجود داشت بهمین مناسبت حزب منحلّه" توده میبایست این عوامل را فقط از داخل ارتش بدست آورد.

" همین شرایط است که دادستان ارتش در ادعا نامه" خویش علیه " نخستین دسته افسران توده ای توضیح میدهد:

" پس از حادثه" سوم شهریور ماه ۱۳۲۵ و تاسیس حزب منحلّه" توده"

" رهبران آن حزب به نکات زیر وقوف کامل داشتند:

" اول - گسیخته شدن رشته نظم و انضباط در قوای مسلح کشور در"

" اثر غافلگیری بوده و با مرور زمان با سرعت تمام آن قوا به ترمیم"

" وضع میردازند.

" دوم - افراد مسلح کشور با قید مذهب بسوگند و قاداری ح. ا. ه."

" حفظ تخت و تاج سلطنت وفادار هستند.

" سوم - با وجود قوای مسلح کشور تنها بوسیله" افراد غیر نظامی"

" وابسته حزب موفقیتی نصیب آنان نخواهد شد.

" چهارم - جنگ دوم جهانی و اشغال خاک ایران فرصت ذیقیمتی"

" است برای رهبران حزب که در داخل قوای مسلح کشور تشکیل"

" ستون پنجم داده تا در صورت عدم موفقیت در آن دوره با ادامه"

" فعالیت و افزایش افراد ستون پنجم خود در قلب قوای مسلح کشور"

" و تضعیف روحیه و ست کردن مبانی ایمان و انضباط و تزلزل
 " صمیمیت آن قوا نسبت به کشور با اطلاع کامل از استعداد و سازمان
 " و کمیت اسلحه و مهمات و ساز و برگ و کیفیت آن و نوع و میزان
 " وسائل و گسترش قوای مسلح کشور و بطور خلاصه وقوف کامل به
 " کلیه امور و شئون در فرصت مناسب ضربت اصلی را بوسیله ستون
 " پنجم موجود و مجهز با پشتیبانی افراد غیر نظامی حزب منحل
 " توده وارد آورند .

" در اجرای این منظور و طرح بالا بنا به تحقیقات معموله هیئت
 " اجرائیه کمیته مرکزی حزب منحل توده در سال ۱۳۲۳ سازمانی
 " بنام (سازمان حزبی افسران توده ایران) تاسیس مینماید .

اما حزب منحل توده چگونه میتواند نقشه خود را اجرا کند ، چطور
 میتواند قدرت ارتش ملی را از میان بردارد و بضرر ارتش ، قوای
 " پارتیزانی و انقلابی " حزبی را تاسیس نماید ؟

در اوایل هدف حزب منحل توده انحلال ارتش بود . حزب منحل
 توده میخواست و میکوشید تا با استفاده از عوامل سیاست خارجی و مانور
 های تبلیغاتی ارتش ملی ما را منحل سازد .

حزب منحل توده ایدوار بود در درجه اول مقامات متفقین و در
 درجه دوم دولت و مجلس را وادار به انحلال ارتش سازد . اما بزودی تیر
 او بسنگ خورد و دانست که از این طرف راه نیست این بود که نقشه خود
 را عوض کرد و بجای انحلال ارتش از خارج ، راه نابود ساختن ارتش از
 داخل را انتخاب نمود .

حزب منحل توده تصمیم گرفت بهر قیمت هست در داخل ارتش و
 قوای انتظامی نفوذ کند .

نفوذ در داخل ارتش و قوای انتظامی و ایجاد یک سازمان حزبی
 مخفی در داخل قوای تأمینه فواید و نتایج زیادی برای حزب منحل توده
 داشت که مهمترین آنها بقرار زیر است :

۱- حزب منحلّه توده میتوانست باین وسیله ستون پنجم موثری در داخل صفوف ارتش داشته باشد و در لحظه مناسب یعنی هر وقت که بخواهد علیه حکومت ملی قیام و طغیان نماید بوسیله این ستون پنجم از پشت بر قلب ارتش ملی خنجر فرو کند .

۲- سازمان حزب منحلّه توده در داخل ارتش و قوای انتظامی می توانست منظمًا و طبق نقشه میان افسران و درجه داران و سربازان تبلیغات توده ای بعمل آورد و کادر نظامی حزب منحلّه توده را تقویت کند .

۳- سازمان نظامی حزب منحلّه توده میتوانست طبق نقشه در داخل ارتش حس بدبینی و نفاق را رواج دهد و در افراد مادیون نسبت بمافوق های خود ایجاد خصومت نماید و بدین ترتیب حس انضباط را در داخل ارتش و قوای انتظامی متزلزل سازد .

۴- این سازمان میتوانست برای حزب منحلّه توده در داخل ارتش جاسوسی کند ، اطلاعات محرمانه نظامی بدهد ، آمار افراد و واحدها ، تسلیحات ، مهمات و نقشه های جنگی را تسلیم نماید .

۵- سازمان نظامی میتوانست برای حزب منحلّه توده مدارک و اسناد تبلیغاتی تهیه کند تا بوسیله آنها روزنامه ها و مطبوعات این حزب منحلّه به ارتش و قوای انتظامی حمله ور گردیده و بکوشند مردم را نسبت بآنها بدبین یا مایوس سازند .

۶- این سازمان میتوانست برای حزب منحلّه توده اسلحه و مهمات و مواد منفجره و جنگی تهیه نماید .

۷- این سازمان میتوانست با افراد غیر نظامی حزب منحلّه توده تعلیمات نظامی دهد و آنها را برای جنگ علیه قوای دولتی آماده سازد .

۸- افراد این سازمان میتوانست با استفاده از لباس و حیثیت نظامی یا مقام و درجه خود کمک های شایانی برای انجام کارهای غیر قانونی به حزب منحلّه توده بنمایند .



سولنگر جنایتکار مزین و قضات جانی بیدادگاه تجدید نظر فرمایشی افسران آزادیخواه .



در بیدادگاه بدوی دادستان جانی یکی از طرح‌های تشکیلاتی سازمان افسران آزادیخواه را بدادرسان فرمایشی ارائه میدهد .

آنها میتوانند زندانیان توده ای را فرار دهند ، افراد توده ای را از تعقیب نجات بخشند ، برای مشمولین توده ای برگ معافیت از خدمت نظام وظیفه تهیه کنند ، بسربازان فراری توده ای کمک نمایند و غیره .

مختصری از تاریخچه سازمان افسران حزب منحل توده

سرهنگ ۲ معدوم محمد علی مبشری مسئول تشکیلات سازمان افسران توده ای که ضمن اعترافات خود در نزد بازپرس که بخط و امضای اوست مینویسد :

" تاسیس سازمان افسری آنطور که بخاطر دارم از اواخر ۲۳ یا اوایل ۲۴ بود . "

اما مدارک مسلمی در همین پرونده وجود دارد که ثابت میکند تاسیس این سازمان خیلی پیش از آن و لااقل در اوائل سال ۱۳۲۳ بوده است . منتهی در اوائل ۱۳۲۴ فعالیت ، این سازمان بطور ناگهانی وسعت زیادی یافت بطوریکه انعکاس آن در مطبوعات حزب منحل توده و پشت تربیون مجلس صورت آشکار بخود گرفت . در آن هنگام روزنامه های ارگان حزب منحل توده هر روز مقالات مفصلی در تحریک و تبلیغ افسران و نظامیان مینوشتند و اسناد محرمانه ارتش را کلیشه کرده چاپ مینمودند تا اذهان مردم را نسبت به ارتش مظنون و مایوس سازند .

اما علت این توسعه ناگهانی و پاره کردن پرده ها این بود که در آن موقع جنگ در شرف اتمام بود و رهبران حزب منحل توده از بیم اینکه قوای اشغال کننده ایران را تخلیه خواهند کرد و آنها ممکن است بمافلگیر شوند دست پیش را گرفته و با عجله خود را آماده برای عملیات مسلحانه مینمودند همین امر را کامبخش در نطق خود در تاریخ ۳ خرداد ۱۳۲۴ در مجلس شورایی تذکر داده و اعتراف نموده :

" این موضوع را با دولت اتمام حجت کرده ایم و به نمایندگان "
 " فراکسیونهای مجلس هم اطلاع داده ایم که اگر هستند اشخاصیکه "
 " بخواهند این مبارزه را از صفحات جراید و سالن های نطق بیرون "
 " بکشند و یک صورت دیگری بهش بدهند ما از این گریزان نخواهیم "
 " بود "

بالاخره حزب منحلّه توده در شهریورماه ۱۳۲۴ این عملیات مسلحانه
 را با عصیان افسران توده ای در خراسان شروع نمود. این موضوع را سرهنگ
 ۲ معدوم محمد علی مبشری توضیح میدهد:

" در سال ۲۴ آنطور که بخاطر دارم عده ای از افسران لشکر ۸ خراسان "
 " متواری و با اسلحه بطرف گنبد قابوس رفتند که در آنجا عده ای "
 " کشته شدند و بقیه متواری گردیدند "

(صفحه ۲۳ باز جوشی)

حقیقت این است که نقشه این شورش در تهران و از طرف کمیته مرکزی
 سازمان افسران حزب منحلّه توده طرح شده بود و سرهنگ فراری آذر که
 در آن موقع رهبر این سازمان بود با عده ای از افسران نیز فرارا " از تهران
 بخراسان رفتند و با افسران شورشی پیوستند.

اینک قسمتی از بیانیه های افسران شورشی توده ای را نقل میکنیم:

" بیانیه سرهنگ نوائی ۲۴/۶/۲

" ملت ایران ما را شناسید.

" ما گروهی از افسران لشکر مشهد در نتیجه مخالفت و مبارزه با "
 " دستگاه زور و ظلم مجبور بانجام بکرشته عملیات شدیم.

" ما که از نقشه های شوم و آزادی کش این دستگاه حاکمه اطلاع یافتیم "
 " ناچار مخالفت و مردن در راه آزادی را بر همه چیز ترجیح دادیم "
 " و باین نواحی قدم گذاشتیم.

" تراکمه و فارسها که ملت ایران را تشکیل میدهند ما برای برانداختن "
 " و نابود کردن دستگاه زور و ستم کنونی از شما کمک طلب مینمائیم.

" ما با از دست دادن چند نفر از رفقای خود مایوس نخواهیم شد "
 " ما با پشتیبانی بکدیگر ظالم را بسزای خود رسانیده و ظلم راریشه "
 " کن خواهیم نمود . سرهنگ نوائی . "

اینک اعلامه دیگریکه با مضا، سرگرد مقتول اسکندانی است و از طرف

افسران شورشی منتشر گردیده است:

" افسران و سربازان شرافتمند و رنج دیده ارتش، ملت ایران خطاب "
 " ما بشماست . "

" بر هیچ ایرانی پاک دامن و هوشیاری پوشیده نیست که دموکراسی "
 " کنونی ایران فقط یک ماسک فریبنده ای است که چهره پلید و خائن "
 " دیکتاتوری هیئت حاکمه و سران ارتش را پوشانده است . "

" این دیکتاتورهای پوسیده ارتش با تمام قوا میکوشند که اغراض "
 " سیاسی خویش را که ابراز بیگانگان است در سازمان ارتش مداخله "
 " داده و افسران جوان ایرانی را آلت مقاصد پلید خویش قرار دهند "
 " ما شما برادران عزیز اعلام میداریم برای آنکه از محیطی که در "
 " آن بسر میرید اغراض پلید خصوصی دور شود از کسانیکه نسبت "
 " بما قصد تعرض داشته باشند، قدرت تعرض را سلب میکنیم . "
 " برادران عزیز! حیثیت و شرافت سربازی همه ما در خطر است "
 " وضع کنونی ما را مایوس ساخته ما دست از جان شسته ایم، بهتر "
 " است برای حفظ شرافت سربازی، خون ما خاک ایران را رنگین سازد . "
 " سرگرد اسکندانی . "

در همان موقع حزب منحلّه، توده صریحا " و بدون پرده در روزنامه های
 خود از این باغیان آشوب طلب پشتیبانی میکرد:

" تعاشا جیان اوضاع اجتماعی ایران با وضوح تمام مبینند که یک "
 " تغییر و تحول اجتماعی در ایران در حال تکوین و زائیدن است "
 " تمام شرایط یک انقلاب اجتماعی در حال تکمیل شدن است . "
 " از اعلامه های رسمی ستاد ارتش این طور مستفاد میشود که این "

" تحول و تغییر در ارتش نیز با کمال قدرت خود ظاهر شده است ."
 " رادیو اعلام وفاداری لشکر ۱ مرکز را با آب و تاب میخواند . . ."
 " همان روز رسماً " وفاداری " فرمانده لشکر را بر رژیم کنونی با بقول "
 " خودشان به " بزرگ ارتشتاران " فرمانده " اعلام میدارد " .
 " آیا این اعلامیه های وفاداری خود دلیل وجود بی وفاسی ارتش "
 " نسبت به رژیم زور و قلندری و رشوه خواری و فساد کنونی نیست "
 " تاریخ نشان داده است رژیم که در حال پوسیدن و از هم پاشیدن "
 " است احتیاج به سوگند وفاداری پیدا مینماید " .
 (نقل از افق آسیا ، به جای " رهبر " بتاريخ ۲۴/۶/۸)

قابل توجه خوانندگان عزیز :

خسرو روزبه افسر آزادیخواه در کتاب اطاعت کورکورانه خود علت و جریان فرار افسران دانشمند جوان و شریف ارتش را چنین بیان میکند :
 " . . . سرهنگ مصدقی که بمعیت آقای بیات استاندار آذربایجان به عنوان بازرسی نظامی بسمت تبریز پرواز نمود بارها خود را وارد بحث افسران جزء دانشکده افسری میکرد و مکرر میگفت " افسران جزء خیلی ناقلا شده اند " . ضمناً " از بدبینی افسران جزء نسبت به افسران ارشد کله مینمود آیا گفتار سرهنگ مصدقی ترجمان نگرانی محافل افسران ارشد نبود ؟ و ثابت نمیکرد که این محافل تا چه اندازه از بیداری افسران جزء وحشت دارند

بهمین جهت سر لشکر ارفع بدستور سفارت متبوعه مامور تشکیل حزب نهضت ملی شد تا میلیتاریسم را در ایران تجدید کند و در ضمن محور آزادی و نابود کردن آزادیخواهان موقعیت متزلزل فرماندهان فراری شهرپور را تثبیت نماید . حزب نهضت ملی تشکیل شد . دسته دسته افسران آماد گاه و لشکر یکم مرکز در منزل سرگرد امین زاده و باشگاه افسران اجتماع کردند و مراسم سوگند را بجا آوردند .

این دسته بندی سیاسی سر لشگر رزم آراء که دشمن قدیمی ارفع بود اجازه داد عده ای را بدور خود جمع کند و با اصطلاح شوشتری در مقابل دزفول بنا نماید .

مسترضیا الدین هم عده ای از افسران ورزشکار و لوطی مآب را که مغزشان بیشتر به گچ شباهت داشت و برای زیر تخماق مناسب بود ، با وعده و وعید و کمکهای مالی بسک حلقات دعوت کرد و در عدار عراده کشان اراده ملی قرار داد .

عده زیادی از افسران هم که پایه علمی کافی داشتند دور از این دسته بندیها بخواندن روزنامه های افراطی معتاد شدند و اصول و عقاید خود را بر مبنای فلسفی و علمی استوار ساختند .

مجامع افسران صورت عجیبی بخود گرفته بود هر قسم روزنامه دهر نوع عقیده ای طرفدار و هواخواه داشت و غالباً " بحث های خسته کننده و طولانی بین آنها صورت میگرفت . . .

این همه جوش و خروش و این همه استقبال و پیشقدمی افسران برای دخالت در سرنوشت خود و ملت ایران مقامات عالی را متزلزل نمود و مجدداً ارفع را به ریاست ستاد ارتش منصوب کرد .

سر لشگر ارفع که در اثر داد و فریاد روزنامه ها و استیضاح نمایندگان مجلس از کار بر کنار شده بود ، روش محافظه کارانه پیش گرفت و جلسات علنی و پر جمعیت حزب را به جلسات چند نفری و سری تبدیل نمود .

تبلیغات صورت انفرادی یاقت و در عوض یا تهدید انتقال و محرومیت از اخذ درجه توام گردید . سرهنگ اخوی و عمال او با انتیلیجنس سرویس روابط انتیم برقرار کردند و به پیروی از دستورات آن موسسه بزرگ ، که سابقه عمل طولانی در کشورهای مستعمراتی دارد برای افسران روشنفکر و مخالفین خود مشغول بیرونده سازی شدند .

محافل افسران و باشگاهها تحت کنترل قرار گرفت و عده ای بعنوان جاسوس گزارشات راست یا دروغ برای رکن دوم تهیه نمودند از طرفداری

باشگاهها (بخصوص باشگاه دانشکده افسری) روزنامه ها محدود شد و روزنامه های معینی که جنبه ارتجاعی داشت در دسترس افسران قرار گرفت . کم کم در محافل افسران شایع شد که ستاد ارتش دست بانقالات بزرگی خواهد زد . و همانطوریکه سرلشکر رزم آراء با قانون انتقالات معروف خود دسته ارفع را متلاشی کرد ، ارفع نیز عده زیادی را تبعید میکند و مخصوصاً " منتقلین را به ناحیه جنوب ایران یعنی در تحت لوای پرچم انگلیس میفرستد ...

یکروز حکم انتقال سروان رصدی اعتماد (یکی از استادان دانشمند دانشکده افسری) و ستوان یکم آگاهی ، ستوان یکم وطن پور به دانشکده افسری واصل شد چند روز بعد خبر انتقال سروان طغرائی و ستوان یکم قهرمان انتشار یافت .

در خارج دانشکده افسری نیز عده ای از قبیل سروان رحمانی و سروان آگهی و سروان جودت و سروان پزشکیان و ... منتقل شدند . دلیل انتقال افسران اصولاً ذکر نمیشد و با احتیاج مبرمی که ارتش باین افسران مبرز داشت از حوزه ماموریت خود طرد میگشتند .

انتقال افسران بصورتی خشن و برخلاف شئون افسری صورت میگرفت مثلاً " چنانچه شایع است یک سرگرد به معیت چند دژبان مسلح بمنزل سروان رصدی واقع در سوهانک حمله کردند . سرگرد مامور با طپانچه لخت وارد زیر زمین شد و هر چه سروان رصدی میگفت " این اطاق بیش از یک در ندارد ، در خارج از اطاق یابستید تا من لباس بپوشم ، شما حق ندارید بجائی داخل شوید که مادر و خواهر من با لباس استراحت در آنجا هستند " افسر مامور باتکا همان دستورات غلط از اطاق خارج نشد . همین سروان رصدی اعتماد در حالی که یک سرباز با تفنگ و یک افسر با طپانچه مشایعتش میکردند برای تحویل و تحول و انجام کارهای اداری باردوگاه اقدسیه آمد و همه افسران را متاثر کرد .

افسری که شش سال چشم و چراغ رسته توپخانه محسوب میشد افسری

که با تالیف کتاب نقشه برداری و روش مخصوص تدریس خود مورد احترام و استفاده کلیه دانشجویان و مورد غبطه همه افسران واقع شده بود .

افسری که هیچکس در شرافت ، میهن پرستی ، بی نظری و با وجدانی او تردیدی نداشت درحین احتیاج مبرم رسته توپخانه منتقل شد و درقبال تمام خدمات خود تا این حد مورد اهانت قرار گرفت .

سروان طفرائی و ستوان یکم آگاهی و ستوان یکم قهرمان ازبرحسته ترین افسران مخابرات ارتش بودند و با رفتن آنها رسته مخابرات دانشکده بکلی فلج شد . ستوان یکم وطن پور که شاگرد اول دوره خود بود درعداد بهترین افسران توپخانه بشمار میرفت .

این انتقالات بيموقع که مخصوصاً بدون ذکر علت صورت میگرفت آنها را متوحش کرد و وقتی شنیدند که دژخیمان رکن دوم تصمیم دارند افسران منتقل را بعنوان ماموریت در خارج شهرها و پادگانهای جنوب نابود کنند و اسم بر خورد با اشرار را بروی آن گذارند و وقتی مطمئن گردیدند ، که با حربه دادگاه صحرائی و بدستورامثال سرلشگر ارفع و سرتیپ هوشمند افشار اعدام یا به حبس ابد محکوم خواهند شد قرار را بر نابودی مسلم خود ترجیح دادند .

گناه این افسران این بود که بمنویات جنایت آمیز ارفع و دسته بندی او پی برده بودند و با تجدید میلتیاریسم مخالفت میکردند .

این افسران که در ضمن بررسی های خود از دنیای خارج خیر داشتند و بعلاوه به مطالعه تاریخ و فلسفه علاقه مخصوصی بخرج میدادند از نفوذ کشنده استعمار و رژیم دیکتاتوری وابسته بآن بسختی بیزار و منتفر بودند و تجدید دوره ننگین گذشته و ادامه وضع نکبت بار فعلی را مخالف مصالح ملت ایران میدانستند .

این انتقالات به مشهد هم سرایت کرد و افسران آنجا را هم بوحشت انداخت . وقتی شنیدند افسر تحصیل کرده و او را رفته ای مثل سرهنگ کیانوری را به گناه اینکه برادر خانم کامبخش نماینده فراکسیون توده است ،

با آن افتضاح سوار اتومبیل کرده و بخارج فرستاده اند و وقتی از موضوع انتقال و اهانت به افسری مثل سروان رصدی خبر یافتند تصمیم گرفتند که تا ایجاد یک حکومت صالح ملی که حافظ منافع اکثریت باشد در گوشه دور افتاده ای ترک خدمت گویند البته این اقدام مستلزم مراعات احتیاطاتی هم بود بهمین جهت بردن مقداری اسلحه و دو کامیون ضروری بنظر میرسید و برای آنکه بمال مردم تجاوز نکنند و دست تگدی به پیش این و آن دراز ننمایند محتاج مقداری پول بودند و آنهم از راه بردن حقوق خودشان تامین گردید .

بعدا " افسران دیگری که تحت فشار و مورد غضب سازمان ننگین حزب نهضت ملی واقع شده بودند بآنها پیوستند .

این افسران بدون آنکه قصد تجاوز به شهربانی و ژاندارمری گنبد قابوس داشته باشند ، با کمال سادگی و بی احتیاطی بحرکت خود ادامه دادند ولی ناگهان مورد شلیک ژاندارم ها و یاسبانانی واقع شدند که قبلا " موضع گرفته و منتظر آنها بودند .

به ژاندارمها و یاسبانان گفته بودند که از طرف شاه مشروطه ! ! اقیمت سر هر افسر هزار تومان ، معین شده و کسیکه موفق به کشتن یا اسارت یکی از آنها بشود این مبلغ را بعنوان جایزه دریافت خواهد کرد .

یاسبان شیرهای به سخت یا ژاندارم دزد می آبرو منتظر چنین فرصتی بود که با کشتن یک افسر میهن پرست هزار تومان بگیرد و چند روزی خوش باشد واقعه شوم و قتل فجیع هفت نفر بوقوع پیوست و دل میهن پرستان واقعی را متاثر و داغدار کرد .

سرگرد اسکندانی که از افسران دانشمند و دانشگاه دیده این ارتش نفرین شده محسوب میشد ، سرگردی که هنوز هم دانشجویان رسته توپخانه دانشکده افسری از کتاب لوله او استفاده میکنند و افسری که در شناسائی اجتماع و مسائل مربوط به آن ید طولانی داشت و مطالعات بسیار عمیق و قابل استفاده ای در این راه نموده بود بضرر گلوله ژاندارم جان سپرد .



سرتیب مجیدی و قضات جانی بیدادگاه بدوی افسران آزاد بخواه .



سرگرد شهید غلامحسین محبی در آخرین جلسه دفاع از خود

اینها بود نتیجه تعلیمات ارتشی که محمد رضا پهلوی حنایتکار بساز ۳۷ سگنتت ننگین به ملت ایران تحویل داد مقاد مندرجات آئین نامه های انضباطی ارتش را مطالعه کنید در تمام این آئین نامه ها و دستورات صادره که از چهل سال قبل تاکنون در آنها کوچکترین تغییری حاصل نگردیده و اطاعت کورکورانه و بدون چون و چرا از اوامر مافوق بسرباز ندریس و تلقین میشود و افسران و درجه داران ضمن تشریح مواد آئین نامه انضباطی به منظور مرعوب کردن سربازان عواقب و محازات کوچکترین سر پیچی از دستورات فرمانده بالا دست را بصورت جدی و با صدائی رساتر به آنان گوشزد میکردند .

هدف فرماندهی خائن ارتش در ایجاد این انضباط خشک و اطاعت کورکورانه و در اجرای دستورات امپریالیست ها این بود که ارتش را به قبرستان تاریک و خاموشی تبدیل نماید که در آن کسی حق اظهار نظر و نفس کشیدن را نداشته باشد .

طبیعی است در چنین محیط ارباب و خاموشی ، افسران دانشمندی چون سروان خسرو روزبه ها سروان رصدی ها که کارشان مطالعه و اندوختن دانش و پژوهش های علمی و اجتماعی و سیاسی بود باید رانده شوند و معدوم گردند ، زیرا وجود چنین افسران دانشمند و میهن پرست در ارتش درست مغایر و مخالف اهداف شومی بود که فرمانده خائن و سرده داران مزدور ارتش در خدمت به امپریالیسم و غارتگران داشتند هدف اصلی غارتگران و مزدوران این بود که ارتش نباید بیدار شود و بوظائف حقیقی و اصلی خود که عبارت از دفاع از مرز و بوم و آزادی و استقلال و زندگی و آسایش ملت ایران است پی برسد . و بدین جهت بود که می گفتند ارتش نباید در سیاست مداخله کند و روابط افسران در خارج از محیط ارتش ، کلی محدود و تحت نظر مسئولان ضد اطلاعات بود .

این اختناق و تفتیش افکار از زمان رضا خان مهتر در ارتش پایه گذاری شده بود خوب بیاد دارم در سال ۱۳۱۸ هنگام برگزاری عروسی شوم محمد

رضا خائن با فوزیه عده ای از افسران جوان ایرانی را فقط بخاطر اینکه یکی دو بار در معیت افسران ترکیه بکافه ای در لاله زار رفته بودند بدستور رضا خان اعدام کردند .

همان روزها شایع بود همه افراد هنگ لایموت را که گویا نا فرمانی جزئی در آن روی داده بود تیر باران و معدوم نمودند .

اگر تعداد افسران فهمیده و دانشمند در ارتش بقدر کافی وجود داشت و افسران خوب را در بیست سال گذشته پازنشسته نکرده بودند ، بهیچوجه ارتش نمی توانست چنین بیرحمانه به کشتار نابخردانه مردم بیگناه دست بزند و بدستور فرمانده جنایتکار کورکورانه هزاران نفر آزادیخواهان و مجاهدین و فدائیان را به رگبار مسلسل ببندد و زیر تانکهای سنگین له و لورده سازد و خیابانها را از خون جوانان رنگین گرداند .

بدیهی است چنین ارتش کور و بیرحم و بدون ایدئولوژی سیاسی و بی خبر از هر جا و منزوی از افکار مردم و جهان با وجود اینکه مجهز به بهترین و مدرن ترین سلاح ها بود چون در بست در اختیار دیکتاتوری و امپریالیزم بود ارزش نظامی از نظر دفاع از مرز و بوم این مملکت را نداشت فقط عنوان و بهانه ای بود برای خرید سلاحهای سنگین آمریکائی در مقابل در آمد نفت و وسیله ای بود برای رونق بخشیدن به کارخانجات تسلیحاتی آمریکا ، ایران و عربستان سعودی دو کشور متعهدی بودند که میبایستی سالیانه هر یک مبلغ ده میلیارد دلار اسلحه از آمریکا خریداری نمایند .

سلاح هائی که هر سال رویهم انباشته میشد و طبیعی است هر سال با اختراع سلاحهای جدید ارزش فنی سلاح های سال های گذشته پائین می آمد تا روزی که در اثر عدم استفاده یا هن پاره هائی تبدیل شوند .

در سالهای اخیر با اینکه فساد و دزدی و غارتگری بخصوص در سطوح بالای ارتش گسترش پیدا کرده بود بعلت همکاری غارتگران با فرمانده خائن افسران دزد خیانتکار نامیده نمی شدند .

خائن ! کسی بود که متهم بداشتن افکار سیاسی و روشنفکر بود و حسن

انساندوستی و عطوفت و حمایت از ملت در او میدار شده بود .
 بطوریکه در عمل دیدیم چند سال قبل فرمانده نیروی دریائی با
 معیت گروهی از افسران غارتگر نیروی دریائی صدها میلیون تومان دزدیدند
 و در دادگاههای فرمایشی که ظاهراً " محاکمه شدند ولی چون قسمت اعظم
 وجوه دزدی را به ارباب پس دادند پس از پنج و شش ماه زندانی شدن آزاد
 گردیدند و امروزه با پول های دزدی زندگی مرفهی دارند و اغلب این گروه
 فعلاً " در بهترین شهرهای اروپا و آمریکا زندگی مجللی دارند و عملاً " اینها
 را خیانتکار نمی نامیدند .

اینهاست نمونه هایی از رفتار ظالمانه سردمداران ارتش با افسران
 شرافتمند و رفتار اغماض آنان در مقابل افسران دزد و غارتگر .



سرگرد شهید غلامحسین محبی در آخرین دفاع

اینک برای آشنائی خواننده عزیزیدانش و معلومات افسرانی که بدستور شاه اعدام و یا اخراج و تبعید شده اند قسمت‌هایی از آخرین دفاع خسرو روزبه افسر آزادپخواه و شهید را در بیدادگاه نظامی برای نمونه در زیر نقل می‌کنیم :

(در طی دوران تحصیل در دانشکده‌ی افسری همیشه جزء شاگردان برجسته‌ی رشته‌ی توپخانه بودم . سرلشکرزنگنه که مربی ما بود هر وقت در دروس علمی توپخانه از قبیل بالیستیک و قن‌داق و لوله و مهمات و غیره نمیتوانست اشکال یکی از دانشجویان را برطرف سازد بشوخی میگفت " دکتر جواش را بده " . پس از طی دوره‌ی دانشکده‌ی افسری دو سال در هنگ توپخانه‌ی ضدهوائی خدمت کردم و چون در مقابل هر موضوعی یک کلمه‌ی " چرا " میگذاشتم در مطالعه‌ی اصول علمی ادوات الکتریکی و اپتیک ضدهوائی توفیق زیادی کسب کردم و رساله‌ای نیز تحت عنوان " اصول علم ادوات نوری (اپتیک) توپخانه ضدهوائی (دوربین دیدبانی) ، سرعت سنج ، مسافت یاب تجسمی ، استروسکوپ " تألیف کردم . بطور کلی مجموعه‌ی تألیفات و ترجمه‌های من از حیث کتب تخصصی نظامی و علمی و ادبی و سیاسی و شطرنج مشتمل بر ۳۵ جلد است :

الف - کتب تخصصی و علمی

- ۱ - دوره‌ی ریاضیات عالی تخصصی رشته‌ی توپخانه (جلد اول)
- ۲ - دوره‌ی ریاضیات عالی تخصصی رشته‌ی توپخانه (جلد دوم)
- ۳ - بالیستیک داخلی
- ۴ - بالیستیک خارجی
- ۵ - قن‌داق
- ۶ - نقشه‌ی قن‌داق (جلد مکمل قن‌داق)
- ۷ - اصول علمی تیراندازی ادوات سبک علیه هدفهای متحرک
- ۸ - دیدبانی (اصول علمی)

- ۹ - اتوموبیل
- ۱۰ - اصول علمی ادوات نوری (اپتیک توپخانه‌ی ضد هوائی (دوربین دیدبانی ، سرعت سنج ، مسافت یاب تجسمی ، استروسکوپ)
- ۱۱ - محترقه‌ها
- ۱۲ - تیر ساحلی
- ۱۳ - رساله‌ی حل معادلات درجه‌ی چهارم و درجه‌ی عالی از طریق تقسیم تسلسل .
- ۱۴ - اصول نظری و علمی حل مسائل ساختن هندسه .
- ب - کتب ادبی و فلسفی
- ۱۵ - تاریخ مختصر جنگ جهانی دوم
- ۱۶ - اصول فلسفه (جلد اول - مقدمه)
- ۱۷ - رزفرانس
- ۱۸ - کودک در خانه و مدرسه
- ۱۹ - دهکده‌ی لجوج
- ۲۰ - بازی عشق و مرگ (اثر رومن رولان)
- ۲۱ - سومیکو دختر هیروشیمائی
- ۲۲ - رفقا (کتاب آموزشی کودکان)
- ۲۳ - خودآموز زبان روسی - ترجمه از فرانسه و تطبیق با خصوصیات زبان فارسی .
- ۲۴ - غنچه‌های پژمرده
- ۲۵ - سوسیالیسم علمی و سوسیالیسم تخیلی
- ۲۶ - فرهنگ لغات و اصطلاحات فلسفی و اقتصادی و سیاسی
- ۲۷ - جنگ کره
- ج - کتب سیاسی
- ۲۸ - اطاعت کورکورانه
- ۲۹ - کشور شوراها چگونه است و چطور اداره میشود ؟

۳۰ - خاندان پهلوی

د - کتب شطرنج

۳۱ - شطرنج

۳۲ - خود آموز شطرنج

۳۳ - شطرنج ارتیستیک

۳۴ - چگونه باید شطرنج بازی کرد ؟

۳۵ - رساله‌ی جدید کامل شطرنج (قواعد پایان بازی)

باید اضافه کنم که تعداد زیادی جزوه‌های درسی در زمینه‌ی استاتیک گرافیک - متمم جبر - آنالیز - هندسه‌ی تحلیلی - هندسه‌ی ترسیمی - ژئومتری سینماتیک - مقاومت مصالح - نور هندسی - نورفیزیکی - ترمودینامیک - مکانیک راسیونل - آسترونومی و کوسموگرافی و غیره . . . ترجمه کرده‌ام که هنوز بصورت کتاب در نیامده‌اند . یک جدول تیر مکانیک نیز برای تیرهای جانبی توپخانه تهیه کردم . این جدول دارای یک صفحه‌ی اصلی و چندین خط کش و نقله‌ی متحرک مجهز به ورنیه است . در روی صفحه‌ی اصلی منحنی‌های زیادی برای تسهیل کار محاسبه رسم شده است . این منحنی‌ها قسمتهائی از بیضی هائی هستند که فرمول آنها با دوران محور مختصات بدست آمده است . محاسبه‌ی عناصر اصلی این بیضی‌ها و رسمشان و بعداً " عکسبرداری و کوچک نمودن آنها مدت زیادی وقت گرفته است . برای تیرهای زمانی بالا نیز یک سیستم جدول تیر مکانیک تهیه نمودم که از محاسبات طولانی در میدان نبرد بکاهد و برای تمرین تیر سلاحهای سبک علیه هدفهای متحرک نیز سیستمی مبنی بر ایجاد یک سکوی متحرک حاوی تیرانداز و سلاح و یک سلاح و یک هدف ثابت بصورت یک هواپیمای کوچک پیشنهاد کردم . سکو با سرعت دورانی حساب شده‌ای به تناسب سرعت و مسافت هواپیما حرکت میکرد و این سیستم وجود و لزوم هواپیماهای هدف کش را بکلی منتفی میساخت . همچنین برای هماهنگ ساختن تقسیمات زاویه‌ای سلاحهای مختلف پیاده

پیشنهاداتی دادم و اقداماتی هم در کارخانه‌ی اسلحه‌سازی صورت گرفت که بعداً بعلت فرار و اختفاء دنباله‌اش گرفته نشد و مسکوت ماند .

خسروروزبه دربارہ شکنجه روحی و تضییع حق

وی در آخرین دفاع چنین اظهار میکند :

(۱- تضییع حق من در مورد تعیین وکلای مدافع

بموجب قانون ، متهم در مرحله‌ی بازپرسی که بیم‌تباری می‌رود ممکن است بدستور بازپرس زندانی انفرادی و بدون ملاقات گردد . ولی البته بمحض آنکه مرحله‌ی بازپرسی پایان یافت و بیم‌تباری منتفی گردید به او حق داده میشود که با خویشاوندان خود ملاقات کند ، من اینک بیش از نه ماه است که در شرایط خاصی زندانی انفرادی بدون ملاقات هستم . چند درجه دار بنوبت در اطاق انفرادی من کشیک میدهند . حتی پس از نه ماه اجازه ندارم به مستراح بروم و در این مدت حتی یکدقیقه بمن هواخوری نداده‌اند و اشعه‌ی آفتاب بر یک سانتیمتر مربع از بدن من و برای مدت یکدقیقه نتابیده‌است . آیا شرایط زندان انفرادی اینست ؟ آیا زندانی انفرادی حق هواخوری ندارد ؟ آیا پس از اتمام تحقیقات و صدور کیفرخواست و رفع بیم‌تباری باز هم باید از ملاقات با خویشاوندان محروم باشم ؟ زندان من در حقیقت شبیه به حجره‌ای از یکی از حمامهای سابق است . فقط یک در دارد که به اطاق دیگری باز میشود و در آن اطاق نیز بنوبه‌ی خود بیک‌دالان سر بسته باز می‌گردد و بدین ترتیب میتوان با جرئت گفت که هنوز قسمتی از هوای هشتاد سال پیش که هنگام طاق زدن این اطاق در آن محبوس گردیده و از سینهای به سینهای دیگر انتقال یافته است با تمام خواص اکتسابی خود وجود دارد و بکرات بافتهای ریه‌ی من را آزار داده است . با وجود این من تحمل بسیار است و همه‌ی این شرایط را با بردباری تحمل خواهم کرد و باستناد گفته‌ی سعدی :

“ نباید گرسوزندت که فریاد از تو برخیزد

اگر خواهی که چون پروانه پیش نور بنشینی ”

شکایتی ندارم و تقاضا نمیکنم که تغییری در این وضع داده شود. ولی مسئله‌ی ملاقات با مسئله‌ی دفاع من بستگی دارد و ناچار هستم در تأیید نامه‌هایی که بدادگاه نوشته‌ام توضیح بدهم که کمترین زیان ممنوع بودن ملاقات من با خویشاوندانم اینست که از ۲۵ نفر وکیل مدافعی که صورت داده بودم حتی یک نفر آن‌ها را قبول وکالت نکرده است. اگر من اجازه‌ی ملاقات داشتم بدون تردید خویشاوندانم نزد وکلای مورد نظر میرفتند، از آنها خواهش میکردند حتی اگر مطالبه‌ی حق الوکاله مینمودند تا آنقدر که مقدور بود میپرداختند و لاقلاً نظر موافق چهار پنج نفر را برای دفاع من جلب مینمودند.

این حقیقت قابل انکار نیست که مراجعه‌ی مستقیم خویشان من با ارسال یک نامه‌ی خشک اداری از طرف دژبان پادگان مرکز از زمین تا آسمان فرق دارد و عملاً هم می‌بینیم که نتیجه‌ی اینگونه ابلاغ‌ها هیچ بوده است و دادگاه مجبور شده وکیل تسخیری انتخاب کند. اگر این مورد را بحساب محدودیت حق دفاع نگذاریم چه اسمی میتوان بر آن گذاشت؟ وکیل مدافع همانطور که از اسامی پیدا است مدافع متهم است، سلاح قانونی دفاع متهم است و بدین ترتیب در واقع خلع سلاح شده‌ام و حق دفاعم سلب گردیده است.

خسرو روزبه درباره جمع‌آوری اطلاعات

چنین توضیح میدهد †

(من البته مسئول شعبه‌ی اطلاعات کل حزب توده‌ی ایران و شعبه‌ی اطلاعات تشکیلات افسران آزادیخواه ایران بوده‌ام و بمقتضای مسئولیتی که بعهده داشته‌ام دستور جمع‌آوری اطلاعات را داده‌ام و از اطلاعات گردآمده نیز بهره‌برداری کرده‌ام، ولی بنظر من اعضای کمیته‌ی مرکزی حزب توده‌ی ایران که بیشتر این اطلاعات را برای آنها میفرستاده‌ام و سازمانهای مختلف حزبی که اطلاعات مربوط بخودشان را دریافت میکردند، اشخاص و سازمانهای ناصالحی نبوده‌اند، همه‌ی این افراد ایرانی بوده‌اند، اکثراً نخبه‌های

مردم ایران محسوب می‌شده‌اند، بخاطر هدفهای مقدس بصوف توده‌ی ایران پیوسته‌اند، هیچگونه نظر سوئی نسبت با استقلال و آزادی و تمامیت ارضی و شرف ملی ایران و ایرانیان نداشته‌اند و بدین ترتیب هیچگونه وجه اشتراکی بین این اشخاص و اشخاص غیر صلاحیت دار مندرج در ماده‌ی ۶۷ قانون مجازات عمومی وجود ندارد و بهمین جهت استناد باین ماده بهیچوجه نمیتواند محمل قانونی داشته باشد. علاوه بر اطلاعات کلی که قبلاً در باره‌ی آن بحث شد، حزب ما با اطلاعات دیگری نیز نیازمند بود. دادرسان محترم میدانند که حزب توده‌ی ایران برخلاف نص صریح اصل بیست و یکم متمم قانون اساسی و با تشریفات ناقصی از طرف حکومت ساعد در سال ۱۳۲۷ غیر قانونی اعلام شد و مورد تعقیب قرار گرفت. برای مصونیت سازمانهای حزبی از حمله‌ی قوای انتظامی لازم بود اطلاعاتی در این زمینه کسب کنیم و اقدامات پلیس راخنثی‌سازیم و ما اینگونه اطلاعات را که مربوط بدستگیری اعضای حزب، تفتیش خانه‌ها، شکنجه‌ی زندانیان و امثال آنها بود بدست می‌آوردیم و بموقع آنها راخنثی می‌کردیم. همچنین اطلاعاتی درباره‌ی حیف و میل‌ها، خاصه خرجی‌ها، و اجحافات و امثال آن تحصیل می‌کردیم تا با انتشار در روزنامه‌های حزبی بمردم ثابت کنیم که این دولت‌ها قادر بانجام کاری نیستند و فقط و فقط دولتی که توسط حزب توده‌ی ایران روی کار آید قادر است و خواهد توانست تمام مشکلات جامعه را حل نماید. افشای این اسرار بهیچوجه جرم نیست و در تمام کشورهای جهان متداول است. دوسه ماه پیش در باره‌ی مسئله‌ی کمکهای خارجی ایالات متحده‌ی امریکا و سوء استفاده‌هایی که از آن شده‌است جنجال عظیمی در مطبوعات امریکا برپا شد و قضیه تا مرحله‌ی طرح و بحث در کنگره‌ی امریکا نیز تعقیب شد. حزب یعنی حزب دموکرات امریکا اسنادی را انتشار داد که بموجب آن حیف و میل‌های زیادی صورت گرفته‌است و از آنجمله فاش ساختن که قطعات بدکی ماشینهای مختلف را که میبایست به کره‌ی جنوبی داده‌شود در بازار رقدی ارزان فروخته‌اند که مجدداً وارد امریکا شده و با اصل جنس و کارخانجات

سازنده رقابت کرده است . چه کسی میتواند نام افشای اینگونه اخبار را جاسوسی و تسلیم اسرار به افراد غیر صلاحیتدار بنامد ؟ از اینگونه اخبار گاهی در روزنامه‌های مختلف که وابسته بهیچ حزبی نیستند منتشر میشود و نمیتواند موردی برای تعقیب باشد . حزب ما در مورد مستشاران نظامی امریکا اسنادی را جمع آوری میکرد . این اسناد نشان میداد که این مستشاران تا چه حد در تمام شئون نظامی و سیاسی و اسرار مربوط به اسلحه و مهمات یعنی همان اسراری که اطلاع بر آنها توسط دشمن موضوع جرم جاسوسی را تشکیل میدهد وارد و مسلط هستند و بعلاوه نشان میداد که امتیازات حقوقی و مادی این افراد با امتیازات مشابه آنها در ارتش ایران از زمین تا آسمان تفاوت دارد . ما حقوق دو درجه دار یا دو افسر همدرجه‌ی ایرانی و امریکائی را که هر دو از خزانه‌ی ارتش ایران حقوق می‌گرفتند با یکدیگر مقایسه میکردیم و تفاوت عجیب آنرا روشن می‌ساختیم . من شخصاً بعنوان یک افسر دانشکده دیده و مربی دو هزار نفر از افسران ارتش ایران اعلام میکنم که افسران ایرانی از لحاظ هوش و فراست و قدرت ابتکار و سرعت درک و حسن تشخیص و پایه‌ی معلومات بهیچوجه از هیچیک از افسران ارتشهای جهان چیزی کم ندارند و اگر شرایط مناسب تحصیل برایشان فراهم گردد و تشویق به تحصیل شوند میتوانند در عداد زبده ترین افسران جهان باشند . با وجود این واقعیات متأسف میشدم وقتی میدیدم فلان درجه دار بیسواد امریکائی چندین برابر فلان افسر تحصیل کرده‌ی ایران از صندوق ارتش ایران حقوق می‌گیرد و بعلاوه کرایه خانه و ماشین نویس و اتوموبیل و کلفت و نوکر هم در اختیارش میگذارند . ارتش ایران با وجود افسران باسواد و تحصیل کرده‌ی زیادی که دارد بهیچوجه محتاج باین باصطلاح مستشاران نیست . . . در سال ۱۳۳۱ سفارت کبرای ایالات متحده‌ی امریکا در ایران بتأسیس یک کلاس جاسوسی مبادرت ورزید و عده‌ای از ایرانیان را با شرایط خاص و احتیاطات لازم برای تحصیل در آن کلاس برگزید . تصادفاً یکی از افراد شخصی بود بنام دکتر شبرازی دندان پزشک که عضو حزب توده‌ی ایران بود . دکتر

شیرازی جریان را به حزب گزارش داد و قرار شده به تحصیل خود در آن کلاس ادامه دهد و وقتی اسناد کافی بدست آمد جریان توسط حزب افشا شود. تمام اسناد تحصیلی این کلاس در بایگانی شعبه‌ی اطلاعات حزب توده‌ی ایران بایگانی شده بود و ضمن آتش سوزی بایگانی اطلاعات بکلی از بین رفت. باین دانشجویان اصول کلی جاسوسی و مخصوصاً کشف رمز و مخابره‌ی با تلگراف بی سیم و تعمیر آن یاد داده میشد و بهر یک از آنها ماهیانه ۵۰۰ تومان حقوق میدادند. قرار بود شاگردان این کلاس در سرتاسر ایران پخش شوند و بکارهای عادی خود از قبیل دندان پزشکی، پزشکی، دبیری و غیره بپردازند. ضمناً قرار بود از طرف سفارت امریکا وسائل کار شخصی و همچنین بی سیم و ابزار مورد لزوم دیگر تحویل گردد. دکتر شیرازی ماه موریت داشت در مهاباد بکار دندان پزشکی بپردازد و وظیفه‌ی جاسوسی خود را بنفع سفارت امریکا انجام دهد. ولی چون با دختر قاضی محمد رهبر فرقه‌ی دموکرات کردستان ازدواج کرد ظاهراً سفارت امریکا نسبت به او مظنون شد و در تحویل دادن وسائل دندان پزشکی و بی سیم و ابزار دیگر بدفع الوقت پرداخت. ولی ماهی ۵۰۰ تومان را مرتباً تاء دیه مینمود و دکتر شیرازی نیز قسمتی از آنرا برای فرزندش که در بیروت تحصیل میکرد میفرستاد و بقیه را عیناً به حزب تحویل میداد. قصد ما این بود که بمحض دریافت وسائل کار جریان را در حضور دادستان دیوان عالی کشور، دادستان ارتش و عده‌ای دیگر از شخصیت‌های ذیصلاحیت فاش کنیم و بدین ترتیب اقدامات سفارت امریکا را در زمینه‌ی این جاسوسی باشکست مواجه سازیم. ولی متأسفانه با پیش آمدن حادثه‌ی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و دستگیری و خیانت عظیم عسگری تندتویس مجلس شورا که بایگان شعبه‌ی اطلاعات کل بود و دستگیری خود دکتر شیرازی موضوع بکلی منتفی گردید. چنانکه ملاحظه میفرمائید افتخار شعبه‌ی اطلاعات کل حزب توده‌ی ایران اینست که نه تنها بعمل جاسوسی میادرت نکرده، بلکه اقدامات مهمی هم در زمینه‌ی ضد جاسوسی نموده است. و من انتظار داشتم که اگر بهمین مناسبت هم بوده باشد در متن کیفرخواست

مورد تشویق واقع شوم ، ولی متا، سفانه لقب فاقد شرافت بمن داده شد .
شاید هم مزد کسی که اقدام بیک عمل ضدجاسوسی کرده است همین باشد
و من نمیتوانم درست از کم و کیف آن مطلع باشم .))

خسرو روزبه درباره، عدم امنیت جانی

و مالی و مسکن چنین می گوید :

، (ومتا، سفانه در طول چهل سال اخیر عمر مشروطیت ایران عملاً تعطیل
و بلا اجرا مانده اند . بلا اجرا ماندن این اصول بتنهایی برای اثبات عدم
وجود حکومت قانون و مشروطه و آزادی و حاکمیت ملی کافی است . از آن
جمله میتوان به اصل نهم متمم قانون اساسی اشاره کرد ، این اصل میگوید :
" افراد مردم از حیث جان و مال و مسکن و شرف

محفوظ و مصون از هر نوع تعرض هستند و متعرض احدی

نمیتوان شد مگر بحکم و ترتیبی که قوانین مملکت معین مینمایند . "

حالا ببینیم این اصل اصیل تا کتون رعایت شده است یا نه ؟ به
حریم این اصل تجاوز گردیده است یا خیر ؟ در این اصل قید شده است که
جان افراد مردم محفوظ و مصون است مگر بحکم و ترتیبی که قوانین تعیین
میکنند و با رعایت تشریفات خاص میتوان آن فرد را اعدام کرد ، در غیر
این صورت جان او مصون از تعرض است . در همین پرونده ی من سه مورد دیده
میشود که رعایت این اصل نگردیده است . یکی قتل کوچک شوشتری در زیر
شکنجه که در باغ مهراں صورت گرفت و جسدش به امواج خروشان سفید رود
سپرده شد . دیگری قتل وارطان که او نیز در باغ مهراں و در زیر شکنجه
قوت کرد و چون اتوموبیل حامل جسد در جاده ی کرج خراب شد و وقت میگذشت
جسدش را با آمبولانس به راه دماوند بردند و در رودخانه ی جاجرود انداختند
و وقتی این جسد از آب گرفته شد و به اداره ی پزشکی قانونی انتقال یافت ،
بموجب عکسهائی که از آن گرفتند و هم اکنون در پرونده ی مربوطه منضبط
است ، آثار شکنجه ی شدید که منتهی به فوت گردیده است بخوبی هویدا است .

اما آیا تصور میفرمائید به این جنایت رسیدگی کردند؟ هرگز! و تا این شرایط نیز برقرار است رسیدگی نخواهد شد. راه ساده‌ای که برای سرپوش گذاشتن بر این قتلها پیدا کردند این بود که ورقه‌ی آزادی این دو نفر را بتاريخ روز قبل صادر کردند و نوشتند که این دو نفر از زندان آزاد شدند. ولی باید تصدیق کرد که بهر حال آزاد شدند، منتها بجای آنکه از قید زندان آزاد گردند از قید حیات آزاد شدند. گزارش دقیق این جریان را شخص گروه‌بان معیرماشین نویسنده رکن دوم ستاد ارتش برای سروان پولاد دژ شرح داده بود و اونیز بمن گزارش داد. معیر مخصوصاً گفته بود که تا چند شب خوابم نمیبرد و تا چشم بروی هم میگذاشتم، قیافه‌ی این اجساد جلو چشمم مجسم میگرددیدند. آری این بود جریان این دو قتل و وضع روحی قاتلان آنها.

قتل سوم قتل زاخاریان عضو کمیته‌ی ایالتی حزب توده‌ی ایران و یکی از برجسته‌ترین کادرهای حزب ماست. این شخص پس از آنکه در برابر شگنجه‌ها مقاومت کرد و چیزی نگفت، به او دستبند زدند و در مستراح یکی از خانه‌های سابق حزب توده‌ی ایران که محل اختفای نارنجک بود و در آن تاریخ در تصرف ما، مورین انتظامی قرار داشت، بضر یک گلوله در مغز شهید گردید و بعداً جسدش بچاه مستراح همان خانه انداخته شد. توضیح آنکه پس از دستگیری این شخص ما هر قدر خواستیم از زندانها سراغی از او بگیریم میسر نشد، تا اینکه زرنندی یکی از اعضاء سابق حزب توده‌ی ایران که پس از دستگیری با ما، مورین انتظامی همکاری کرده بود و موجب دستگیری عده‌ی کثیری از کادرهای حزبی شده بود، وجدانش بیدار گردید و از آزادیهائی که بعلت این خیانتها باو داده شده بود، استفاده کرد و بعد از فرار به حزب پناهنده شد و جزئیات خیانتهای خود را گزارش داد و طلب پوزش و عفو نمود. زرنندی از قول گروه‌بانی که ما، مور قتل زاخاریان بود گزارش دقیق اجرای قتل را به حزب داد. گروه‌بان قاتل گفته بود:

" من گفتم جوان که هستی؟ اگر عضو حزب توده هستی راستش را بگو، هرچه میدانی گزارش بده. بمن دستور داده‌اند تو را بکشم."

ولی او گفت نه من عضو حزب توده نیستم زود تر بکش و راحت مکن ."

این عین مضمون گفته‌ی گروهیان ماء مور قتل زاخاریان است . از اینها بگذریم میتوان فهرست وار از قتل میرزاده‌ی عشقی ، فرخی یزدی ، دکتر تقی ارانی ، سران و کلانتران بختیاری ، سردار اسعد ، تیمورتاش ، مدرس ، نصرت‌الدوله فیروز ، دیبا و ده‌ها نفر دیگر نام برد . من احتیاجی ندارم بجزئیات این قتلها بپردازم ، زیرا محاکماتی که پس از شهریور ۱۳۲۰ صورت گرفت ، احکام صادره ، اعدام پزشک احمدی یکی از مباشران قتلها ، حبس سرپاس مختار و عده‌ی کثیری دیگر مطلب را روشن میسازد و حتم دارم که دادرسان محترم بیشتر از من باین جریانات وارد هستند و از آن اطلاع دارند . حالا وجدان دادرسان دادگاه را طرف خطاب قرار میدهم و میپرسم که با وجود چنین حوادثی که در طی چهل سال اخیر گذشته است ، میتوان محنت حکومت ایران حکومت مشروطه و حکومت قانونی بوده است ؟ در همین چهار سال و نیم اخیر هزارها نفر از افراد این جامعه تحت شکنجه قرار گرفته‌اند و خود من در طی هفت ماه اخیر صدها بار صدای ضجه و ناله‌ی شکنجه‌شدگان را شنیده‌ام و تقریباً " هیچ شی نیست که بکسی دستبند چپانی و شلاق زنند . هیچکس مصونیت ندارد . تنها توده‌ایها نیستند که تحت شکنجه قرار میگیرند . هرکس را که بهراسم و رسم بزنند قزل قلعه و سایر زندانهای نظامی میبرند تحت شکنجه قرار میدهند . ششماه پیش یکی از گروهیانهای که ماء مور شلاق زدن بود درجه ندادند ، باین جهت بسیار عصبانی شده بود . یک شب ضمن آنکه در اطاق من قدم میزد میگفت : " من چهار سال است که شب و روز کوبیده‌ام " و حالا بمن درجه ندادند ، مگر من فلانم (البته او اسم رکیک یکی از اعضای خود را صراحتاً برد و من از تکرار آن شرم دارم) . آری اینها واقعیاتی است که نشان میدهد حکومت مشروطه وجود ندارد ، چهار سال و نیم است که شب و روز مردم را میکوبند و شکنجه میدهند ، ولی در عین حال دم از آزادی و مشروطیت و قانون میزنند و امثال من را بجرم اینکه علیه چنین مشروطیتی قیام کرده‌ایم اعدام میکنند .

از اینها که بگذریم مسئله‌ی مال مردم نیز جالب است . دادرسان محترم بخاطر دارند که که پس از شهریور ۱۳۲۰ قانونی بتصویب رسید که بموجب آن میبایست دادگاه خاصی به دعاوی مردم رسیدگی کند و این دادگاه دوهزار پارچه ده را بصاحبان اصلی آنها پس داد و تکلیف ۴۰۰۰ پارچه ده و مزرعه‌ی دیگر هنوز معین نگردیده است .

خسروروزیه با شجاعت بی نظیری می گوید :

(آرزو دارم بنام مؤسس سازمان نظامی اعدام شوم ، زیرا وقتی جوانانی از قبیل مختاری گلپایگانی به شرف شهادت نائل میشوند اگر شخصی چون من اعدام نگردم ، هر پیر مرد یا پیرزن عامی و بیسوادی حق خواهد داشت روی شرافت من تردید کند و چون من بشرف خود اطمینان دارم و به آن سخت پای بندم ، نه تنها از مقام قاضی تحقیق و مقام دادستان ارتش ، بلکه بعداً نیز از قضات دادگاه مصرا" تقاضا خواهم کرد ، در اعدام من کوچکترین تردیدی بخود راه ندهند و حتی پس از صدور و استماع حکم از آنان قلباً تشکر خواهم کرد . "

ولی متأسفانه ضمن حمله به شرافتم که در جای خود در باره‌ی آن صحبت کردم ، این جمله نیز در کیفرخواست درج گردیده است .
" خسرو روزیه را ملت ایران محکوم به اعدام میداند که این معنی را خسرو روزیه بخوبی تشخیص داده ، منتها آرزو دارد که شاید معجزه‌ای بشود و بحکم اعدام او عنوان سند شرافت داده شود . "

من وقتی این جمله را خواندم واقعاً تعجب کردم ، زیرا از جمله‌ی من بخوبی پیداست که من به حسن تشخیص ملت ایران اعتقاد دارم و نگران هستم که مبادا اعدام نشوم و این مسئله در روح پیرزنان و پیرمردان ساده و بیسواد و سایر افراد ملت ایران سوء تفاهمی بوجود آورد و تصورکنند که خسرو روزیه مثل دکتر بهرامی‌ها و دکتر یزدی‌ها به حزب خودش خیانتی

کرده و بیاس این خیانت از اعدام معاف گردیده است . این مسئله بخوبی نشان میدهد که افکار عمومی ملت ایران ستوان سختاریها و امثال آنها را خادم ملت ایران میدانند و بهرامی ها و یزدی ها را محکوم و خائن می شمارد و همه ی نگرانیهای من در اینست که مبادا بشرف چنان افتخاری نائل نشوم . از کجای آن جمله ی صریح و روشن این استنباط حاصل میشود که ملت ایران خسرو روزبه را محکوم به اعدام میدانند و خودش نیز این معنی را بخوبی تشخیص داده است ؟)

خسرو روزبه در آخرین قسمت دفاع
صراحتاً اعلام میدارد :

(دادرسان محترم !

اگر من در محضر دادگاه با صراحت هرچه تمامتر از عقاید و نظرات سیاسی و اجتماعی خودم دفاع کردم نه بخاطر آن بود که بطور مطلق مرگ را شربتی شیرین و گوارا میدانم . مردن بهر حال ناگوار است ، بویژه برای کسانی که صاحب عقیده هستند و قلبشان آکنده از امید به آینده ، امید به آینده ی روشن و تابناک است . ولی زنده ماندن بهر قیمت و بهر شرط نیز شایسته ی انسانها نیست . زیرا هرگز راه نباید هدف را منتفی سازد ، اگر زنده ماندن مشروط به هتک حیثیت ، تن دادن به پستی ، گذشتن از آبرو یا نهادن بر سر عقاید و آرمانهای سیاسی و اجتماعی باشد مرگ صدبار بر آن شرف دارد . آنها که طالب زندگی بخاطر زندگی هستند میتوانند بهای زنده ماندن را بهر میزان که لازم باشد بپردازند ، میتوانند عقاید و نظرات و آرمانهای خود را مثل پیراهن و زیر شلوار هفته ای دوبار عوض کنند ، میتوانند به مقدساتی که تاپشت میله های زندان به آن پای بند بودند ، پشت پا بزنند ، میتوانند فقط بخاطر جلب اعتماد بیشتر و تحصیل " آزادی " حتی دروغ هم بگویند ، بهتان بزنند و آنچه را که بهیچوجه به حزب توده ی ایران مربوط نبوده است به آن نسبت دهند . چنین موجوداتی زندگی را مافوق

همه چیز میدانند و همه چیز را با آن مبادله میکنند. خوب مردن هم مثل هر کار دیگری مستلزم بلد بودن است. نجارتانجاری را بلد نباشد، خیاط تا برش و دوخت و دوز را خوب نداند، آهنگر تا به اصول پتک زنی و تغییر شکل آهن تفته وارد نباشد، نجار و خیاط و آهنگر خوبی نیست. همانگونه که آنها باید کار خود را بلد باشند، انسان بمعنی صحیح کلمه نیز باید خوب مردن را بلد باشد. مردن در زیر چرخ اتوبوس، مردن در رختخواب گرم، مردن بکمک تریاک و استرکنین، مردن در اثر افراط در مشروب و امثال آن از انواع خوب مردن نیست، ولی سربازی که بخاطر دفاع از میهن بمیرد، پزشکی که بخاطر پیدا کردن راه علاج یک بیماری خطرناک جانش را فدا سازد، انسانی که بخاطر آرمانهای سیاسی و اجتماعی خود شربت شهادت بنوشد، راه خوب مردن را بلد است. هر سال طبق آمار رسمی و بموجب حسابهای احتمالات نزدیک ۴۰ میلیون انسان در سراسر جهان میمیرند. زلزله، آتش فشان، سوانح گوناگون، بیماریهای رنگارنگ و امثال آن باعث این تلفات سنگین هستند. وقتی مردن باین آسانی است، هنگامی که دو هزار نفر انسان خرم و شاداب و امیدوار به آینده در یک لحظه بکام زمین فرو میروند و همه‌ی آرزوهایشان بخاک سپرده میشود، وقتی بیماری سرطان بیداد میکند و مبتلایان بآن با صبر و بردباری بانتظار روز مرگ خود می‌نشینند، چرا انسانی که بیش از دو ثلث از زندگی خود را بامرار و سختی ولی در عین حال با تلاش و کوشش شرافتمندانه بخاطر انسانها گذرانده است از مرگ بترسد؟ هر کس وظیفه‌ی تاریخی مشخصی دارد. عباسی وظیفه داشت بمیرد و حرف نزند، ولی من وظیفه دارم بمیرم و حرف بزنم، و از مقدسات حزبم دفاع کنم. من زمانی دستگیر شدم که دیگر هیچ راز مکتومی وجود نداشت. بهرامی‌ها، قریشی‌ها و مخصوصاً عباسی از سیر تا پیاز را گفته بودند. حتی مطالبی که فقط دو نفر از آن واقف بودند، مثلاً فقط من و عباسی از آن اطلاع داشتیم، افشاء شده بود. حجم اطلاعات دستگاه برآستی ده برابر مجموعه‌ی اطلاعات من بود.

در چنین شرایطی فقط یک وظیفه وجود داشت و آنهم دفاع از گذشته‌ی حزب و افتخارات آن بود . من اگر می‌خواستم مثل جلسات اول بازپرسی بهمه چیز پاسخ " نه " بدهم ، نه تنها از اطلاعات دستگاه تحقیق چیزی کم نمیشد ، نه تنها طرح مسائل و دفاع از آنها برای کسی که از بیخ منکر همه چیز است نه امکان داشت و نه معقول بود و بالنتیجه حزب بلا دفاع میماند ، بلکه بدون تردید من امروز وجود خارجی نداشتم و مثل کوچک شوستری و وارطان از زندان " آزاد " شده بودم . فرق آنگونه آزادی با تیرباران اینست که این حرفها زده نمیشد و هم حیثیت من بخطر میافتاد و ممکن بود تا مدتی عده‌ای تصور کنند که من نیز واقعا" مثل بهرامی و قریشی همه چیزم راداده و آزادی از زندان را خریده‌ام . من بمقتضای این تحلیل روشن بینانه بود که راه خودم را مشخص کردم و اینک نیز آنرا با افتخار بپایان میرسانم . افتخار من اینست که بوظیفه و ماء موربت تاریخی خود عمل کرده‌ام . من باینجهت در ایران ماندم تا علیرغم همه‌ی خطرات جانی ، کاری را که امثال یزدیها و بهرامی ها و قریشی ها و شرمینی ها انجام نداده بودند انجام دهم .

در حلقه‌ی کارزار جان دادن بهتر که گریختن بنا مردی
من سنگر مبارزه را ترک نکردم و اکنون نیز تمام عواقب آنرا با روی گشاده
تحمل میکنم .

خلاف‌رأی‌ی‌یارانست سعدی که برگردند روز تیرباران

شاید نخستین بار باشد که شما متهمی را با چنین روحیه و طرز تفکری محاکمه میکنید ، ولی نخستین بار در تاریخ نیست . تا کنون بسیاری از انسانهای صاحب عقیده در چنین دادگاههایی محاکمه شده‌اند ، محکوم گردیده‌اند و بشرف شهادت رسیده‌اند . ولی نیروی افکار عمومی آنان را تیرگه کرده است . من به عقاید پای بندم ، نظرات سیاسیم را مقدس میشمارم ، به عهد و سوگند خود وفادارم و بامضائی که در زیر آنکت حزب توده‌ی ایران کرده‌ام احترام میگذارم و هرگز بخاطر جلب منفعت یا دفع خطر ، پیمان خود را نمی‌شکنم .

اینک بدون آنکه خودم را بزهکار و مستوجب مجازات و درخور اعدام

بدانم چون شرفم در معرض خطر است ، رسماً از دادرسان محترم تقاضای صدور حکم اعدام خودم را مینمایم . این تقاضا فقط بخاطر آنست که هم در افتخار افسران شهید شریک باشم و هم هرگونه اتهامی که شرفم را تهدید میکند زائل کنم .)



قهرمان بزرگ خسرو روزبه



افسران آزادیخواه هنگام تیرباران

اینک قسمتهائی از کتاب سیاه :

سازمان افسران توده و حکومت مشروطه

... فعلا " فقط به ذکر چند نمونه از اعترافات و نوشته‌های سران و اعضاء این سازمان در این باره اکتفا میکنیم :

سرهنگ دوم معدوم محمد علی مبشری در جواب بازپرس در صفحه ۵۹ میگوید :

" س - چرا سازمان ایجاد کردید و دست بچنان اعمالی زدید ؟

" ج - برای بهمزدن اساس سلطنت و حکومت ،

" ج - چرا قصد بهمزدن اساس سلطنت و حکومت را داشتید ؟

" س - فکر میکردیم راه اصلاح جامعه و مملکت این بوده است .

سروان معدوم شهربانی نظام الدین مدنی همین موضوع را بصورت دیگری بیان می نماید :

" س - منظور و مقصود شما چه بود . بطور خلاصه هدف نهائی را بیان کنید .

" ج - منظور این بود که تعداد افسران عضو سازمان زیاد شود و هدف نهائی عبارت از بدست آوردن حکومت و از بین بردن رژیم سلطنت " و برقراری جمهوری توده ای بود . جمهوری توده ای عبارت است از یک " نوع جمهوری است که در آن غیر از طبقات ملاک و سرمایه دار عموم شرکت " داشته باشند "

(صفحه ۱۴ بازجویی)

سروان سابق ابوالقاسم قره گوزلو اعتراف میکند که :
منظور این حزب استفاده از ما بمنظور جاسوسی کردن در داخل ارتش



ستوان یکم سابق ابراهیم یونس بانه‌ای منتظر اعلام رای دادگاه است



سرهنگ دوم شهید مشیری مشغول نوشتن اعتراضات خود است

میباشد و بعد هم ضدیت با سلطنت مشروطه ایران و بر هم زدن امنیت کشور و مقابله با ارتش و برقراری حکومت توده ای بود . . . قبول دارم در جنبین سازمانی عضویت داشته ام که میخواسته است با بهم زدن اساس سلطنت جمهوری در ایران برقرار سازد .

(صفحات ۱۵ و ۱۱ بازجوئی)

سروان معدوم مصطفی بیاتی مینویسد :

آنچه اکنون میدانم این سازمان برخلاف مصالح مملکت و دشمن سلطنت و رژیم مشروطیت میباشد .

سرگرد معدوم محمد رضا بهنیا نیز همین امر را تأیید میکند :
بطور کلی کارهائیکه از عناصر توده ای دیده شده مخالف سلطنت بوده . . . بله میدانم که این سازمان با اساس سلطنت مخالف میباشد .
سروان سابق اکبر داد خواه نیز همین حقیقت را اعتراف میکند :
س - منظور و هدف از تشکیل سازمان افسری حزب منحلّه توده چه بود ؟

ج - نظرشان برای بهم زدن کشور و تضعیف ارتش و اهانت به سلطنت و خوار و خفیف کردن آن بمنظور بدست گرفتن حکومت و برقراری حکومت توده ای بوده . . .

از این مدارک و همچنین برگهای کاراکتریستیک افسران توده ای که در تمام آنها مخالفت با سلطنت قید شده است بخوبی معلوم و مسلم میگردد که مخالفت سازمان افسران توده و حزب منحلّه توده ها مقام شامخ سلطنت به این علت بوده که مقام سلطنت و شخص شخیص شاهنشاه را بزرگترین مانع و رادع انجام نقشه های ضد ملی و توطئه های خائنانمخود میدیده است .

تشکیلات سازمان افسران توده

پس از کشف سازمان افسران توده با مشاهده وسعت فعالیت و عملیات مخوف و شدت خطرناکه از ناحیه این سازمان متوجه استقلال و حکومت ملی ما میگردید طبیعتاً "این سؤال پیش میآید که چگونه چنین سازمانی توانسته است در این مدت طولانی خود را حفظ کند و به عملیات مفسده انگیز خود ادامه دهد .

چگونه در مرکز ثقل و مغز حساس حکومت ملی یعنی ارتش و قوای انتظامی چنین سرطان خطرناکی سالها وجود داشته و با وجود مراقبت و دقتی که بعمل میآید توانسته است خود را حفظ و عملیات شوم خود را دنبال کند؟ جواب این سؤال را باید در سیستم تشکیلاتی عجیب این سازمان جستجو نمود چنانکه قبلاً " نیز اشاره کردیم موسسین این سازمان یعنی گردانندگان حزب منحلّه توده با توجه به نقش خطرناک و وظایف مهم و حساس این سازمان علاقه فراوانی به حفظ و نگهداری آن داشته و سیستم تشکیلاتی آن را با دقت و مطالعه فراوان و با توجه و اطلاع از نتایج تجربیات و فعالیتهای آشوب طلبانه و ضد قوای انتظامی در سایر کشورها بر اساس بنا نهاده اند که میتوان گفت دقیق ترین سیستم تشکیلاتی در نوع خویش میباشد .

اساس سیستم تشکیلاتی سازمان افسران توده بر اصول زیرین استوار بوده است :

۱ - پنهانکاری و استتار بحد اعلا

آخرین و جدیدترین طرق پنهان کاری و استتار در سازمان افسران توده بکار بسته شده و منتهای کوشش بکار میرفته است که هر قدر بیشتر ممکن است رعایت اختفاء را بنمایند بطوریکه کشف این سازمان برای مامورین

سرهنگ ۲ معدوم محمد علی مبشری مسئول تشکیلات سازمان افسران توده ضمن بازجوئی خود در دادستانی ارتش ساختمان تشکیلاتی این سازمان را بصورت زیر تشریح میکند:

س - شما سازمان افسری را از بالا به پائین تشریح نمائید و کاملاً " مسئولیت هر یک از ترکیبات آن سازمان و وظایف آنان را توصیف نمائید .
ج - به ترتیب هیئت ۳ نفری - هیئت دبیران - هفت شاخه دارای یک حوزه مسئولین هر حوزه مسئولین شامل یک یا دو یا ۳ حوزه هر حوزه در حدود ۳ تا ۵ یا ۶ نفر عضو .

(صفحه ۸ بازجوئی)

س - بقیه اعضای هیئت دبیران را معرفی نمائید .
ج - هیئت دبیران سازمان افسری : خسرو روزبه - سرگرد وکیلی محقق زاده - مختاری - خودم و سرهنگ سیامک حمعا " ۶ نفر .
س - اساساً " سازمان افسری را تشریح نمائید .
ج - سازمان افسری دارای هیئت دبیرانی بود که بوسیله دکترا وجودت با کمیته مرکزی حزب توده مربوط بود و دارای ۷ شاخه در مرکز - شاخه شهربانی - زاندارمری - پزشکی - فنی - هوایی و ۳ شاخه دیگر افسران زمینی در ارتش .

(صفحه ۴ بازجوئی)

این ۷ شاخه به ترتیب دارای نمرات ذیل بوده اند :

- | | |
|-------------------------|----------|
| ۱ - شاخه دانشکده افسری | شماره ۹ |
| ۲ - شاخه پزشکی و فنی | شماره ۱۳ |
| ۳ - شاخه افسران صف | شماره ۱۷ |
| ۴ - شاخه نیروی هوایی | شماره ۲۱ |
| ۵ - شاخه افسران اداری | شماره ۲۹ |
| ۶ - شاخه افسران شهربانی | شماره ۳۳ |

~~مجلس شورای ملی~~
 روز ۲۵ آذر ۱۲۸۲ بمشامه زمانه بی نظیر بنامه دانتن آسرماتی که
 از دبیرستانها بعلت فعالیت های سیاسی محضه اخراج می شوند فوراً به
 حوزه ۴ مناطق نظام وظیفه معرفی و پس از رسیدگی بوضعیت آنها
 بواجدهای صنفی برای خدمت اجزام گردند در مورد دانشجویان
 بعداً دستور داده خواهد شد برکنار با تالیف

روز ۲۳ آذر ۱۲۸۲ بمشامه فرماندهی کل نیروی مجتاه ۲۵ را منضم دانشجویان که
 بعلت فعالیت های سیاسی محضه از دانشکده ۴ اخراج می شوند فوراً به حوزه
 ۴ مناطق نظام وظیفه و رکن ۳ ستاد ارتش معرفی و پس از رسیدگی
 به وضعیت آنها به یکی از مناطق به آب و هوا برای خدمت رزازی
 اجزام گردند این مورد استثنائی و برای آنست که در ایران غیرت
 گرفته و از طریق سیستم بجزف نشوند برکنار با تالیف

بمشامه هیئت تنظیم ۳۰۰۰ ضمن این بمشامه صورت جلسه کمیسیون
 بنا به پیشنهاد رئیس هیئت در الحاق سادرت ستاد ارتش نگین شده
 در سال داشته اند در آن صورت جلسه روشن بود که
 فرماندهان باستی نسبت به افراد نطفون (سختی ذخایر)
 بشرح زیر تعیین نمودند است ؟ - ۱- افراد دیپلوم
 بیسند دکترا در صورت عدم صلاحیت لیس لایحه ۱۱۲۳ خدمت
 در و ساله را با سی مانند افراد انجام دهند ۲- نسبت به سایر افراد
 معزول که در واحدها هستند باستی با ایاد کتبه ماملاً از آنها مراقبت نمود
 و در صورت بدست آمدن به رکن طبق ماره و تا زمانیکه بنگال با آنها وقت کرد
 ۳- نسبت به بهبود وضع درجه داران و ترفیع استواران چون با این
 افراد همکار دارند باستی اقدام شود

رونوشت بختنامه های ضد ملی و آزادی کش سناد ارتش سابق

۷- شاخه افسران زاندارمری شماره ۳۷ بطوریکه مشاهده میشود شماره این شاخه ها از عدد ۹ شروع میشود و به ترتیب عدد چهار به آن اضافه میشود مانند ۱۳ و ۱۷ و غیره فقط در یک مورد استثناء وجود دارد که از شماره ۲۱ به ۲۹ است .

هیئت دبیران دارای ۵ شعبه بوده که به ترتیب عبارتند از : شعبه تشکیلات - شعبه اطلاعات - شعبه تعلیمات - شعبه تبلیغات و شعبه مالی . این شعب در حکم کمیسیونهای حزبی بوده و مسئولین آن به قرار زیر بوده است :

سرهنگ ۲ معدوم محمد علی مشری	مسئول شعبه تشکیلات
خسرو روزبه سروان سابق ارتش	مسئول شعبه اطلاعات
سرگرد معدوم جعفر وکیلی	مسئول شعبه تعلیمات
ستوان یکم معدوم متوجهر مختاری	مسئول شعبه تبلیغات
گلپایگانی افسر فراری نیروی هوایی	
سرهنگ معدوم عزت الله سیامک	مسئول شعبه مالی

ولی در حقیقت شعبه یا کمیسونی وجود نداشته و هر کدام از افراد فوق مستقیماً " کارهای قسمت خود را اداره میکردند .

جریان مخفی کردن دکتر حسین فاطمی وزیر امور خارجه مرحوم دکتر مصدق

اقدام دیگری که بوسیله سازمان افسران توده بدستور حزب منحل شده بعمل آمد موضوع مخفی کردن آقای دکتر حسین فاطمی است . پس از آنکه دکتر فاطمی به حزب منحل شده مراجعه و از او پناهگاه مطمئنی میخواهد حزب منحل شده باز به سازمان افسران توده مراجعه میکند و شخص مطمئنی را از آنها میخواهد که بکنفر مخفی بتواند در منزل اوزندگی نماید . سازمان افسران نیز ستوان ۱ دارو ساز دکتر محسنی را برای اینکار معرفی میکند . ولی بطوریکه در پرونده منعکس است کمیته مرکزی حزب

حتی به مسئولین سازمان اطلاع نمیدهد که این شخص دکتر فاطمی است و بعد از آن رابطه دکتر محسنی نیز با سازمان قطع میشود و مستقیماً " تحت نظر کمیته مرکزی قرار میگیرد .

اینک قسمتی از اعترافات سرهنگ ۲ معدوم محمد علی مبشری در این

باره :

" از طرف حزب یکنفر افسر برای اینکه در اختیار حزب باشد خواستند که یکنفر مخفی در منزل او زندگی کند . دکتر محسنی معرفی شد . پس از دستگیری دکتر محسنی متوجه شدند که دکتر فاطمی در منزل او مخفی بوده

است . . .

ایلاغ کننده آن طوری که بخاطرم می آید دکتر جودت بود که این مطلب را بمن بیان کرد و من به مسئولین شاخه ها اطلاع دادم که یکنفر که شناخته نشده باشد برای مخفی نمودن یک نفر تعیین نماید ، این نفر از طرف مسئول شاخه پزشکی معرفی شده که آدرس و علامت تجاس او برای حزب فرستاده شد .

سیستم پنهانکاری و نتایج آن

در این سیستم پنهانکاری تمام کوشش و احتیاط بکار می رفت تا اولاً میزان اطلاعات هر یک از افراد به نسبت موقعیت خود از اسرار سازمان به حداقل تنزل نماید و ثانیاً " تمام اقدامات ، عملیات ، انتشارات و مکاتبات سازمان در زیر پرده استتار ضخیمی مستور باشد تا از خطر اکتشاف مصون و محفوظ بماند .

مهمترین و اساسی ترین تدابیریکه سازمان افسران توده در سیستم پنهانکاری خود بکار میبرد بقرار ذیل است :

۱ - تمام اعضای سازمان و مخصوصاً " مسئولین و فعالین آن دارای اقللاً " یک اسم مستعار بوده و در جلسات حزبی با آن اسامی شناخته و حتی بعضی از آنها چندین اسم مستعار داشته اند که باقتضا شرایط از آنها استفاده میکرده اند .

مثلاً " سرهنگ ۲ معدوم محمد علی مبشری دارای ۵ اسم مستعار بوده که عبارتند از : قدسی ، محمودی ، اخگر ، محسن و منصوری " اسم مستعار

سرهنگ معدوم عزت الله سیامک " کشتاسب خان " و اسم مستعار ستوان یکم معدوم منوچهر مختاری گلپایگانی " عدیلی " و اسم مستعار سروان معدوم محقق زاده " پیمان " و اسم مستعار خسرو روزه " سعیدی " و اسم سروان اخراجی ارتش عباسی " جوادی " و اسم مستعار سروان معدوم نظام الدین مدنی " حاجی " و غیره بوده است .

همچنین مقامات مختلف تشکیلاتی نیز دارای اسامی مستعار بوده‌اند . مثلاً " تشکیلات با نام مستعار " شکیل " هیئت اجرائیه با نام مستعار " هیئت " و شعبه تعلیمات با نام مستعار " علومی " و شعبه اطلاعات با نام مستعار " طلعت " شناخته شده و نامه های آنها بهمین عنوان فرستاده می شده است .

علاوه بر این بعضی کلمات و اصطلاحات حزبی و سازمانی دارای کلمات مستعار بوده که بجای آنها بکار برده می شده است مثلاً " بجای حزب منحلّه توده کلمه " ینگاه " بجای حزبی " ینگاهسی " بجای افسران " فرهنگیان " و بجای اعضای سازمان " دانشجویان " و غیره را بکار می برده اند .

۲ - تمام اعضای سازمان دارای نمرات مخصوصی بوده اند که در هنگام پذیرفته شدن به آنها داده شده و در مکاتبات این نمرات را بجای اسم شخص مزبور به کار می برده اند .

من باب مثال بعضی از نمرات مسئولین و اعضای فعال سازمان افسران توده را ذکر می کنیم :

سرهنگ معدوم عزت الله سیامک ۱۶۰۷ - سرهنگ ۲ معدوم محمد علی مبشری ۱۶۴۰ - ابوالحسن عباسی سروان اخراجی ۱۶۸۲ - سروان معدوم شهربانی نظام الدین مدنی ۱۶۴۹ .

فایده این نمرات حزبی این بوده است که در مکاتبات ابداً " اسمی از اشخاص و سمت آنها بمیان نیامده و این خود عامل مهمی در استتار عملیات غیرقانونی سازمان افسران توده و حزب منحلّه توده بشمار می آمده است .



سرهنگ شهید عزت اله سیامک هنگام آخرین دفاع

<p>۳</p> <p>بچه خواهرش که زودتر از آن تیر اطراف کمانه بیدار از زیر آتش ۱- برتبه روحانی ۲- کتبه دینار ۳- آرمه ۴- دودان تکلیف تمام وقتش : در لحظه کتبه آرمه همین خبر خوش به او در آن وقت زودتر از آن تیر شاه است</p>	<p>۲</p> <p>استوار شد که در میدان دانه آلود را دادم که دانه آلودت کنه - طرز استوار کتبه بیدار مجالست (وضع از گمانها) - کتبه تیر استوار تختها را این آرمه را در دفاع از شهر بیدار روز جمعه در منتهی بود از روحانی میراث است و کتبه است که در کتبه کان کتبه باید که در کتبه که در کتبه در کتبه مادرش که بیهوش است کتبه همچون دیگر به میدان در آن است که در کتبه به آن آرمه کتبه است کتبه کتبه کتبه</p>	<p>۱</p> <p>بیرودن است که در کتبه کتبه کتبه از آن است که در کتبه کتبه کتبه از کتبه کتبه (کتبه) از کتبه</p>
--	--	---

گزارش مربوط به حالت مستقیم مستشاران آمریکائی

۳- آرشیو سری سازمان افسران توده و دفاتر رمز - در مورد آرشیو سازمان این استتار بطریقه دیگری بعمل میآمده است بدین ترتیب که برای این دفاتر رمز دیگری بنام رمز مثلثاتی تعبیه و نوشته شده بوده است ، اختراع این رمز مثلثاتی و بکار بردن آن دارای دو نتیجه بوده است :
 اولاً - کار نوشتن و ضبط کردن مطالب را آسان تر میساخته است ، مثلاً " اگر با رمز حروفی میخواستند سابقه افسری را بنویسند لازم بود لااقل چندین سطر یادداشت شود در صورتیکه بوسیله رمز مثلثاتی تمام مشخصات یک عضو فقط در ۲ سطر نوشته میشد و این خود عامل مهمی در صرفه جویی جا و وقت و وسیله خوبی برای استتار بشمار میرفت ، ثانیاً - شکل نوشتن این رمز و صورت ظاهر آن کاملاً " فریبنده بوده و ابداً " بیننده را به فکر اینکه رمزی است نمی انداخت ، بلکه در بادی امر مثل یک دفترچه حل مسائل مثلثات بنظر می آمد در صورتیکه رمز عددی و رمز حروفی این خاصیت را نداشتند .

به همین مناسب کشف این رمز یکی از دشوارترین و پرازش ترین کارهای مامورین انتظامی بوده و با اکتشاف آن و حل دفترچه آرشیو سازمان بزرگترین قدم در راه کشف و دستگیری اعضای سازمان افسران توده برداشته شد ، در گزارش شماره ۲/۲۷۶۴۲ - ۳۳/۶/۱۹ فرمانداری نظامی شهرستان تهران تقدیمی به مقام وزارت جنگ و ریاست ستاد ارتش که رونوشت آن به دادستانی ارتش نیز فرستاده شده است در باره این رمز و کشف آن چنین توضیح داده شده است :

" در خلال مدتیکه باز جو مشغول بازجویی و تحقیقات از دستگیر شدگان بودند که نتیجه آن در بالا بعرض رسید سرهنگ ستاد مبصر رئیس شعبه تحسین رکن ۲ ستاد ارتش و سرهنگ ۲ امجدی رئیس رکن ۲ فرماندار نظامی دفتر چه های رمزیکه از منزل سروان فراری محقق زاده و سروان اکبر دادخواه بدست آمده و طبق تحقیقات معموله حاوی مشخصات کلیه افسران عضو سازمان نظامی حزب متحله توده میباشد تحت بررسی قرار داده برای

کشف رمز و بدست آوردن کلید رمزی آن تلاش میکرده اند تا اینکه پس از مشخص شدن تعدادی از افسران مخفی سازمان نظامی توده و شماره های حزبی آنان پس از ۸ روز فعالیت این رمز مشکل بدست دو نفر افسر مزبور در تاریخ ۳/۶/۱۴ کشف و اسامی ۴۳۴ نفر افسر و دانشجو و درجه دار در تاریخ ۲۳/۶/۱۴ کشف و اسامی ۴۳۴ نفر افسر و دانشجو و درجه دار عضو سازمان نظامی حزب منحلّه توده با مشخصات کامل (اسم - شهرت درجه - رسته - شماره حزبی - تاریخ ورود بحزب) طبق صورت پیوست شماره ۴ کشف گردید .

سرهنگ ۲ معدوم محمد علی مبشری مسئول تشکیلات سازمان افسران توده که خود مبتکر این رمز بوده جریان و کلید رمز آن را در بازجوئی نزد باز پرس دادستانی ارتش بدین نحو تشریح میکند :

س - ۳ جلد دفتر رمز بشما ارائه میشود ملاحظه کنید این دفاتر را میشناسید ؟

ج - این ۳ جلد دفتر رمز و رویت شد آنها را میشناسم و اولین صفحه و آخرین صفحه را امضاء میکنم .

س - اینک دفتریکه جلد آن سبز رنگ است و صفحه اول و آخر آن را امضاء کردید در اختیار شما میگذارم کاملاً و مشروحاً " جریان عمل در این دفتر را بنحو روشن که قابل استفاده باشد بنویسید .

ج - هر دو سطر شامل مشخصات یک نفر که از چپ به راست خوانده میشود . کسر اول شامل نام خانوادگی - کسر دوم شامل اسم کوچک - کسر سوم شامل شماره عضویت - صورت کسر چهارم شامل رسته - مخرج کسر چهارم شامل دو قسمت - قسمت اول درجه . قسمت دوم تاریخ عضویت . طرز خواندن نام خانوادگی و اسم - شروع از مخرج یک حرف مخرج یک حرف صورت خواندن شماره از چپ بر راست بطور ردیف - خواندن صورت کسر چهارم و مخرج کسر چهارم از چپ بر راست بطور ردیف اول صورت بعد مخرج .

صورت الف با و یا کلید رمز این دفتر بشرح زیر است :

صورت الف با و یا کلید رمز این دفتر بشرح زیر است :

رمز	حروف
$\pi + \alpha$	الف
$\pi + \frac{\pi}{2}$	ب
5	ب
$\pi + 2\alpha$	ت
$\pi + \beta$	ث
$\pi + \frac{\beta}{2}$	ج
4	ج
7	ح
$\pi + 2\beta$	خ
$\pi + \gamma$	د
$\pi + \frac{\gamma}{2}$	ذ
$\pi + 2\gamma$	ر
$3\frac{\pi}{2} - \alpha$	ز
9	ژ

$$\frac{\frac{1}{2}(n+1) \cdot C_n \cdot C_n \cdot C_n \cdot C_n \cdot C_n \cdot C_n \cdot C_n - 1}{1 - (n+1) \cdot C_n \cdot C_n \cdot C_n \cdot C_n \cdot C_n \cdot C_n \cdot C_n} = \frac{1}{2} \frac{1}{C_n - 1}$$

$$\frac{1}{\frac{1}{2}(n+1) \cdot C_n \cdot C_n \cdot C_n \cdot C_n \cdot C_n \cdot C_n \cdot C_n} + \frac{C_n (C_n - 1)}{C_n (C_n - 1) - C_n \cdot C_n \cdot C_n \cdot C_n \cdot C_n \cdot C_n \cdot C_n}$$

$$\frac{C_n \cdot C_n \cdot C_n \cdot C_n \cdot C_n \cdot C_n \cdot C_n}{\frac{1}{2} \frac{1}{C_n - 1}} = \frac{1}{2} \frac{1}{C_n - 1} \cdot \frac{1}{C_n \cdot C_n \cdot C_n \cdot C_n \cdot C_n \cdot C_n \cdot C_n}$$

$$\frac{1}{2} \frac{1}{C_n - 1} \cdot \frac{1}{C_n \cdot C_n \cdot C_n \cdot C_n \cdot C_n \cdot C_n \cdot C_n} = \frac{1}{2} \frac{1}{C_n - 1} \cdot \frac{1}{C_n \cdot C_n \cdot C_n \cdot C_n \cdot C_n \cdot C_n \cdot C_n}$$

$$\frac{1}{2} \frac{1}{C_n - 1} \cdot \frac{1}{C_n \cdot C_n \cdot C_n \cdot C_n \cdot C_n \cdot C_n \cdot C_n} = \frac{1}{2} \frac{1}{C_n - 1} \cdot \frac{1}{C_n \cdot C_n \cdot C_n \cdot C_n \cdot C_n \cdot C_n \cdot C_n}$$

$$\frac{1}{2} \frac{1}{C_n - 1} \cdot \frac{1}{C_n \cdot C_n \cdot C_n \cdot C_n \cdot C_n \cdot C_n \cdot C_n} = \frac{1}{2} \frac{1}{C_n - 1} \cdot \frac{1}{C_n \cdot C_n \cdot C_n \cdot C_n \cdot C_n \cdot C_n \cdot C_n}$$

$$\frac{1}{2} \frac{1}{C_n - 1} \cdot \frac{1}{C_n \cdot C_n \cdot C_n \cdot C_n \cdot C_n \cdot C_n \cdot C_n} = \frac{1}{2} \frac{1}{C_n - 1} \cdot \frac{1}{C_n \cdot C_n \cdot C_n \cdot C_n \cdot C_n \cdot C_n \cdot C_n}$$

این معادله را در دو طرف ضرب کنیم
 در هر طرف ضریب ۲ را در نظر بگیریم
 این فرمول در صورتی که
 اگر $n = 1$ باشد در هر دو طرف
 ضرب می‌کنیم و به دست می‌آید
 در این معادله به جای n عدد ۱ را
 قرار می‌دهیم و به دست می‌آید
 در این معادله به جای n عدد ۲ را
 قرار می‌دهیم و به دست می‌آید
 در این معادله به جای n عدد ۳ را
 قرار می‌دهیم و به دست می‌آید
 در این معادله به جای n عدد ۴ را
 قرار می‌دهیم و به دست می‌آید
 در این معادله به جای n عدد ۵ را
 قرار می‌دهیم و به دست می‌آید
 در این معادله به جای n عدد ۶ را
 قرار می‌دهیم و به دست می‌آید
 در این معادله به جای n عدد ۷ را
 قرار می‌دهیم و به دست می‌آید
 در این معادله به جای n عدد ۸ را
 قرار می‌دهیم و به دست می‌آید
 در این معادله به جای n عدد ۹ را
 قرار می‌دهیم و به دست می‌آید
 در این معادله به جای n عدد ۱۰ را
 قرار می‌دهیم و به دست می‌آید
 در این معادله به جای n عدد ۱۱ را
 قرار می‌دهیم و به دست می‌آید
 در این معادله به جای n عدد ۱۲ را
 قرار می‌دهیم و به دست می‌آید
 در این معادله به جای n عدد ۱۳ را
 قرار می‌دهیم و به دست می‌آید
 در این معادله به جای n عدد ۱۴ را
 قرار می‌دهیم و به دست می‌آید
 در این معادله به جای n عدد ۱۵ را
 قرار می‌دهیم و به دست می‌آید
 در این معادله به جای n عدد ۱۶ را
 قرار می‌دهیم و به دست می‌آید
 در این معادله به جای n عدد ۱۷ را
 قرار می‌دهیم و به دست می‌آید
 در این معادله به جای n عدد ۱۸ را
 قرار می‌دهیم و به دست می‌آید
 در این معادله به جای n عدد ۱۹ را
 قرار می‌دهیم و به دست می‌آید
 در این معادله به جای n عدد ۲۰ را
 قرار می‌دهیم و به دست می‌آید

۱۴/۶/۶۱

این صفحه اول دفترچه سبزرنگی است که صورت اسامی و مشخصات کلیه افسران عیار از بصورت رمز مثلثاتی در آن ثبت شده است.

سازمان افسران توده در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲

ستوان یکم معدوم منوچهر مختاری کاپابنگانی عضو هیئت دبیران سازمان افسران توده در باره روش حزب منحلّه توده در جریان وقایع ۲۵ تا ۲۸ مرداد چنین توضیح میدهد:

س - در وقایع ۲۵ تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ حزب منحلّه توده و سازمان افسری چه نقشی را بعهده داشتند و تاکتیک آن چه بود ؟

ج - تاکتیک حزب توده در این روزها این بود که از حکومت مصدق پشتیبانی کند و علیه کودتاهاى احتمالی که صحت آن بود بظرفداری از دولت ساززه نماید . (صفحه ۲۱ باز جوتی)



ستوان یکم شهید منوچهر مختاری کاپابنگانی صورت جلسه داد گاه را امضاء میکند

شگنجه و تیرباران . . .

سروان معدوم نظام الدین مدنی در این باره بدین شرح توضیح میدهد
در حوزه بحث میشد که ابتدا باید دکتر مصدق که بین مردم طرفدار
دارد به ریاست جمهوری انتخاب شود و ما هم در حکومت شرکت داشته
باشیم و کوشش نمائیم نفوذ زیادی در حکومت داشته باشیم و بیشتر مشاغل
در دست ما باشد.

(صفحات ۱۴ و ۱۸ بازجوئی)

سرهنگ دوم معدوم محمد علی مبشری در باره نظریات و روابط
حزب منحلّه توده نسبت به حکومت دکتر مصدق اینطور اعتراف مینماید .
س - مگر مصدق دارای رویه و مرام حزب توده بود که میگوئید حزب
منحلّه توده با مصدق موافق بود ؟

ج - مصدق دارای رویه و مرام حزب توده نبود ولی حزب توده نسبت
به حکومت او موافق بود بعلمت اینکه مصدق در زمان حکومت خود اعمالی
انجام داد که حزب توده با آنها موافق بود .

اعمال مصدق که حزب توده با آن موافق بود بستن مجلس سنا - انحلال
مجلس دوره ۱۷ از طریق رفراندوم - اقدام برای محدود کردن اختیارات
مقام سلطنت - عدم تمکین از فرمان عزل - آزادی نسبی که حزب توده در
زمان مصدق داشت .

(صفحه ۶۹ بازجوئی)

از این اعترافات و نوشته های مسئولین و رهبران سازمان افسران توده
علاوه بر آنکه صریحا " نقش آشوب طلبانه این سازمان و حزب منحلّه توده
در وقایع ۲۵ تا ۲۸ مرداد و نیز نقشه و مقدمات شورش مسلحانه آنها در روز
۳۰ مرداد که در نطفه خفه گردید آشکار میگردد ؛
ضمنا " حزب منحلّه توده نسبت به حکومت دکتر مصدق خوش بین
بوده و روش او را موافق هدف های خویش میدانسته و با دوام و بقای او
موافق بوده است .

زندانیان این محل خبر اعدام خود را حاضرند با شادی بشنوند
در کتاب سیاه از قول فرماندار نظامی نوشته شده:

در جریان بازجویی متهمین از آزادی کامل برخوردار بوده و برای دفاع از خود میتوانند از هر گونه وسایل قانونی استفاده کنند برای اطلاع خوانندگان عزیز از وضع افسران و افراد دستگیر شده قسمتهائی از نشریه " رژیم ترور و اختناق " را در زیر می آوریم:

حکومت کودتای شاه و استعمار گرانی که با توطئه کودتا شاه را بقدرت رسانیدند با وجود برقراری این نظم جهنمی - باز از وجود افسران میهن پرست در ارتش ایران سخت نگران بودند. آنها بدو جهت بر خود لازم میدیدند که هر چه زود تر دستبرد وسیعی بدستگاه ارتش بزنند. "اولا" بدان علت که با وجود این گروه کثیر افسرانی که حتی به قیمت جان خود حاضر نبودند زیر بار ننگ تبعیت از امپریالیستها بروند و در قبال خیانت عظیمی که بشکل انعقاد قرار داد کنسرسیوم در شرق انجام بود ساکت بمانند دور نمای روشنی برای قبولاندن قرار داد وجود نداشت، و بنا بر این وجود این افسران بخودی خود خار راه حکومت شاه و ولینعمتهای او بود و دیگر اینکه آنها لازم میدیدند از مردم و از مجلس و از تمام کسانی که بیم کوچک ترین مقاومتی از ناحیه آنها در قبال این جنایت کبیر میرفت زهر چشم بگیرند، و بهترین راه آن شیبخون زدن بدستگان ارتشی و به بند کشیدن شریفترین و زبده ترین افسران میهن پرست بود. بدینجهت در آستان انعقاد قرار داد و در اثر این دستبرد تبهکارانه در حدود ششصد نفر از برگزیده ترین افسران از پشت میزهای کار خود به سلولهای زندان کشیده

شدند .

بدنیال این فاجعه عظیم جلادان وحشی تر - درنده تر - و خشمگین تر از پیش مشغول کار شدند . شکنجه‌هایی که از طرف جنایتکاران بر افسران و به‌موازات آنها به تمام کسانی که در آن گیر و دار در دام پلیس می‌افتادند وارد می‌گردید بقدری شدید بود که در عرض یک هفته قیافه غالب افسران بکلی مسخ شده بود . روزی که تعدادی از آنها را تیر باران کردند عکسهائی که از آنها منتشر گردید از طرف کسان آنها بسختی باز شناخته می‌شد . برای تشریح این وضع دلخراش بیاد داشتهای زیر رجوع کنیم که مربوط بدوران پس از گرفتاری افسران می‌باشد :

"هیچیک از کسانی که زیر شکنجه قرار می‌گیرند نمیتوانند جان سالم بدر ببرند . عاجز میشوند و بسر حد مرگ میرسند ، زندانیان حمام زرهی شلیک تیر باران دسته جمعی افسران را میشوند - ولی بجای تاسف بحال آنها غبطه می‌خورند . بدون استثناء زندانیان این محل خیر اعدام خود را حاضرند با شادی بشنوند زیرا اعدام برای آنها رهائی است . دست دانشجویی در اثر شکنجه خشک شد . دانشجوی بیست و دو ساله ای را دوازده روز تمام زیر شکنجه‌های مختلف پیرکردند . طی چند روز موهای او سفید شد . قیافه اش باندازه بیست سال پیر شد . پدر و مادرش او را حالا نمیشناسد . آنها نمیتوانند تصورکنند که این پیر مرد لاغر زجر دیده پسر ۲۲ ساله آنهاست . در یاد داشت دیگری چنین می‌خوانیم :

"من چیز زیادی نداشتم برای جلادان فاش کنم . خود آنها هم تط حدودی اینرا میدانستند که من در کنه اسرار سازمانی وارد نبوده ام . با وجود این نسبت به من انواع شکنجه ها را معمول داشتند . چه شبهای وحشت انگیزی ! جلادها معمولاً "در ساعات نیمه شب سر و کله شان پیدا میشود . چقدر دشوار و وحشت زاست ! هر روز ناگزیریم ساعتها در جلو رجاله ای بنام بازپرس حساب پس بدهیم ، توهین کردن . . . سیلی زدن - با مشت بدهان کوبیدن و دهان را

بر خون کردن - آتش سیگار پشت دست و گردن گذاشتن - از کارهای عادی و جزو ناز و نوازش اوست . . . اما وحشت شبها چیز دیگر است ، قابل تصور نیست ، از هر صدائی که از خارج سلول بگوش میرسد ، بر خود میلرزیم ، تشنج اعصاب یک حالت دائمی پیدا کرده است ، از شدت درد و خستگی مدهوش میشویم و اسم آنرا خواب میگذاریم . در خواب بدون استثناء با کابوسهای وحشت خیز و رویاهای هول انگیز و اشباح مخوف سر و کار داریم . هراسان از خواب می جهیم ، سوزش تازیانه ، مامورین عذاب را بر بدن خود احساس میکنیم که ما را به شکنجه گاه میخوانند . . . بیجهت نیست که در مدت یک یا دو هفته مانند آنست که سالهای متمادی از سرما گذشته است و ما را با قدمهای خمیده صورت های فرو رفته و چروک افتاده - اعصاب خرد شده و بدنهای علیل در میآورد . . .

رفقای افسر ما پس از یک دوران شکنجه های فجیع بالاخره در پناه مرگ روی آسایش بخود دیدند ، وقتی صدای شلیک گلوله هوائی که بدن آنها را مشک میکرد به گوش ما میرسید از یک جهت خوشحال میشدیم و از یک جهت غیظه میخوردیم ، خوشحالی ما برای آن بود که میدانستیم جلاد ها کینه خاصی نسبت بآنها دارند و در شکنجه کردن آنها از فجیع ترین کارها روگردان نیستند . . . و آنچه که بر ما میگردد در برابر آنها بازیچه است و بنابراین مرگ برای آنها آسایش می آورد ، غیظه ما بحال آنها هم بهمین علت بود و ما آرزو میکردیم که هر چه زودتر سرنوشت آنها بسراغ ما بیاید و ما را از این همه رنج و درد برهاند . . .

در جریان تمام این شکنجه ها آنچه که بیشتر نفرت هر فرد انسانی را که شایسته مقام انسانی است بر می انگیزد روش چند تن از پزشکان بود که بعلت همکاری با پلیس بزرگترین توهین را بمقام و شخصیت پزشکها و به مقام علمی و پزشکی وارد کردند ، برای مثال دو نمونه را ذکر میکنیم :

نمونه اول مربوط به پزشکی است از پزشکهای قانونی دادگستری در ۱۳۳۳ که در اثر انعکاس شدید داستان شکنجه ها قبل از دستگیری افسران

مامور معاینه دو تن از کسانی که مورد شکنجه قرار گرفته بودند ، وی سی از معاینه اعلام داشت که در بدن آنها آثار شکنجه دیده نشده فقط حوشهائی دیده شده که ممکن است یک عارضه پوستی باشد ، خود همین موضوع نشان میدهد که دستگاه قضائی ما چگونه و تا به کجا تحت سیطرهٔ دستگاه پلیس قرار گرفته است ، یکی دیگر از این پزشکان مامور نظارت در شکنجه ها بود ، وی نبض شخصی را که در زیر شکنجه می افتاد در دست میگرفت و همینکه او را در خطر مرگ مبدید علامت ایست میداد ، محروح را به بیمارستان میبرد ، زخمها را مرهم مینهاد تا او را برای شکنجه بعدی آماده کند ، منظور از این روش اهریمنی آن بود که شخص را در اثر شکنجه طولانی درهم بشکنند و قبل از مرگ او را وادار به تسلیم نمایند .

محکومیتهای فرمایشی افسران و افراد بیگناه

سازمان افسران توده

الف - افسران و افراد شهید محکوم باعدام که حکم در بارهٔ آنان اجرا گردیده است

ردیف	درجه	نام	پدر شهرت	سمت در سازمان
۱ -	سرهنگ ژاندارم	عزت الله	حسین سیامک	عضو هیئت دبیران ، عضو هیئت اجرائیه مسئول مالی ، مسئول شاخه ژاندارمری
۲ -	سرهنگ ستاد	محمد	محسن جلالی	مسئول حوزه
۳ -	" ۲ توپخانه	محمد علی	عباس مبشری	عضو هیئت دبیران عضو هیئت اجرائیه مسئول تشکیلات مسئول شاخه شهرت یابی

- ۴- " " مخابرات نعمت الله علی اکبر عزیز نمینی مسئول حوزه
- ۵- " " پیاده کاظم بزرگ جمشیدی "
- ۶- " " " " امیر پرویز افشار بکشلو "
- ۷- سرگرد پیاده جعفر ابوالقاسم وکیلی عضو هیئت دبیران ،
مسئول تبلیغات ، مسئول
شاخه مسئول حوزه
- ۸- " مهندس نصرالله عبدالغفار عطارد مسئول حوزه
- ۹- " ژاندارم هوشنگ عزیز وزیریان "
- ۱۰- سرگرد پیاده غلامحسین حسینقلی محبی مسئول حوزه
- ۱۱- " سوار محمدرضا حسن بهنیا "
- ۱۲- سروان شهربانی نظام الدین میر احمد مدنی "
- ۱۳- " " " " نوراله ابراهیم شفا "
- ۱۴- " " " " محمد علی ابراهیم واعظ قائمی "
- ۱۵- سروان سوار حسین حسن کلالی "
- ۱۶- " مهندس احمد عزیزاله مهدیان "
- ۱۷- " " " " مصطفی محمد بیاتی "
- ۱۸- " توپخانه منصور حسن کلهری "
- ۱۹- ستوان شهربانی عباس ابراهیم افراخته "
- ۲۰- " " پیاده محمد باقر صادق واله "
- ۲۱- غیر نظامی مرتضی ابراهیم کیوان قزوینی کوپل سازمان افسران

توده

۲۳- ستوان ۱ هوآئی موجهر محمد مختاری، گلپایگانی عضو هیئت اجراییه

مسئول شاخه هوآئی

فنی - پزشکی -

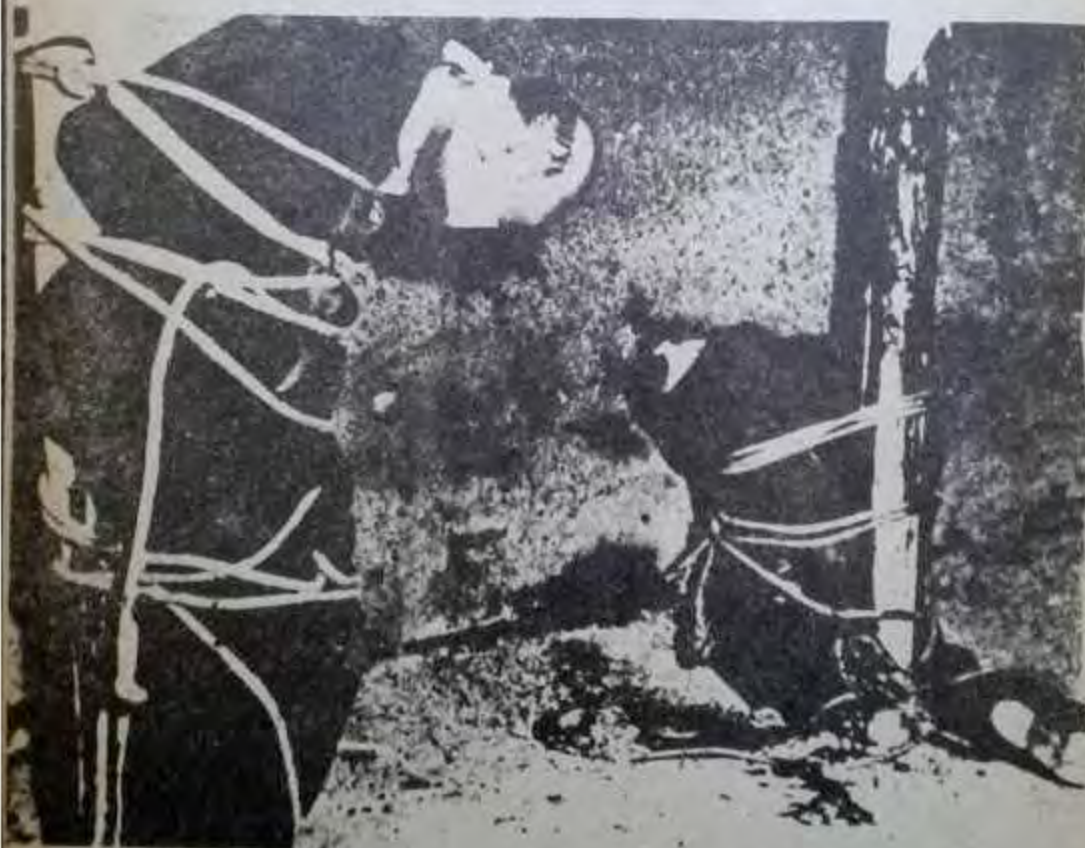
مسئول تعلیمات

۲۴- ستوان ۳ هوآئی اسدالله سیدحسین نصیری عضو رسمی

۲۵- سرگرد سوار ارسطو خسرو سروشیان مسئول شاخه

۲۶- ستوان ۱ اخراجی هوآئی حسین سیف‌الله مرزوان "حوزه

۲۷- سرگرد هوآئی رحیم محمدعلی بهزاد "شاخه



سرهنگ سیامک و سرهنگ مشیری پس از تیرباران

ب- اسامی افسران و افراد بگناه سازمان افسران تودیه که محکوم باعدام
گردیده ولی بفرمان شاه سزاگ و فاسد با یک درجه تخفیف بزندگان دائم یا
کار محکوم گردیده اند

ردیف	درجه	نام	نام پدر	شهرت	سمت در سازمان
۱-	سروان	هوائی حسن	نعمت الله	منوچهری	مسئول حوزه
۲-	"	" کاظم	عباسعلی	میمنه نژاد	"
۳-	"	" علی	عباس	کراکوهی	"
۴-	"	" محمدباقر	علی	پور مختار	"
۵-	ستوان ۱	هوائی غلامرضا	حسینعلی	نظری	"
۶-	"	" سوار ابراهیم	سلیمان	یونسی بانه	"
۷-	ستوان ۲	هوائی داود	سلیمان	بصری تهرانی	"
۸-	دانشجوی	هوائی عباس	محمدتقی	ابوالقاسم زاده	"
۹-	غیر نظامی	عباس	بابا	قرقانی آبکناری	مسئول کمیته خاش
۱۰-	"	ابوالفتح	حسینعلی وثوق زمانی	عضو حزب منحل	و مخفی کننده یکی از افسران متواری
۱۱-	ستوان اخراجی	خسرو	محمد علی	پوریا	مسئول حوزه
۱۲-	سرهنگ ۲	توپخانه حبیب اله	علی اکبر	فضل الهی	مسئول حوزه، کاپل افسران فراری
۱۳-	سرهنگ ۱	اندارم حبیب اله	رضا	پرمان	عضو رسمی
۱۴-	سرگرد	بیاده عبدالصمد	علی	خیر خواه	مسئول حوزه
۱۵-	"	توپخانه محمد	سید عزیز	ویدافر	عضو رسمی
۱۶-	"	مخابرات مرتضی	سید حسین	صدرالاشرفی	مسئول حوزه
۱۷-	"	بیاده مهدی	عبدالوهاب	همایونی	عضو رسمی

- ۱۸- " " ابراهیم خلیل خلیلی "
- ۱۹- " توپخانه اردشیر عبدالکریم واثق کشتگر مسئول حوزه
- ۲۰- " پیاده هادی عبدالحسین افکاری "
- ۲۱- " توپخانه پداله اسداله شهیدی زندی "
- ۲۲- " هوائی محمد ابراهیم شاهسار "
- ۲۳- " توپخانه علی محمد ارحامی "
- ۲۴- " پیاده میرحمزه سیر عباسقلی یعقوبی شهیر "
- ۲۵- سروان توپخانه حسین علی اکبر رزم یور "
- ۲۶- سروان فنی محمد جعفر محمد رضا محمدی عضو رسمی
- ۲۷- " فنی اکبر حسین داد خواه مسئول حوزه، کویل
افسران قراری
- ۲۸- " " مختار عزت بانی سعید مسئول حوزه، مامور
ساختن مهمات
- ۲۹- " سوار هوشنگ علی مددی عضو رسمی
- ۳۰- " پیاده هیبتاله علی افخمی اردگانی " "
- ۳۱- " سوار ابوالقاسم محمد قره گوزلو عضو و رابط شاخه
آبادان
- ۳۲- " پیاده اسماعیل محمد فیاضی عضو رسمی
- ۳۳- " مهندس اسماعیل محمد علی نباتی مسئول حوزه
- ۳۴- سروان مخابرات عبدالعلی علی قاسملو مسئول شاخه
- ۳۵- " پزشک محمد علی علی صابر عضو رسمی
- ۳۶- " پزشک حسین ابوالفضل ملکی "
- ۳۷- " پیاده حسینقلی سهراب حشمتی مسئول شاخه گرگان
- ۳۸- " توپخانه عبداله محمود پروین مسئول شاخه خرم آباد
- ۳۹- " مهندس صمد اسداله یور اسداله "

- ۳۰- " پیاده غلامحسین عباسعلی بقیعی مسئول شاخه
- ۳۱- همردیف ستوان ۱ علی اکبر اکبر هیربد عضو رسمی
- ۳۲- ستوان ۱ هوئی (فتی) هوشنگ ابراهیم سلطانی مسئول حوزه
- ۳۳- " پیاده محمد علی عبدالجواد عموی " " "
- ۳۴- سروان مخابرات عبدالعلی علی قاسمو مسئول شاخه
- ۳۵- " پزشک محمد علی علی صابر عضو رسمی
- ۳۶- " پزشک حسین ابوالفضل ملکی " " "
- ۳۷- " پیاده حسینقلی سهراب حشمتی مسئول شاخه گرگان
- ۳۹- " مهندس صد اسداله پور اسداله " " "
- ۴۰- " پیاده غلامحسین عباسعلی بقیعی مسئول شاخه
- ۴۱- همردیف ستوان ۱ علی اکبر اکبر هیربد عضو رسمی
- ۴۲- ستوان ۱ هوئی هوشنگ ابراهیم سلطانی مسئول حوزه
- ۴۳- " پیاده محمد علی عبدالجواد عموی " " "
- ۴۴- ستوان ۱ شهربانی کاظم نادر سهیل عضو رسمی
- ۴۵- " پزشک غلامحسین حسن دفتری معاون مسئول حوزه
- ۴۶- " پیاده محمد حسن سعداله مهرانئ مسئول حوزه
- ۴۷- " " محمد رجب لنگری فردوسی " " "
- ۴۸- " " تقی علی کی منش " " "
- ۴۹- " توپخانه کریم رحیم زندوانئ مسئول شاخه تبریز
- ۵۰- ستوان ۲ شهربانی ابوتراب کربلائی آقا باقرزاده عضو رسمی
- ۵۱- ستوان ۱ پیاده مسعود محمد قره چه داغی " " "
- ۵۲- سرهنگ ۲ ستاد محمود جعفر خان افشنگ مسئول حوزه



ج- اسامی افسران و افراد بیگناه سازمان افسران توده که محکوم به زندان دائم با کار گردیده اند

ردیف	درجه	نام	نام پدر	شهرت	سمت در سازمان
۱	سرهنگ پیاده	حسن	کاظم	جاوید	مسئول حوزه
۲	" ستاد	کیخسرو	رستم	کشاورز	عضو رسمی
۳	" مالی	رحیم	مهدی	ژیانفر	مسئول حوزه
۴	سرهنگ ۲ پیاده	فتح اله	علیمدد	پهلوان	مسئول حوزه
۵	سرهنگ ۲ ژاندارم	علی اکبر	محمد حسین	انتظامی	عضو رسمی
۶	سرهنگ ۲ سوار	اسداله	علی اکبر	کاظمیان	" "
۷	" "	عباس	محمد	رشیدی	" "
۸	سرگرد اداری	محمود	علی	رهنمون	" "
۹	" توپخانه	عبدالحسین حاجی	مومنی	"	" "
۱۰	" مالی	احمد	غلامرضا	تیوا	" "
۱۱	" فنی	غلامحسین تقی	سخامنش	"	" "
۱۲	" مهندس	منصور	عباس	احمدی	" "
۱۳	" مخابرات	حسین	محمد	فطروسی	" "
۱۴	" پیاده	عبدالعزیز	نورمحمد	رستمی گوران	"
۱۵	" ژاندارم	علیرضا	عباس	پورمرودشتی	"
۱۶	" هوائی	احمد	محمد	ژیلا	"
۱۷	سروان فنی	محمد	رضا	درمشیان	مسئول حوزه
۱۸	سروان شهربانی	اسماعیل	محمد باقر	طاهریان	عضو رسمی
۱۹	سروان پیاده	عباس	شعبان	اوغازی	مسئول حوزه
۲۰	سروان شهربانی	منصور	محمود	عدل	عضو رسمی
۲۱	سروان فنی	جواد	اسداله	شعاعی	"
۲۲	سروان پیاده	ابوالقاسم	محمد تقی	بوذرجمهری	"

- ۲۳- سروان پیادہ محمد جواد عبدالحسین اقلیدس "
- ۲۴- سروان پیادہ محمد اسماعیل قاسم ذوالقدر "
- ۲۵- سروان فنی محمود احمد آشنائی مسئول حوزہ
- ۲۶- سروان پیادہ غلامعباس محمد فروتن عضو رسمی
- ۲۷- سروان پیادہ منیرالدین معالی علوی "
- ۲۸- سروان فنی فیض الہ علی اکبر زینعلی یزدی "
- ۲۹- سروان پیادہ خلیل علیقلی معظمی گودرزی "
- ۳۰- سروان فنی محمد صادق علی رثوفی "
- ۳۱- سروان فنی عبدالہ حسین دوستی "
- ۳۲- سروان فنی محمود محمد علی پورعسگری "
- ۳۳- سروان فنی خلیل حسین موسویان مسئول حوزہ
- ۳۴- سروان یزشک علی رحیم شیوا "
- ۳۵- سروان پیادہ عباس حسین حجری بجستانی عضو رسمی
- ۳۶- سروان پیادہ رضا عباسعلی ارفعی اسکوٹی "
- ۳۷- سروان یزشک علی اکبر علی اصغر اسلام دوست "
- ۳۸- سروان توپخانہ سید احمد سید سلطان یگانی نژاد "
- ۳۹- سروان مہندس علیقلی اسماعیل پور اسماعیل "
- ۴۰- ستوان شہربانی عباس ابراہیم اسلامی مسئول حوزہ
- ۴۱- ستوان یزشک محمد حسن یار محمد خیر محمدی مسئول حوزہ
- ۴۲- ستوان یزشک عبدالکریم محمد باقر انواری "
- ۴۳- ستوان فنی نادر زلفعلی نرگس زنجانی "
- ۴۴- ستوان یزشک پاشا عبدالہ مشکوتی "
- ۴۵- ستوان یزشک محمد ہادی طیوری "
- ۴۶- ستوان شہربانی سید کاظم سید صادق طباطبائی گیلانی عضو رسمی
- ۴۷- ستوان شہربانی محمد مسعود مشرف الملک "

- ۴۸- ستوان ۱ سوار ایرج غلامعلی همایون پور مسئول حوزه
- ۴۹- ستوان ۱ فنی محمود یعقوب محمدی گوکانی "
- ۵۰- ستوان ۱ فنی محمد قلی علی محمد ثقفی "
- ۵۱- ستوان ۱ مالی علی محمد حسینقلی افغانی "
- ۵۲- ستوان ۱ شهربانی محمود فتحعلی مقدم عضو رسمی
- ۵۳- ستوان ۱ مخابرات تیمور محمد عیسی گلصورت پهلویانی "
- ۵۴- ستوان ۱ سوار عبدالمجید محمد رضا صمیمی "
- ۵۵- ستوان ۱ زرهی ایرج مرتضی ایروانی "
- ۵۶- ستوان ۱ پزشک ضیاء الله ابراهیم شهرستانی "
- ۵۷- ستوان ۱ فنی رمضان رحیم نصرافغانی "
- ۵۸- ستوان ۱ هوایی میرمحمد حسین سید علی سید هوشمند "
- ۵۹- " " یوسف محمد جودی "
- ۶۰- ستوان ۱ پیاده حسین عباس رسولیپور مسئول حوزه
- ۶۱- " " رضا محمد کلانتری خاندانی عضو رسمی
- ۶۲- " " محمد علی اکبر مشکوری "
- ۶۳- ستوان یکم توپخانه قدرت اله نظر پهلوان عضو رسمی
- ۶۴- ستوان ۱ مهندس غلامرضا حبیب اله تقوی "
- ۶۵- ستوان ۱ فنی احمد محمد تمدن دلال "
- ۶۶- ستوان ۲ دامپزشک احمد حسین افشار قنلی "
- ۶۷- ستوان ۲ پزشک حسین بیوک واهب زاده "
- ۶۸- ستوان ۲ پزشک عظیم یحیی وهاب زاده "
- ۶۹- " " خلیل جلال سعادت "
- ۷۰- " ۲ شهربانی ناصر اکبر نودوشنی "
- ۷۱- " ۲ هوایی هوشنگ عبدالله نیساری "
- ۷۲- " " رضا باقر شلتوکی "
- ۷۳- " " منوچهر محمود علیزاده "

- ۷۴- " ۲ پیاده اصلان ابراهیم سلطانجی "
- ۷۵- " ۲ زرهی هوشنگ علی قربان نژاد "
- ۷۶- " " محسن ستار روشنائی طلایه "
- ۷۷- " ۲ هوائی پرویز اصغر میریها "
- ۷۸- " " عبدالله ابوالقاسم آزادیان "
- ۷۹- " " جهانگیر حسین اعتصامی "
- ۸۰- " ۲ فنی منوچهر عبدالرضا کیانی "
- ۸۱- " ۲ سوار شریف پرویز شاه سنی بختیار عضو آزمایشی
- ۸۲- " ۲ پزشک ابوالقاسم محمد بهار لو عضو رسمی
- ۸۳- " " ناصر صابر فیوضی "
- ۸۴- " ۲ پیاده علی اشرف علی آقا شجاعیان "
- ۸۵- دانشجو مسعود ابوالفضل ملکی عضو رسمی
- ۸۶- " محمدحسن محمدصادق دوستدار خوش قلب "
- ۸۷- " عبدالرحمن حسن زرنندی "
- ۸۸- غیرنظامی حسن اسماعیل سید حسینی سبزواری رابط سازمان
با حزب منحل متوده
- ۸۹- " محمود رحیم رحمانی "
- ۹۰- " احمد عبدالحسین رهنما "
- ۹۱- ستوان (مهندس) نور حسین عبیشزاده عضو رسمی
- ۹۲- اخراجی هوائی محمد علی اکبر هنریار "



د - اسامی افسران و افراد بیگناه سازمان افسران توده که به ۱۵ سال زندان
با کار محکوم گردیده اند

ردیف درجه	نام	نام پدر	شهرت	سمت در سازمان
۱-	سرهنگ شهربانی محمود	رحیم	پرویز	عضو رسمی
۲-	" ستاد سید حسین	سید رضا	صدیق یحوی	"
۳-	" ۲ سوار حسن	عباس	دانشور	"
۴-	" ستاد محمد صادق	جبرئیل	وازنهان	"
۵-	سرگرد مخابرات ابوالحسن	سید جعفر	عظیم زاده	"
۶-	" توپخانه ترو	طه	آل گیلانی	"
۷-	" ژاندارم عبدالله	اسداله	قاسمو	"
۸-	" " اسماعیل	ربیع	نیک آئین	"
۹-	" " صادق	اسماعیل	رودی	"
۱۰-	" " حمید	حمداله	آدرم	"
۱۱-	" هوائی حسن	احمد	نبئی	"
۱۲-	" ژاندارم محمد کاظم	عبداله	ملکی	عضو آزمایشی
۱۳-	" مهندس غلامرضا	احمد	احمدی زید آبادی	عضو رسمی
۱۴-	" سوار علی اکبر	محمد باقر	رنگرزی رحیمی	"
۱۵-	" پیاده صالح	یوسف	نجات	"
۱۶-	" پیاده محمد علی	ابوالقاسم	فاضل عبدل آبادی	"
۱۷-	" مالی ابوالقاسم	حسن	مهدب حسنیان	"
۱۸-	سرگرد پیاده بهاء الدین	مصطفی	قائم	عضو رسمی
۱۹-	" " محمود	اسداله	صالحی	"
۲۰-	سروان پزشک فضل اله	ذبیح اله	زاهدی طبرستانی	"
۲۱-	" " محمد	باقر	درهمی	"

- ۲۲- " شهربانی حسن ابراهیم بهرامی "
- ۲۳- " " جواد رضا صادق اصفهانی "
- ۲۴- " " محمد جواد رضا درمشیان "
- ۲۵- " " قاسم رضا تاری "
- ۱۶- " " منوچهر علی پارسا دوست "
- ۲۷- " هوائی رضا یوسف سهیل "
- ۲۸- " پیاده اسماعیل اسماعیل خانوالی "
- ۲۹- " " رمضان رضا مشرفیان دهکردی "
- ۳۰- " فنی طه رضا ملکی "
- ۳۱- " توپخانه فرخ علیرضا بصیری "
- ۳۲- " پیاده علی اکبر امین الد نصیری "
- ۳۳- " " حسن علی سدیدی "
- ۳۴- " " محمد حسن ابوالعلاء اوحدی "
- ۳۵- " پزشک رضا تقی غضنفرپور "
- ۳۶- " سوار محمد صادق علی دلیر آذر "
- ۳۷- " پزشک مهدی غلامحسین کوچکرشتی "
- ۳۸- " پیاده بهمن علی حبیبی "
- ۳۹- " پزشک اسماعیل مجید بازرگان "
- ۴۰- سروان مهندس محمد تقی فخرالدین جلیلی عضو رسمی
- ۴۱- " پیاده غلامرضا عبدالله رضائی زاده فیروز آبادی "
- ۴۲- " هوائی خداداد سید آقا چرگری عزتی "
- ۴۳- " دامپزشک مهدی باقر جاماسب "
- ۴۴- " هوائی آقا خان قربانعلی پور دولت صفری تنکابنی "
- ۴۵- ستوان (پزشک غلامحسین عنایت‌اله مزدا
- ۴۶- " هوائی کامبیز شاهپور دادستان "
- ۴۷- " شهربانی سیروس شهریار شهرباری "

- ۴۸- " " سید جعفر سید اسماعیل ابوالحسنی "
- ۴۹- " سوار " اصغر چراغعلی نوروزیان "
- ۵۰- " توپخانه " لواء الله شکراله امین "
- ۴۱- " " عبدالمجید علی کشواد "
- ۵۲- " پیاده " محمد مهدی محمد انصاری گیلانی "
- ۵۳- " زرهی " شمسالدین تقی صدوقی "
- ۵۴- " پزشک " علی اکبر علی فغانی "
- ۵۵- " " محمد حسن علی شیخ الاسلامی "
- ۵۶- " ژاندارم " ناصر تقی جنیدی "
- ۵۷- " " حسن محمد باقر شکوهی "
- ۵۸- " " عبدالله حسن مهاجرانی "
- ۵۹- " پیاده " صمد ابوالفضل ملکی "
- ۶۰- " پزشک " حسن رضا گلپاز "
- ۶۱- " فنی " هرمز شهریار شهریاری "
- ۶۲- ستوان پزشکیار رحمت اله حبیب اله دلیری عضو رسمی
- ۶۳- " پزشک " مسعود محمد سعید ارجمند "
- ۶۴- " توپخانه " هوشنگ محمد جواد کریمی "
- ۶۵- " پزشک " اسداله میرزا کوشکی "
- ۶۶- " پیاده " مختار عبدالله دیلمقانی "
- ۶۷- " زرهی " صادق یوسف قائمقامی "
- ۶۸- " پیاده " علیمحمد رمضان قانسون "
- ۶۹- " " سهراب حسن صبوری دیلمی "
- ۷۰- " " احمد محمد صادق محامد "
- ۷۱- " فنی " محسن مهدی نراقی "
- ۷۲- " " نظام الدین محمد ناظم رضوی "
- ۷۳- " پیاده " مجید ابوالفتح عمیدی تهرانی "

- ۷۴- ستوان ۲ شہربانی ہدایت الہ حسن خواب نما "
- ۷۵- " " ایرج احمد کریمیان "
- ۷۶- " " حسین جعفر قلی کرمان "
- ۷۷- ستوان ۱ ہوائی محمد قلی رحیم نصر الہی "
- ۷۸- " پزشک ہوشنگ حبیب الہ حدیدی "
- ۷۹- " " داود مهدی ہمدانی "
- ۸۰- " پزشک یوسف یعقوب محمدی گوکانی "
- ۸۱- " فنی نعمت الہ مهدی زمانی "
- ۸۲- " زرہی علی محمد اسماعیل اربابی "
- ۸۳- " سوار پرویز زین العابدین موتمنی آذر "
- ۸۴- ستوان ۱ پیادہ جعفر قلی حسینقلی طیبی "
- ۸۵- " " علی اصغر سیدرضا قریشیان "
- ۸۶- " مهندس ہوشنگ عزیزالہ ایازی "
- ۸۷- " پیادہ یعقوب علی فیض خواہ "
- ۸۸- " ہوائی علی اصغر غلامرضا عطائی معتمدیان "
- ۸۹- " پیادہ فریدون کریم داراب نیا "
- ۹۰- " سوار محمد علی شکرالہ پیوندی "
- ۹۱- دانشجوی ہوائی عباس حسین عبوقی "
- ۹۲- " محمد نقی رضا زادہ "
- ۹۳- گروہبان ۲ ہوائی مرتضیٰ احمد باستانی "
- ۹۴- دانشجوی ہوائی جواد محمد ابراہیم مقارہ "
- ۹۵- " شہربانی علی اکبر محمد قدس نہوی "
- ۹۶- " ہوائی رضا احمد مدنی "
- ۹۷- " " اسدالہ خداداد ظفری عزیزبی "
- ۹۸- " " غلامعباس شیرالہ سلطانپور "
- ۹۹- " " پرویز ابوالحسن فتورہ چی "

۱۰۷	ناصر	محمد باقر	جهان آراء	"
۱۰۸	حسين	علي اكبر	كشاورز كرماني	"
۱۰۹	محمود	ذبيح الله	مرکبي	"
۱۱۰	محمد رضا	محمد حسين	حسن زاده	"
۱۱۱	حسين	لطف اله	عالم بيكر	"
۱۱۲	هوشنگ	حسن	هرزويلي	"
۱۱۳	"	دانشجوی هوآئي	فرييدون فتح اله عظيم	"
۱۱۴	نصرت اله	محمد طاهر	نویدی	"
۱۱۵	ايرج	خانباخان	بيضائي	"
۱۱۶	ناصر	حسين	غزاليپور	"
۱۱۷	سعيد	امير	نواب صفوي	"
۱۱۸	منوچهر	عزيزاله	نادر شاهي	"
۱۱۹	استوار ۲ هوآئي	محمد تقی	مشتاقي	"
۱۲۰	مهدی	محمد حسن	مهديان	"
۱۲۱	اسکندر	عبداله	همايونپور	"
۱۲۲	" (اخراجی)	اسکندر	حسينقلی ارگانی	"
۱۲۳	هوشنگ	حاجيگل	سهرابزاده	"
۱۲۴	مصطفى	محمود	احسان	"
۱۲۵	جعفر	موسی	لياقت رو	"
۱۲۶	هنرآموز	محمد تقی	ماشاء اله ناصرالمعمارين	"



ہ۔ اسامی افسران و افراد بیگناہ سازمان افسران تودہ کہ بہ ۱۰ سال زندان

مجرد محکوم شدہ اند			
ردیف درجہ	نام	نام پدر	شہرت
۱۔	سرہنگ ستاد عباس	عبدالحسین	فصیحی
۲۔	سرگرد سوار منصور	حسن	رسیدیگی
۳۔	" فنی	علی اصغر	ماشاء اللہ باقر
۴۔	" پیادہ	حسین	اسدالہ فروید
۵۔	" ژاندارم	یحیی	محمد ہاشم نصیری
۶۔	"	احمد	علی باقری
۷۔	" ہوائی	محمد	احمد فرسجیان
۸۔	" پیادہ	مختار	عبدالہ کاتوزی
۹۔	" سوار	فاتح	محمد باقر سرہنگ پورنمین
۱۰۔	" پیادہ	حسین	احمد حسین زادہ صدیقی
۱۱۔	"	عنایت اللہ	برخوردار پهلوان
۱۲۔	"	حسین	محمود نوربخش خیابانی
۱۳۔	" فنی	محمد صادق	علی محمد زادہ روحانی
۱۴۔	" سروان شہربانی	علی اکبر	حسن بہزاد
۱۵۔	" ہوائی	محمد علی	جعفر بہمنیہ
۱۶۔	" توپخانہ	جمہور	اکبر دلروز
۱۷۔	" مخابرات	روح اللہ	ولی فرزاد
۱۸۔	" سروان پیادہ	مصطفی	عباس رحیمی
۱۹۔	" سوار	امیر ناصر	اسدالہ اربابی
۲۰۔	" پزشک	محمود	کاظم انیران
۲۱۔	" پیادہ	غلامحسین	حبیب آگنج
۲۲۔	" سوار	ہادی	صادق ارسلانپور

- ۲۳- " پیاده مصطفی علی حامدی "
- ۲۴- ستوان ابرشک محمد حسن عبدالباقی توحیدی "
- ۲۵- " کمال الدین یحیی دهشیری "
- ۲۶- " محمد سلیمان وفائی "
- ۲۷- " صادق ماشاله مهرآبادی "
- ۲۸- " هوشنگ محمد قلی مهاجرو پسران "
- ۲۹- " احمد عباس کریم نیا "
- ۳۰- " شهربانی امیر نعمت اله گل آرا " رسمی
- ۳۱- " " محمد حسین ابوالحسن مدرس تهرانی "
- ۳۲- " " محمد مهدی بوربور "
- ۳۳- " پزشکیار پرویز محمود سلطانی "
- ۳۴- " مالی مجید کریم زندکریمی "
- ۳۵- " ایرج مهدی نژند "
- ۳۶- " سوار اسماعیل فرهاد فهم " آزمایشی
- ۳۷- " توپخانه صادق غلامرضا بادبزنچی "
- ۳۸- " " شاپور ابوالحسن کریمی "
- ۳۹- " شهربانی گیو حسن نیکروان "
- ۴۰- ستوان ۱ شهربانی غلامرضا علیرضا نوری خواجوی عضو رسمی
- ۴۱- " منصور محمد پازسای فضل "
- ۴۲- " پزشک علی مهدی نراقی " آزمایشی
- ۴۳- " توپخانه روح اله عزیز اله عباسی "
- ۴۴- " پیاده هوشنگ رحمن سلیمانی "
- ۴۵- " سوار جواد محمد تقی امینی رانکوهی "
- ۴۶- " " سهراب علی خیرخواه مشکوتی "
- ۴۷- " پیاده رضا محمد رویانی "
- ۴۸- " فنی محمود شکر اله پاینده "

- ۴۹- "پزشک ناصر مجتبیٰ شجاع نیا "
- ۵۰- "دامپزشک سید حسن سید ہاشم ملجائی پناہگاہی "
- ۵۱- "پزشک داریوش جعفر وکیلی "
- ۵۲- " رحیم عبدالکریم نظریان "
- ۵۳- " مہدی عزیز ملکی "
- ۵۴- " فنی بخش الہ سیف الہ اویسی "
- ۵۵- " ہوائی محمود اصغر زونقی " آزمائشی
- ۵۶- " محمود علی اکبر طبعی "
- ۵۷- " احمد محمد رضا انتصاری "
- ۵۸- " مہدی ہادی بسیجی "
- ۵۹- " عبدالعلی حسین کامیاب "
- ۶۰- " خسرو عبدالعلی ہمایونپور "
- ۶۱- " دامپزشک محمد تقی اس قومی عضو رسمی
- ۶۲- ستوان پیادہ ہوشنگ محمد تقی سلطانی عضو رسمی
- ۶۳- " عبدالرسول محمد یوسف رسولیان "
- ۶۴- " شہربانی مہدی حاج جعفر پور آریان " آزمائشی
- ۶۵- دانشجوی ہوائی بہمن غلامرضا لک نیا " رسمی
- ۶۶- " مرتضیٰ ذبیح اللہ زاہدی " رسمی
- ۶۷- " بہرام غلامحسین فرناشپور "
- ۶۸- " علی اصغر ضیاء الدین طیبی "
- ۶۹- " شہربانی بحرالدین بیوک مہین تاش "
- ۷۰- " محمد مہدی عبدالہ رضائی زادہ "
- ۷۱- " ہوائی غلامرضا علی اکبر دل افکاران "
- ۷۲- " محمود اسدالہ قصیح زادہ "
- ۷۳- " علی محمد بیجاری پور "
- ۷۴- " ہوشنگ غلامحسین محسنی فرد "

- ۷۵- " غلامرضا حسن شیخزین الدین "
۷۶- استوار ۲ هوائی غلامعلی حسن سیوری " آزمایشی
۷۷- " لطف اله بدیع اله رضوانی "
۷۸- سرگرد سوار کاظم هدایت مفیدی آقا عضو رسمی
۷۹- سرگرد توپخانه علی اکبر عبدالجسین بهمیش "



نخستین گروه اسیران سازمان نظامی که بعد از دستگیری عباسی بدام افتادند آنها در زندان با خمیر نان شطرنج ساخته و بازی میکردند.

و- اسامی افسران و افراد بنگاه سازمان افسران توده که به ۸ سال زندان

مجرد محکوم شده اند					
ردیف	درجه	نام	نام پدر	شهرت	سمت در سازمان
۱-	ستوان	بزشک	سیاوش	نیک اعتقاد	عضو رسمی
۲-	"مهربانی	ایرج	رحیم	کسرائی	"
۳-	"بزشک	ناصر	عبداله	اباذرنیا	"
۴-	"۲"	عزت اله	محمد	دهقانی	"
۵-	"۲ هوائی	علیرضا	حسینقلی	وکیلی	"
۶-	دانشجو	خسرو	حسین	پارسائی	"
۷-	سرگرد	بیاده	رضا قلی	غفار	ضیائیان غفاری

ز- اسامی افراد بنگاه سازمان افسران توده که به ۷ سال زندان مجرد

محکوم شده اند					
ردیف	درجه	نام	نام پدر	شهرت	سمت در سازمان
۱-	سروان پلیس	سرا			
	آهن	محمد علی	رحیم	بخشنده	عضو رسمی
۲-	ستوان	هوائی	حسن	محمد تقی	"آزمایشی"
۳-	"۲ بزشک	شکور	محمد علی	واحدیان	"رسمی"
۴-	استوار	هوائی	محمد	حسن	لعل خوشاب "آزمایشی"
۵-	سروان	هوائی	ابراهیم	رضا قلی	کرانفر "رسمی"



انتشارات گلپه
تلفن ۶۷۴۵۷۷

دیجیتال کننده کتاب : نینا پویان